

אפיק
בינה

אפיק
בינה

فرهنگی-اجتماعی-خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره ۳۹
سال دوازدهم
زمستان ۱۳۸۹ شمسی
۵۷۷۱ ۶۶۲۱
عبری Winter 2011 میلادی



شبیه‌سازی از دیدگاه علمای یهود
تلمود، ارزش‌ها و تعالیم آن
معمای گلدسته‌های تورات در شرق ایران
یهودیان فرانسه
زیرآفتاب خوش خیال عصر (نقد کتاب)
عبری بیاموزیم

سال نو مبارک

שנה טובה

بينا

افق

آفك

בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری

ارگان انجمن کلیمیان ایران

سال دوازدهم - شماره ۳۹

زمستان ۱۳۸۹ شمسی

۵۷۶۶۶۶ عبری

Winter 2011 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان ایران

مدیر مسئول: سیامک مره صدق

سر دبیر: فرهاد افرامیان

هیئت تحریریه: دکتر یونس حماسی لاله زار - رحمن دلرحیم - تینا ربیع زاده - ژان پایاب
سامان نجاتی - شرکان انور زاده - مریم حنا سبزوادی - آرش ساکت خو - سیما مقتدر
الهام مؤدب - فرهاد روحانی - لیورا سعید - الین لاویان

مدیر هنری: محمد رضا ساختمانگر

صفحه آرای: مجتبی ساختمانگر

امور داخلی: نسترن جاذب

امور اجرایی: یورام هارونیان

پشتیبانی رایانه‌ای و اینترنت: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان ایران - مردخای امین شموئلیان

عکس: داود گوهریان - داریوش نهاداران - رحمتا.. نهاداران

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: پیش‌برد

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۳۳۳۱۷ - ۱۱۳۹۷ تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیک: bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

- نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

- نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

- بینا - در عبری به معنای آگاهی و بصیرت است.



مراسم کلنگ‌زنی
درمانگاه کانون خیرخواه
(بیمارستان دکتر سپهر)

حق اشتراک را به حساب جاری ۲۴۸۹ نزد بانک ملی، شعبه ملک (شیخ هادی)، کد ۴۵۶ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) به نام انجمن کلیمیان تهران واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با مشخصات فردی به نشانی افق بینا ارسال کنید.
کپی فیش بانکی را نزد خود نگه دارید.
هرگونه تغییر نشانی را سریعاً اطلاع دهید.
هزینه اشتراک برای ۶ شماره ۶۰۰۰۰ ریال است.

اشتراک نشریه افق بینا





سخن دیگر / ۵

- روشنفکر نمایان قیमान خودخوانده / ۶
تجلیل از پیشکسوتان بیمارستان دکتر سپیر / ۸
شبیه‌سازی از دیدگاه علمای یهود / ۱۰
تلمود، ارزش‌ها و تعالیم آن / ۱۶
معمای گلدسته‌های تورات در شرق ایران / ۱۸
غذاهای یهودی و تاریخ آن / ۲۴
یهودیان فرانسه / ۲۷

بخش اخبار / ۲۹ تا ۳۷

زیرآفتاب خوش خیال عصر (نقد کتاب) / ۳۸

بخش روانشناسی / ۴۰ تا ۴۴

- (استرس و میزان تأثیر آن بر سلامت / ۴۰)
(عادت به عادت نکنیم / ۴۲)

بخش عبری بیاموزیم / ۴۵

بخش انگلیسی / ۴۸



سخن دیگر...

فرهاد افرامیان

شاید مطلوب‌تر می‌بود که در آستانه حلول سال نو به سیاق رسم مرسوم، صرفاً با تبریک و آرزوهای خوب و خوش برای خوانندگان سرمقاله را آغاز کنیم و یا آن را خاتمه دهیم.

این بار نیز هرچند از صمیم قلب خواهان ایام خوش و نیک‌بختی و شادکامی برای همه مخاطبان هستیم، اما با کسب اجازه از محضر محترم و مبارک یکایک این عزیزان بر آنم تا در این فرصت سختی دیگر بگویم.

هر آنچه که از اولین شماره افق بینا تا کنون بر کاغذ جاری شده تحت هر عنوانی تلویحاً و یا به‌طور مستقیم بیانگر مواضع خاصی از جانب نویسنده آن بوده است که قطعاً نظرات عده‌ای از خوانندگان را نمایندگی می‌کرده؛ در حالی که مغایر آرای عده دیگر مخاطبان بوده و باقی مطالعه‌کنندگان این نشریه نسبت به آن موضعی نداشته‌اند، اما این بار نوشته از احساس یک یهودی دلسوخته حکایت‌ها دارد و اطمینان دارم که هر یهودی واقعی و آگاه نیز آن را تایید خواهد نمود.

آری سرمقاله این شماره بدون استثنا سخن تمامی یهودیان روشن‌ضمیر این سرزمین است. سخن از وقایع ناخوشایندی است که اخیراً در ماه‌های اخیر در سطح جامعه کلیمیان ایران رخ داده است که قطعاً بخش مهم جامعه کلیمیان از این وقایع سخن نمی‌گویند. چرا که به احتمال زیاد هر کس بر اساس عقیده و سلیقه خود علت را در پدیده یا پدیده‌هایی جستجو می‌کند که لزوماً با نظر دیگران مشابه نیست. و این یعنی موافق نظر عده‌ای و مخالف نظر عده‌ای سخن گفتن.

اما به انگیزه‌ها و نتایج این رخدادها می‌پردازم که مطمئن هستم. همه ما در مورد آن اتفاق نظر داریم. به صورتی نمایان و آشکار وقوع چنین حوادثی به تخریب چهره ایرانیان یهودی خواهد انجامید و وحدت و یگانگی آنها را دچار مخاطرات جدی خواهد ساخت که گمان می‌کنم در این مورد همه مخاطبان این مقاله با من هم عقیده هستند.

پس چه باید کرد؟

شاید تشکیل اجتماعی از ریش‌سفیدان جامعه بتواند از شدت و گسترش تنش‌های موجود بکاهد. شاید نشست‌های هم‌اندیشی میان طرفین بحث و جدل بتواند مرمی بر زخم این درگیری‌ها باشد. و شاید شفاف و صریح سخن گفتن درباره علت‌هایی که هر یک از ما برای این پدیده‌ها قایلیم و انعکاس آن‌ها بتواند ما را به تعادلی اجتماعی که اعتبار فرهنگی و دینی مان را حفظ نماید برساند و ده‌ها شاید دیگر...

من به عنوان کوچکترین عضو این جمع بزرگ و جوانترین فرد این جامعه کهنسال و کوچکترین برگ این درخت تناور جسارتاً هشدار می‌دهم که تمامی دست‌آوردهای پیروان قدیمی‌ترین نظام توحیدی جهان در خطر از دست رفتن است.

دیگر جای چشم و هم‌چشمی یا رقابت‌های کوتاه‌نظرانه و دعوای‌های بچه‌گانه نیست.

در این میانه هیچ چیز شوخی نیست.

شاید این آفتی که از درون ما را تهدید می‌کند، خاتمان براندازتر از بزرگترین دشمنان خارجی باشد که برخی نظر دارند جامعه ما را تهدید می‌کند.

پس بیایید و بیاییم همه‌مان را مسافران کشتی و سرنشینان هواپیمایی بدانیم که همه با هم در موضوع سالم رسیدن به مقصد مشترک المنافع اند.

کدام مسافر است که نداند آسیب رساندن به آنچه ضمانت سلامت سفر است، شرط عقل نیست و هیچ کس را حق آن نیست که بگوید من فقط سهم خود را سوراخ می‌کنم. ما همه با هم یا به سلامت به مقصد می‌رسیم و یا هیچ کس از این سفر جان سالم به در نخواهد برد.

باشد که در سال نو به همت یکایک هم‌وطنان همکیش در ساحت اندیشه و گفتار و کردار طرحی آنچنان نو در اندازیم تا وحدت و هم‌دلی و یگانگی‌مان زبانزد عام و خاص باشد.

گام نخست حتماً از من، از شما و از همه ما

هر روزتان نوروزتان نوروزتان پیروز

از آن‌جا که میزان تحصیلات و مطالعات افراد در درون یک جامعه متفاوت است و معمولاً در هرم فرهنگی بخش اعظم حجم را کسانی اشغال می‌کنند که به دلیل اشتغالات روزمره فرصت چندانی برای مطالعه و شناخت علمی روابط اجتماعی و ظرایف فرهنگی ندارند همواره گروهی که به دلیل علاقه‌ی شخصی یا برخورداری از مواهب مادی فرصت بیشتری برای مطالعه و غور در مسایل فرهنگی دارند خود را فرهیخته‌تر و آگاه‌تر از دیگران یافته و سعی می‌کنند که تفکرات خود را به دیگران القاء کنند. به‌ویژه در جوامعی که محدودیت‌های فرهنگی فرصت‌های لازم برای شناخت کامل جریانات فکری را از اکثریت افراد جامعه دریغ می‌کند حتی اگر فرصت لازم برای آگاهی و شناخت برای همه فراهم باشد به خاطر تفاوت در میزان علایق افراد و یکسان نبودن توانایی‌های ژنتیکی میزان آگاهی افراد با هم یکسان نخواهد بود. به‌ویژه در جهان امروز که به علت پیچیدگی علوم و فنون تمامی فعالیت‌های علمی حالت فوق تخصصی پیدا کرده و قرن‌هاست دوران حکمایی که در تمامی زمینه‌ها صاحب‌نظر بوده‌اند به سر آمده است. دیرگاهی است که جهان اندیشه از اقیانوس‌هایی به عمق نیم بند انگشت بی‌نیاز شده است و زمان حکمایی مانند بوعلی‌سینا و هارامیام نیز سپری شده است. بنابراین دیرگاهی است که یک فرد عادی هر اندازه که دانشمند باشد توانایی ابراز نظر دقیق همه مسائل را از دست داده است. از سویی دیگر دیرگاهی است که جوامع مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که برای یافتن تبدیل راه‌حل برای هر مسأله باید به متخصص مراجعه کرد که علاوه بر دارا بودن دانش تئوریک از حداقل تجربه لازم در این زمینه نیز برخوردار باشد و همه می‌دانیم که امروزه مثلاً به صرف پزشک بودن نمی‌توان تحلیل‌گر مناسبی برای همه رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی یا سیاسی بود و شاید بدترین تجویزات پزشکی نیز از سوی بهترین فلاسفه صورت گیرد. از سوی دیگر در چارچوب مسائل اجتماعی همواره روابط علل و معلولی پیچیده‌تر از آن است که بتوان تنها با تحلیل و جلوگیری از



روشن‌فکر نمایان

قیمان خود خوانده

دکتر سیامک مرصديق

یک علت، معلول را چاره کرد. چون در عرصه‌ی مسائل فرهنگی و اجتماعی معمولاً علل متفاوتی بر یک پدیده اثر می‌گذارند و نتیجه هر پدیده برآیند علل متفاوت و حتی متضادی است که بر آن اثر می‌کند و بسیاری از این علت‌ها یا ذاتاً قابل کنترل نیستند یا این که مدیریت آنها فقط در طولانی مدت امکان‌پذیر بوده و نیاز به تحلیل‌های چند جانبه در طولانی مدت برای شناخت و مدیریت آنها وجود دارد.

شوربختانه در جوامع کوچک برخی می‌پنشانند که با مطالعه چند روزنامه و گردش گاهگاهی در فضای مجازی (اینترنت) و خریدن چند جلد کتاب و خواندن مقدمه‌ی آنها دانشمند شده‌اند به‌ویژه اگر معدودی از دوستان و یاران آنان نیز به خاطر تعارفات مرسومه یا ضعف دانش به‌صورت پیوسته آنان را تأیید کنند و راه‌حل‌های طرح شده توسط آنها را حلال همه‌ی مشکلات بپندارند. بدینسان است که برای پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی از سوی افراد ناآشنا به ماهیت پیچیده‌ی مسائل فرهنگی و اجتماعی، راهکارهای یک شبه‌ای مطرح می‌شود که در ذهن طراحان شکل کلیدی را می‌یابد که تمامی قفل‌های بسته را خواهد گشود و آنان را به عنوان محور تفکر مطرح خواهد کرد. این تفکرات نوعاً با شور و هیجان و احساسات نوجوانانه‌ی مطرح می‌شود که می‌پنشانند دیگران به علت محافظه‌کاری یا عدم درک درست از شرایط موجود توانایی ارائه آنها را ندارند. اما چنان که پیش‌تر نیز گفتیم این راه‌حل‌های خلق‌الساعه معمولاً تنها با توجه به یکی از ده‌ها مشکلات موجود مطرح می‌شوند و معمولاً هزینه‌ای که بر این راه‌حل‌ها مترتب است به مراتب بیش از فایده‌ای است که می‌توان برای آن متصور بود. این راه‌حل‌های خلق‌الساعه یادآور تفکراتی است که در ذهن دن‌کیشوت وجود داشت و سانچوپانزا نیز به آن دامن می‌زد. به‌ویژه امروز که با بسط فضای مجازی هر کس می‌تواند نظرات خود را به راحتی مطرح کند و با جو نسبتاً آزاداندیشانه‌ای که در جامعه‌ی کوچک ما ایجاد شده، طرح هر گونه انتقاد با هزینه‌ی چندانی روبرو نیست.

شاهد تولد انگشت‌شمار قهرمان‌هایی هستیم که به مضاف آسیاب‌بادی می‌روند و می‌خواهند به هزینه‌ی افراد جامعه حرکت‌هایی انجام دهند اما خود نیز با اولین مشکل جدی دست‌ها را به علامت تسلیم بالا می‌برند. این گروه از به‌اصطلاح روشنفکران به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان فعالیتی تفننی و فوق‌برنامه می‌نگرند که در اوقات فراغت از اشتغال به آن می‌پردازند و هیچ‌گاه با یک برنامه‌ی آینده‌نگر و جامع تمامی مشکلات را نمی‌بینند یک اصل کلی در علوم انسانی همواره وجود داشته و دارد و آن این است که راه‌حل‌های خلق‌الساعه‌ی ضربتی تنها شرایط را پیچیده‌تر خواهد کرد

**بدون شناخت کافی و بدون
تحلیل عمقی و بدون درک
کامل از شرایط خاص
اجتماعی، فرهنگی و تاریخی
راه‌حل ارائه دادن به مانند آن
است که کوهنوردی بدون
کفش و لباس مناسب و بدون
بدنسازی لازم و به دور از
هرگونه سابقه‌ی صعود به
دنا و دماوند برای صعود به
اورست ثبت‌نام کند**

و می‌بینیم که روشنفکر نمایانی که بدون مطالعه و شناخت کافی از جنبه‌های گوناگون و مسائل موجود راه‌حل‌های به ظاهر شجاعانه ارائه می‌دهند، در نهایت حاصلی جز ترویج هراس و بسط روحیه‌ی انزواطلبی به ارمغان نخواهند آورد. چون که عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی عرصه‌ی رسیدن به بهترین انتخاب ممکن است نه عرصه‌ی بحث از بهترین ایده‌آل‌های ذهنی. بدون شناخت کافی و بدون تحلیل عمقی و بدون درک کامل از شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و تاریخی راه‌حل ارائه دادن به مانند آن است که کوهنوردی بدون کفش و لباس مناسب و بدون بدنسازی لازم و به دور از هرگونه سابقه‌ی صعود به دنا و دماوند برای صعود به اورست ثبت‌نام کند. اگر که اخذ تصمیمات ناگهانی در صحنه‌ی زندگی شخصی و خانوادگی تصمیمی خطرناک و غیرمنطقی است اخذ چنان رویه‌ای در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی به مراتب خطرناک‌تر و زیان‌بارتر است. هر جامعه‌ای برای ترسیم بهتر آینده‌ی خود نیازمند صاحب‌نظرانی واقع‌بین است که با اتکاء به تجارب تاریخی و با تحلیل درست شرایط موجود بهترین و کم‌هزینه‌ترین راهکارها را ارائه دهد و برای جامعه‌ای که راه‌حل‌های خلق‌الساعه بدون پشتوانه‌ی تاریخی را برمی‌گزیند آینده‌ای جز شکست و سرخوردگی قابل پیش‌بینی است.

بیمارستان دکتر سپیر

دین خود را به انقلاب ادا کرده است

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال‌های دفاع مقدس و سایر شرایط و موقعیت‌های اضطراری، پیشگام در خدمت‌رسانی به ملت شریف ایران باشد.

آنچه در ذیل از نظرتان می‌گذرد، کوتاه از برگزاری جشن سی و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بیمارستان سپیر است.

مراسم گرامیداشت سی و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران با حضور دکتر رحمتا... رفیع رئیس انجمن کلیمیان تهران، دکتر سیامک مره‌صدق نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، مدیریت بیمارستان، پزشکان و پرسنل بیمارستان سپیر برگزار شد.

فرنگیس حصیدیم:

ما در پیروزی انقلاب پایه پای هموطنان حرکت کردیم

در این مراسم، فرنگیس حصیدیم در سخنانی ضمن تبریک فرارسیدن دهه فجر، از بیمارستان سپیر به عنوان یکی از مراکز درمانی و پزشکی

اینان همگام با فرمان تورات مقدس که فرمود: «همنوع را مثل خودت دوست بدار» در پناه خداوند متعال و در پرتو روحیه خیرخواهانه و خدمتگزارانه خویش در راه اعتلای این درمانگاه گام برداشتند و نسل به نسل آنچنان دست به دست هم دادند که امروز از آن درمانگاه نشانی بهتر و زیباتر از بیمارستان سپیر نمی‌توان یافت. بیمارستانی که مأمّن بیماران ایرانی است، برای مجموعه بنیانگذاران، مدیریت، کادر درمانی و پرسنل خدمات بیمارستان سپیر رسیدگی و دل‌جویی از هم نوع بر هم‌کیش‌گرایی برتری دارد، همچنانکه دکتر روح... سپیر بر این اعتقاد پایبند بود و یکی از اتاق‌های کنیسه (محل عبادت کلیمیان) را به درمانگاه تبدیل کرد و به مرور زمان با خریداری خانه‌های اطراف این درمانگاه، بیمارستان فعلی شکل گرفت.

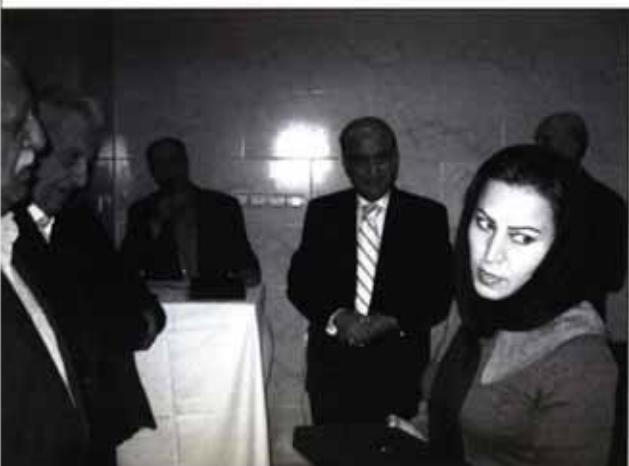
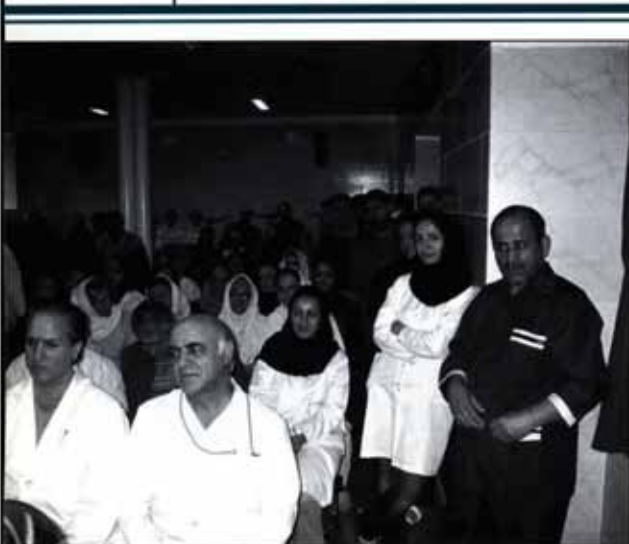
در سال‌هایی که گذشت همراهی و توجه کلیمیان ایرانی و حمایت‌های همیشگی مسوولین، شرایطی را فراهم آورد تا این بیمارستان همچنان کانون خیرخواهی باقی بماند و در زمان‌های حساس از جمله سال‌های پیروزی

اشاره:

در هنگامه جنگ جهانی دوم، ایران به عنوان کشوری استراتژیک برای طراحان این جنگ مطرح بود و صدالبته که این بار استراتژیک بودن ایران نفعی به حال کشور نداشت جز آن‌که در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفت. آنچنان‌که شیوع بیماری‌های واگیردار، ایران و مردمانش را در امان نگذاشت، فقدان امکانات بهداشتی در جلوگیری از وقوع و شیوع بیماری‌های مسری شرایطی را فراهم آورد تا تهران تعداد قابل توجهی از شهروندان ساکن در جنوبش را به واسطه ابتلا به بیماری واگیردار تیفوس از دست بدهد، در این زمان تعدادی از پزشکان ایرانی یهودی به همراه تعدادی از معتمدان هم‌کیش = از تبار انسان‌های والا و خیر- در اقدامی خدایستاده و خیرخواهانه، درمانگاه کانون خیرخواه را در محله سنتی کلیمیان تهران در منطقه عودلاجان و در محل کوچک کنیسه‌ملاحنیناراه‌اندازی کردند.



ناهید پریشان، رقیه نظری، عذرا نظری، کبری بیکبردی، خدیجه رضا زاده، معصومه رضازاده، اکرم السادات کلاکی، شهلا هارونی، تامارا سلیمان شریفیان، کفایت خاکشور، توران گیدانیان، نرگس حمزه و آقایان کاکامراد باجلاتی، داوود شاه‌منصوری، امین شریفی شیرخند، علی جانی‌خواه، حمزه نیک‌بخت، فریدون صیونی اهدا شد.



می‌دانم که برای بنده زحمت کشیده‌اند. وی از ضمن قدردانی از دکتر کامران بروخیم، پرویز یشایایی و خانم حصیدیم گفت: مرحومان دکتر نعیم و دکتر جواهری همیشه خاطره‌شان در یاد ما زنده است.

مره‌صدق از هیئت مدیره انجمن کلیمیان تشکر کرد و افزود: هیئت مدیره انجمن کلیمیان ایران، با تمام توان به این بیمارستان کمک کرده است و همیشه از همراهی این عزیزان بهره‌مند بودیم.

رئیس بیمارستان دکتر سپهر در ادامه با تشکر از توجه خاص دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور گفت: اگر حمایت‌های ایشان نبود امکان ادامه فعالیت وجود نداشت، ایشان همیشه یاور ما بوده‌اند و به ما دلگرمی داده‌اند، در عین حال که وزرای بهداشت هم در هر شرایطی از این بیمارستان حمایت کردند.

وی در پایان برای سلامتی فرنگیس حصیدیم دعا اظهار امیدواری کرد: آرزو می‌کنم هر چه زودتر سرکار خانم حصیدیم را در اتاق کارشان ببینیم، ایشان شیرزنی هستند که در دوران پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی در این مکان خدمت کرده‌اند.

دکتر منوچهر الیاسی:

بیمارستان دکتر سپهر همیشه پابرجاست

نیز در این مراسم دکتر محبر و دکتر رحمت... رفیع هر یک سخنانی ایراد کردند، دکتر محبر ضمن تبریک ایام دهه فجر گزارشی از وضعیت فعالیت بیمارستان ارائه کرد.

دکتر رحمت... رفیع رئیس انجمن کلیمیان تهران نیز با گرامیداشت روزهای پیروزی انقلاب، پزشکان را از جمله طلابه‌داران و نقش‌آفرینان در عرصه‌های مختلف جامعه دانست و گفت: پزشکان ایرانی در همه عرصه‌های این کشور حضوری پررنگ داشته‌اند.

وی تأکید کرد: پزشکی شغلی است که با جان انسان سر و کار دارد و به جرات می‌توان گفت از سخت‌ترین شغل‌هاست.

دکتر منوچهر الیاسی از متخصصان بیمارستان دکتر سپهر نیز در سخنانی با تکریم از بانوی صبر و استقامت و سنبل تلاش و پشت‌کار بیمارستان، فرنگیس حصیدیم گفت: این بیمارستان همیشه پابرجاست چراکه از نیروهای مستعد و پرتلاش بهره‌مند است.

دکتر بابک صداقت کمال نیز در سخنانی دهه‌ی فجر و پیروزی انقلاب را تبریک گفت و از زحمات خانم حصیدیم قدردانی و تشکر کرد.

گفتنی است در پایان هدایایی به رسم یادبود و حمایت رئیس‌جمهوری به مناسبت پیروزی انقلاب به خانم‌ها ایران بخشی، زهره قدس، فاطمه رحیمیان، شهناز ساغرچی،

شایسته تهران در ارائه خدمات درمانی به ملت ایران یاد کرد و گفت: این بیمارستان وظیفه خود را چه در زمان پیروزی انقلاب و چه سال‌های سالهای جنگ تحمیلی و همچنین در شرایط طبیعی به نحو احسن انجام داده است و می‌دهد. وی افزود: ما در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران پا به پای سایر هموطنانمان نقش داشتیم و در سال‌های جنگ نیز این بیمارستان لحظه‌ای خدمت‌رسانی به مصدومین را از سرلوحه کار خود بر نداشت.

حصیدیم با بیان این که عاشق این بیمارستان هستم و همچنان با جان و دل در آن کار می‌کنم گفت: خوب به‌خاطر دارم که از سال‌ها پیش چگونه کار در این بیمارستان را جزو وظایف اصلی زندگی خویش قرار دادم تا جایی که فرزندانم را تنها در منزل رها می‌کردم تا نقش خود را در این بیمارستان به خوبی ایفا نمایند.

وی با بیان این که بیش از سه دهه از عمرم را در این بیمارستان گذراندم خاطرنشان ساخت: در این ۳۵ سال صادقانه کار کردم و سخت‌گیری‌هایم در محیط کار نیز تنها به‌خاطر بقا و دوام بیمارستان و نیز ارائه خدمات مطلوب و شایسته به مردم بوده است که امیدوارم همکارانم این سخت‌گیری‌ها را بر من ببخشند.

حصیدیم با اشاره به مشکلات فراوری بیمارستان‌ها یادآور شد: اغلب بیمارستان‌ها دچار مشکلات اقتصادی هستند اما خرسندم بیمارستان دکتر سپهر با تمام قوا در برابر مشکلات ایستادگی می‌کند و موانع را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد به حیات خود ادامه می‌دهد.

وی در پایان از تمام کسانی که در زمان بیماری جویای حال وی بودند تشکر کرد.

دکتر مره‌صدق:

خانم حصیدیم شیرزنی است که سال‌ها در بیمارستان حصیدیم خدمت کرد

همچنین در این مراسم دکتر سیامک مره‌صدق رئیس بیمارستان دکتر سپهر با گرامیداشت سی و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اظهار امیدواری کرد تا همبستگی، برادری و برابری میان همه ایران در هر قوم و مذهبی پابرجا باشد.

وی گفت: مهم نیست رئیس این بیمارستان باشم یا یک عضو عادی بلکه افتخارم این است که هم‌پا با سایر دوستان افتخار نوکری ملت ایران را بر سر داریم.

وی از کلیه پرسنل خدماتی که طی ۶۰ سال گذشته در این بیمارستان زحمت کشیده‌اند تقدیر کرد و گفت: دست‌تک این افراد را می‌بوسم و خودم را مدیون همه‌ی کسانی

شبیه‌سازی از دیدگاه علمای یهود

فریبا حاجی علی، محدثه معینی‌فر

یهود، تأکید فراوانی بر افزایش پتانسیل درمان و نجات زندگی افراد به عنوان بخش با ارزش زندگی انسان‌ها شده است. بنابراین شبیه‌سازی درمانی در صورت ارتقای توانایی ما در درمان انسان‌ها، باید مورد استفاده واقع شود البته تا آن‌جاکه در زندگی بشر تخریبی به وجود نیابد و وجوب این عمل در تعالیم اخلاقی دین یهود به جهت دستور تورات در درمان افراد بیمار و نجات زندگی انسان‌هاست. این دستور به جهت اصل اخلاقی ناشی از مسئولیت پایبند است نه به اصول اخلاقی ناشی از حقوق انسانی.

ب - جواز: عده‌ای دیگر از عالمان یهود معتقدند که شبیه‌سازی درمانی جایز است زیرا در دین یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت‌های ویژه او برخوردار نیست رویان، خارج از رحم مادرش و همچنین تا ۴۰ روز هیچ جایگاه حقوقی در قوانین هلاخایی ندارد. بنابراین زمانی که از این رویان‌ها برای استخراج سلول‌های بنیادی استفاده می‌کنند، شأن جنین انسانی را ندارند و جایگاه آن‌ها در دین یهود بسیار کمتر از یک انسان کامل است. بنابراین، تخریب رویان‌ها برای استخراج سلول‌های بنیادی ممنوع نیست، بلکه جایز است.

ج - حرمت: گروه دیگری از عالمان یهودی نیز این تحقیقات را ممنوع دانسته و بیان می‌دارند که فراوانی مرگ رویان‌ها و نواقص موجود در تحقیقات، اصل اخلاقی لزوم عدم ورود ضرر به انسان‌ها را خدشه‌دار می‌کند.

دیدگاه عالمان یهود درباره شبیه‌سازی بازتولیدی (مولد انسان)

در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارور کردن این تخمک به کمک روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد، یا به بیان ساده‌تر، کلونینگ به معنای «تولید مثل و ایجاد موجودی مشابه نسخه اصلی به طریقه‌ای غیرجنسی» می‌باشد.

دیدگاه عالمان یهود درباره شبیه‌سازی درمانی

عالمان یهودی در این زمینه سه دیدگاه متفاوت را ارائه نموده‌اند:

الف - وجوب: عده‌ای معتقدند که شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات در این زمینه با هدف درمان بیماری‌ها امری واجب، حکم وفرمان خداوند است زیرا تورات، ارزش فراوانی را برای زندگی بشر قرار داده است. در بخش بزرگی از سفر آفرینش آمده است که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند. پس از آفرینش مرد و زن، خداوند به آن‌ها قدرت داد که در نظارت بر جهان با او مشارکت نمایند. تورات دستور داده که بیماران را مداوا کنیم و تا آن‌جا که ممکن است بر بیماری‌ها فائق آییم. انجام چنین عملی در واقع مشارکت با خدا در حفاظت از جهان و موجودات آن است. در دین

هر یک از ادیان الهی درباره شبیه‌سازی دیدگاه‌های مختلفی را ارائه داده‌اند. دین یهود نیز به مسأله شبیه‌سازی پرداخته و هر دو نوع آن را مورد بررسی قرار داده است. مقاله حاضر به‌طور موردی دیدگاه عالمان یهود را درباره شبیه‌سازی درمانی و بازتولیدی بررسی کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که آنان در شبیه‌سازی درمانی، سه دیدگاه متفاوت را ارائه نموده‌اند.

مفهوم شبیه‌سازی در علم پزشکی
معادل شبیه‌سازی در عربی «استنساخ» و در لاتین Cloning و در فرانسه Clonege است. واژه شبیه‌سازی در فرهنگ‌نامه‌های پزشکی چنین توضیح داده شده است: «کلونینگ» از کلمه یونانی Clon به معنای جوانه و ترک چوب گرفته شده است و کلونینگ، در لغت عبارت است از بریدن، تکثیر کردن و قلمه زدن. شباهت شبیه‌سازی با قلمه زدن در این است که در روش مورد بحث، عمل تولید مثل بدون عمل لقاح (ترکیب سلول‌های نر و ماده) صورت می‌پذیرد.

شبیه‌سازی (Cloning) اصطلاحاً عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل می‌باشد -

الف - حرمت: گروهی از آنان با ارائه دلایل زیر شبیه‌سازی انسان را ممنوع و حرام دانسته‌اند:

۱- اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن: انسان، شریک خدا و موظف به مراقبت از مخلوقات اوست. همانندسازی، نقش‌ها و روابط بین اعضای خانواده را که تعیین‌کننده حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر است، تخریب می‌کند و خانواده را دچار آسیب می‌کند. طبق تعالیم دین یهود، انسان از نظر دینی، تابع مادر و از نظر شجره خانوادگی (نسب)، تابع پدر است. بنابراین طفل هم به مادر و هم به پدر نیاز دارد. در حالی که همانندسازی نقش پدر را از زادآوری حذف می‌کند.

اصل اخلاقی مسئولیت، در خانواده و معیارهای وظایف والدینی و مسئولیت ناشی از نسب نیز همانند شبیه‌سازی انسان، اصل اخلاقی مسئولیت از بین خواهد رفت زیرا نقش‌های پدری، مادری، فرزندی و روابط خانوادگی تغییر خواهد کرد. بر همین اساس، مشخص نیست که چه کسی مسئولیت نسل‌های بعدی را دارد. بسیاری از عالمان و پزشکان یهودی معتقدند که فرزندانوری خارج از چارچوب ازدواج، ایده‌آل و پذیرفته نیست زیرا، نتیجه این فرآیندهای پزشکی، جدایی تولد از ازدواج و تسریع عدم کارایی خانواده‌های یهودی می‌باشد.

۲- عدم جواز تغییر در ساختار طبیعی موجودات به صورت بی‌رویه: یکی از دستورات هلاخایی که توسط ربی ابراهام ایساک کوک (Rabbi Abraham Issac Kuk) بیان شده، این است که هنگامی که مردم، طبیعت را تغییر می‌دهند، ملزم به دقت در این تغییرات هستند تا طبیعت را ویران نکنند. به بیان دیگر، ما باید در آزمایشات پزشکی از خود سوال کنیم که آیا سود این کار از زیان آن بیش‌تر است؟

۳- لزوم نیاز به تنوع زیستی و بیولوژیکی میان انواع بشر: بسیاری از متون تلمودی، خداوند را به جهت آفرینش انسان‌های متفاوت در ظاهر و استعدادهای درونی ستایش نموده است (میشنا: سنهدرین ۴:۵). امروزه بسیاری از دانشمندان، اصطلاح تنوع زیستی را به معنای حفاظت از انواع مختلف گیاهان و حیوانات برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های خاص و از بین رفتن آن‌ها، به کار می‌برند. در فرآیند شبیه‌سازی، می‌تواند کی‌های ژنتیکی همسان از یک شخص ایجاد می‌شود و این روند در تعارض با منابع خاخمی و لزوم تنوع بیولوژیکی در انواع بشر است.

۴- حرمت بازی نمودن نقش خدا: البته بیان ماجرای آفرینش حوا می‌تواند خلاف دلیل فوق را ثابت نماید زیرا از نظر تعالیم دین یهود، خداوند خود انسانی را شبیه‌سازی نموده است. هر چند دخالت در حوزه تسلط خداوند برای ما جایز نیست، در عهد قدیم آمده است که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند. اما دستیابی و تلاش برای رسیدن به جایگاه خدا و بازی نمودن نقش خدا موجب پدبختی است. (سفر پیدایش ۱۱:۴ و ۳:۵)

ما درجه‌ای از تقدس را داریم ولی مقدس نیستیم (مزامیر داوود ۸).

توضیح بیش‌تر آن که با وقوع شبیه‌سازی انسان، عقیده ما در مورد این که هر انسانی تجسم روح خدا است و هم‌چنین دیدگاه ما درباره خدا به چالش کشیده می‌شود. مفهوم خدا به‌عنوان خالق ما همان‌قدر مهم است که مفهوم خدا به‌عنوان خالق جهان مهم است. پس اگر ما بتوانیم از خود، انسانی را شبیه‌سازی کنیم، دیدگاه ما درباره خدا عوض خواهد شد زیرا درک توانایی خویشتن در اعمال مرموز و ناآشنا نسبتاً آسان‌تر است از درک خدا در آن‌چه که

ما خود به وجود آورده‌ایم و کنترل می‌کنیم. با کنار گذاشتن موارد کمیاب و مرموز، شبیه‌سازی شاید عقیده ما را در این که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند، تضعیف کند. اما از سوی دیگر، شبیه‌سازی می‌تواند ترس ما را از خداوند نیز افزایش دهد. طبق اولین آیه از سفر آفرینش: «در آغاز، خداوند آسمان‌ها و زمین را به وجود آورد.» خداوند جهان را از هیچ و با انجام دو عمل ابتدایی آفرید: عناصر مختلفی را به‌وجود آورد و سپس آن‌ها را از همدیگر جدا نمود. پس هر کدام نقش مجزایی را یافتند. نور از تاریکی، زمین از دریا، جدا شدند، پرندگان در آسمان پرواز نمودند، در حالی که ماهی‌ها در دریا شنا می‌کردند. هر شکل از زندگی گیاهی (گیاهان و درختان میوه) ثمره خاص و ویژه خود را به وجود آوردند (سفر آفرینش ۱۲-۱:۱۱). خداوند انسان را از دو جنس آفرید و تولیدمثل از طریق آمیزش زن و مرد محقق شد. طی هفت روز، بهشت‌ها و زمین و تمامی جفت‌های روی آن شکل گرفتند و آفریده شدند (سفر آفرینش ۲:۱). تمام ساختار جهان برای تمام زمان‌ها پایه‌گذاری شد. اگر خدا جهان را در یک عمل تمام شده و به یکباره آفریده باشد، ما چه کسی هستیم که در کار او دخالت کنیم؟ ما چه کسی هستیم که گیاهان ترا ریخته (ناشی از فرآیند شبیه‌سازی شده) به وجود آوریم؟ اگر انسان‌ها تجسم روح خدا هستند (سفر آفرینش ۱:۲۷) پس با وجود این، این شباهت چگونه تغییر می‌یابد؟ بنابراین، از این دیدگاه، دخالت در آفرینش خداوند جایز نیست.

۵- احتمال سوءاستفاده از پیشرفت‌های علمی در زمینه شبیه‌سازی: در میشنا (پسانیم ۴:۹) آمده است که پادشاه حزقیای (King Hezekiah) کتاب درمان را پنهان نمود و عالمان زمان او، به این کار رضایت دادند. این کتاب شامل دستورالعمل‌هایی بود که هم شفادهنده بودند و هم سبب مرگ افراد می‌شدند. ولی هنگامی که مردم فاسد شدند و از آن برای کشتن مردم دیگر استفاده نمودند، او آن کتاب را پنهان نمود. بیل جوی (Bill Joy)، ریاست علمی ریز سیستم‌های خورشیدی، پیشنهادی، شبیه به موضوع فوق را ارائه می‌دهد:

«تنها راه واقعی برای حل این مسائل، اعمال محدودیت در مورد پیگیری دانش‌های ویژه و پیشرفت تکنولوژی‌های خطرناک است. به من می‌دانم، دانش خوب است زیرا دانش در واقع جستجوی حقیقت است. ما از گذشته تاکنون به دنبال دانش بوده‌ایم. ارسطو با بیانی ساده می‌گوید: «تمامی انسان‌ها ذاتاً و طبیعتاً به دنبال دانستن هستند.» ما یک ارزش اساسی در جامعه‌مان داریم که اتفاق نظر عمومی نیز بر



آن است که باید به اطلاعات آزادانه دست یافت و مشکلاتی که بر سر راه دستیابی به دانش وجود دارد، را شناخت. در قرون اخیر، ما به دانش احترام گذارده‌ایم، اما با وجود پیشینه تاریخی قوی، با آزادی ارتباط و پیشرفت‌های نامحدود علوم، از این پس، ما در خطر انقراض قرار می‌گیریم. بنابراین لازم است که این ارزش‌های اساسی و اعتقادات طولانی مورد بازنگری و بازبینی واقع شوند».

۶- ابهام در مسأله حلول روح در جنین شبیه‌سازی شده: دلیلی که از سوی کمیته خاخام‌های اصلاح‌طلب یهودی (committee of Reform Rabbis The official) ارائه می‌شود آن است که این گروه در مورد موضوع روح انسان‌های شبیه‌سازی شده نگرانند.

۷- وجوب تولید مثل از طریق جنسی: شبیه‌سازی مسأله جدیدی را طرح می‌کند زیرا تا پیش از این تمامی پیشرفت‌های تکنولوژیک، توانایی بارداری و رشد جنین را فراهم می‌نمود. اهداء تخمک و اسپرم به مردان و زنان عقیم این شانس را می‌داد تا فرزند داشته باشند، تلقیح مصنوعی، عدم کارکرد تخمدان‌ها را جبران می‌نمود و مادر جانشین به زنانی که به جهت فقدان توانایی نگه‌داری جنین، قادر به فرزندآوری نبودند، کمک می‌نمود تا فرزند داشته باشند. با وجود این، مکانیسم و فرآیند اساسی زاد و ولد، بارداری و تولد فرزند را تحت تأثیر قرار نداده بود. اما شبیه‌سازی در فرآیند اساسی زاد و ولد دخالت نمود و ترکیب اسپرم و تخمک در حالت عادی و شکل‌گیری یک زندگی جدید را منسوخ نمود و تخمک را تبدیل به یک ابزار انگلی باری حمل DNA والد یا صاحب سلول نمود. شبیه‌سازی اساساً یکرزایی را جانشین روابط جنسی نمود. یکی از آموزه‌های تورات این است که زن و مرد از یک ریشه وجود یافته‌اند و سپس خداوند پس از آفرینش، آن‌ها را جدا نمود. سپس زن و مرد با هم ازدواج نمودند و با هم منشاء اساسی را برای ایجاد یک کودک به وجود آوردند. حال آیا شبیه‌سازی در تعارض با این اعتقاد نیست که خداوند جهان را این‌گونه آفرید که مرد و زن با هم متحد شده و دستور فرزندآوری (سفر آفرینش ۱:۲۸) را انجام دهند تا زندگی جدیدی را با هم وجود آورند؟ بنابراین، تورات، مداخله بیش از اندازه در روند طبیعی زاد و ولد را ممنوع دانسته است. در تولید گیاهان و جانوران نیز آمیختن آن‌ها (کیلیم) ممنوع است. علاوه بر این شبیه‌سازی تنها روش درمان نازایی نیست. خاخام‌های یهودی، تلقیح مصنوعی، لقاح خارج از رحم و حتی اهداء تخمک و اسپرم را در بسیاری از موارد مجاز دانسته‌اند زیرا تمامی این روش‌ها برای ایجاد انسانی کامل و بی‌همتا و

با استفاده از محتویات ژنتیکی یک زن و یک مرد به کار برده می‌شوند. این در حالی است که دانشمندان متعهد تصدیق نموده‌اند که بسیاری از تجارب شبیه‌سازی انسان، مرگ مادر، مرگ جنین و رشد غیرطبیعی جنین را در پی داشته است. دین یهود هرگز چنین مجوزی را برای ایجاد خطرات ناآگاهانه برای انسان‌ها نداده است.

۸- خطر غرور و خودپرستی انسان: هر چند دستورات اکیدی برای حمایت و حفاظت از زندگی انسان‌ها در دین یهود آورده شده است اما این دستور، استثنائی هم دارد و آن جلوگیری از بت‌پرستی یا خودپرستی است که به شبیه‌سازی مرتبط است. شبیه‌سازی انسان، خطر خودپرستی را در انسان افزایش می‌دهد. در خلال روابط جنسی و فرزندآوری، انسان‌ها با دگرگرایی غیرقابل اجتنابی روبرو هستند. این دگرگرایی موجب فروتنی و صحت و اعتبار رابطه‌ی «من و تویی» می‌شود. این ویژگی‌ها مانع خودپرستی و غرور انسان می‌شود.

۹- تبدیل به کالا و محصول شدن انسان: عده‌ای از خاخام‌های یهودی شبیه‌سازی انسان را از آن جهت ممنوع اعلام می‌دارند که با تصویر انسان حاصل از این فرآیند مشکل دارند. این عده معتقدند که عدم شناسایی جامعه از فرد شبیه‌سازی شده به‌عنوان انسان مشکلات فراوانی را پیش روی جامعه خواهد گذاشت از جمله تبدیل شدن انسان به محصول یا آنان در آزمایشات پزشکی، به بردگی کشاندن آنان، استفاده از اعضای بدن آنان یا دیگر اعمال ممنوع و حرام.

۱۰- مصالح حکومتی: در نهایت، دادگاه حقوقی یهود می‌تواند براساس موقعیت‌ها و شرایط موقتی، کار یا فعلی را ممنوع نماید (میشنا: سنهدرین ۴:۴).

ب - جواز: اما عده‌ای دیگر از خاخام‌های یهودی، شبیه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و دلایل زیر را برای نظر خویش اقامه می‌کنند:

۱- عدم وجود دلیل برای حرمت شبیه‌سازی در منابع دینی یهود: دلیل اول برای این نظر، استناد به گفته‌ی یکی از خاخام‌های یهودی به‌نام اسرائیل لیفشیتز (Rabbi Israel Lifshitz) در قرن نوزدهم است: «در مورد هر مسأله‌ای که دلیلی برای حرمت آن نباشد باید بدون هیچ توجیهی، حکم به جواز آن داد. بر همین اساس، شبیه‌سازی انسان مجاز است تا هنگامی که ما دلیل خاصی برای حرمت آن بیابیم زیرا، تورات به موارد مجاز اشاره ننموده بلکه به نواهی اشاره نموده و بر ترک آن تأکید نموده است.

۲- تقلید از خداوند در آفرینش حوا: براساس سفر آفرینش ۲۲-۲۱:۲، حوا از دنده

در دین یهود، تأکید فراوانی بر افزایش پتانسیل درمان و نجات زندگی افراد به عنوان بخش با ارزش زندگی انسان‌ها شده است. بنابراین شبیه‌سازی درمانی در صورت ارتقای توانایی ما در درمان انسان‌ها، باید مورد استفاده واقع شود

آدم بدون وجود هیچ گونه رابطه‌ی جنسی آفریده شده است. شاید ما هم بتوانیم از خداوند در شبیه‌سازی انسان تقلید کنیم.

۳- جواز انجام امور براساس روند علمی و طبیعی آن‌ها: خاخام یهودی منجم همثیری (Rabbi Menahem Hameiri) در قرن ۱۴ قانونی را در تفسیر و توضیح خود از تلمود آورد که چنین است: «هر آن چه که با یک روش طبیعی انجام شود دیگر آن را نباید جادوگری (که عملی ممنوع است) دانست، حتی اگر آن‌ها بدانند که چگونه موجود زیبایی را بدون تحقق رابطه‌ی جنسی و براساس کتب علمی به وجود آورند. بنابراین، شبیه‌سازی انسان، در خلال یک روند طبیعی، جایز و مجاز است.

۴- وجود ضمانت اجرا برای جلوگیری از سوءاستفاده: خاخام یهودی شلمو زلمان آئورباخ (Rabbi Shlomo Zalman Auerbach) در سال ۱۹۵۸ قانونی را وضع کرد که تلقیح مصنوعی یا تخمک یا اسپرم بیگانه را در صورت وجود نظارت درمانی برای جلوگیری از حرام‌زادگی وجود دارد، مجاز دانسته زیرا ما نباید مردم خوب را به خاطر مردم غیر مسئول از کارهای مجاز بازداریم. بر همین اساس، اگر شبیه‌سازی انسان به خودی خود مجاز باشد، ما نباید آن را برای مردم خوب و درست‌کار به جهت ترس از سوءاستفاده مردم بد و ناهل ممنوع کنیم.

۴- وجوب مطلق زادآوری براساس دستورات تورات: بیش‌تر زیست‌شناسان یهودی به‌ویژه سنت‌گرایان آن‌ها، تمامی تکنولوژی‌های نوین باروری را برای انجام اولین دستور تورات یعنی الزام به زاد و ولد را مجاز شمرده‌اند. جواز این امر، تمام تکنولوژی‌های باروری از AIH تا شبیه‌سازی انسان را در برمی‌گیرد البته به شرط آن‌که در شبیه‌سازی، استانداردهای لازم در مورد جنین و مادرش رعایت شود. بعضی از خاخام‌های یهودی نیز معتقدند در جایی که دیگر روش‌های کمکی تولید مثل پاسخ نمی‌دهد، باید از شبیه‌سازی استفاده نمود. از سوی دیگر، شبیه‌سازی بسیاری از مسائل و مشکلات روش‌های دیگر باروری مانند رحم اجاره‌ای، لقاح خارج رحمی، تلقیح مصنوعی را ندارد زیرا همگی این روش‌ها، از دیدگاه هلاخایی مسائل و مشکلات خاصی را به وجود آورده‌اند. این در حالی است که دین یهود، تمامی روش‌های کمکی تولید مثل را به شرط استفاده در درمان ناباروری و انجام تکلیف زاد و ولد در تورات، واجب (میسوا) Mitzvah شمرده است.

البته لازم به ذکر است که سیستم حقوقی یهود، فرزندانوری و زاد و ولد را فقط برای مردان واجب نموده و چنین وظیفه‌ای را بر عهده زنان نگذاشته است. البته این سیستم در

تمامی شرایط زنان را به‌عنوان شریک ضروری در انجام این تکلیف شناسایی نموده است اما به دلایل فراوانی، این تکلیف را به عهده زنان نگذاشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که در شرایطی که صاحب سلول مرد باشد و نتواند از طرق دیگر این تکلیف را به انجام رساند، شبیه‌سازی از وی، عملی مستحب (mitzvah kiyumi) است ولی در شرایطی که صاحب سلول زن باشد، شبیه‌سازی انسان نه ممنوع است و نه واجب بلکه تنها مجاز است.

تورات در این باره بیان می‌دارد که در روش تولید مثل جنسی، سه شریک وجود دارد: ۱- خدا ۲- پدر ۳- مادر. این امر به خوبی ارجحیت روش تولید مثل جنسی را نزد دین یهود نشان می‌دهد و حتی در دنیایی که شبیه‌سازی رخ می‌دهد، هنوز هم بسیاری از انسان‌ها با شراکت این سه عامل به‌وجود می‌آیند. با وجود این، هیچ مدرک و سندی وجود ندارد که خاخام‌های یهودی به الزام به این روش تولید مثل جنسی، روش معمول در جهان است. علاوه بر این، این سخنان هم‌چنان صحیح است و تاکنون نقض نگردیده زیرا حتی یک شخص شبیه‌سازی شده هم از محتویات ژنتیکی از یک مرد و زن و از روحی که خداوند به او پخشیده، برخوردار می‌شود. از دیدگاه هلاخایی یک راه‌گریز مطمئن برای استفاده از شبیه‌سازی برای درمان ناباروری در مقابل روش‌های دیگر تولید مثل در نظر گرفته شده است زیرا در فرآیند شبیه‌سازی نیازی به جمع‌آوری اسپرم از اهداکنندگان نیست.

۶- اصل وجوب نجات جان انسان‌ها و درمان بیماری‌ها: دین یهود به اصول اخلاقی ناشی از مسئولیت پایبند است ته به اصول

شبیه‌سازی شاید عقیده
ما را در این‌که همه
انسان‌ها تجسم روح
خدا هستند، تضعیف
کند، اما از سوی دیگر،
شبیه‌سازی می‌تواند
ترس ما را از خداوند نیز
افزایش دهد

اخلاقی ناشی از حقوق انسانی، بنابراین انجام چنین تکلیفی در صورتی ممکن است که از شبیه‌سازی انسان به‌عنوان یک روش درمانی برای درمان بیماری‌های ژنتیکی مانند ناباروری که افراد از آن رنج می‌برند، حمایت شود زیرا تمامی قوانین دین یهود می‌تواند برای نجات جان انسان‌ها زیر پا گذاشته شود. بنابراین، حتی اگر شبیه‌سازی انسان ممنوع باشد، می‌توان آن را برای نجات جان یک بیمار مجاز دانست. خاخام‌های شاخه‌های مختلف دین یهود، تمام درمان‌های متصور برای ناباروری را پذیرفته‌اند. بعضی از انجمن‌های یهودی ارتدوکس هم کلینیک‌های درمان ناباروری مخصوص به خود به وجود آورده‌اند تا شرایط لازم برای اجرای عمل واجب زاد و ولد را تأمین نمایند و فرزندان یهودی را به دنیا آورند که به‌عنوان هدفی مثبت، انواع مختلف و گسترده روش‌ها و ابزارهای تولید مثل را توجیه کند.

۷- مطابقت مفهوم انسان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی با مفهوم انسان حقیقی در دین یهود: عده‌ای از خاخام‌های یهودی با رد دلیل نهم قائلین به ممنوعیت شبیه‌سازی، ضمن بررسی معیارهای انسانیت و برشمردن آن‌ها مانند ۱- زاده شدن از انسان ۲- قوه تشخیص خوب از بد ۳- توانایی به‌وجود آوردن انسان دیگر، معتقدند که شاید انسان شبیه‌سازی شده از منبعی نامعمول به‌وجود می‌آید اما می‌تواند در رحم مادری پرورش یابد و متولد شود و هم‌چنین وی می‌تواند ویژگی‌های انسانی و قضاوت اخلاقی را دارا باشد و با انسان‌های دیگر ازدواج نماید. بنابراین، انسان شبیه‌سازی شده، انسان است. هم‌چنین معتقدند که اگر انسانی از رحم مصنوعی متولد شود باز هم انسان است زیرا وی دو معیار دیگر را برای انسان بودن، داراست. هم‌چنین آدم و حوا نیز انسان خوانده شدند هر چند که از رحم مادرشان متولد نشدند. بنابراین انسانی که در خلال فرآیند شبیه‌سازی به‌وجود می‌آید و در رحم مادرش پرورش می‌یابد و متولد می‌شود، در دین یهود، انسان کامل است و مانند انسان‌های دیگر با او رفتار می‌شود.

۸- جواز ایجاد تغییرات سودمند در خلقت: عده‌ای از خاخام‌های یهودی با رد دلیل دوم قائلین به ممنوعیت شبیه‌سازی معتقدند که هر چند که بعضی از جزئیات مربوط به روند انجام این تکنیک‌ها، موقعیت‌هایی را به وجود می‌آورد که ممکن است ما آن را با عنوان دخالت در طبیعت در نظر بگیریم ولی براساس قوانین دین یهود، ما نه تنها اجازه داریم بلکه حتی ملزم شده‌ایم تا جهان را به هر صورت ممکن برای انسان‌ها بسازیم و کامل کنیم. اعمالی که با هدف توسعه و پیشرفت جهان صورت می‌گیرد،

عده‌ای از عالمان یهود معتقدند که شبیه‌سازی درمانی جایز است زیرا در دین یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت‌های ویژه او برخوردار نیست رویان، خارج از رحم مادرش و همچنین تا ۴۰ روز هیچ جایگاه حقوقی در قوانین هلاخایی ندارد

و نمی‌تواند تحت عنوان جادوگری و سحر یا آمیختن گیاهان و حیوانات نیز آورده شود. بر همین اساس، هیچ تفاوتی میان به‌کارگیری شبیه‌سازی انسان و استفاده از آنتی‌بیوتیک‌ها برای کشتار باکتری‌هایی موجب بیماری نیست. البته تا جایی که این اعمال، دخالت در کار خداوند نباشند. بنابراین شبیه‌سازی باید براساس دو معیار زیر سنجیده شود: آیا آن، کمک، درمان یا سود برای انسان‌ها به شمار می‌رود یا آن که به‌کارگیری این تکنولوژی و نتایج آن، با اعمال ممنوع همراه نیست. پس پاسخ به این دو سوال مثبت است و براین اساس، شبیه‌سازی به‌عنوان دخالت منفی و ممنوع در طبیعت به شمار نمی‌رود.

۹- لزوم استمرار خلقت خداوند در قالب تغییرات انسانی در خلقت: اما عده‌ای دیگر با رد دلیل چهارم قائلین به ممنوعیت شبیه‌سازی انسان معتقدند که تفسیر دیگری از آیات فوق‌الذکر نیز می‌توان ارائه نمود. براساس تفسیر یکی از مفسران قرون وسطا، مفاهیم این آیات می‌تواند به گونه‌ای دیگر بازگو شوند: به جای آن که آفرینش را یک عمل یک‌باره و کامل با مشخصات ویژه که به خواست خداوند منوط باشد، بدانیم؛ باید آفرینش را عملی شامل مراحل مختلف و ممتد دانست. بر این اساس، معجزه آفرینش محدود به آفرینش اولیه خداوند در شش روز نمی‌شود بلکه شامل تمامی مراحل هدایت و نظم‌دهی جهان توسط خداوند هم می‌شود. عهد عتیق دائماً بر این موضوع که خداوند چیزهای خوب یا خیلی خوب را آفریده، تأکید می‌کند. به بیانی دیگر، خداوند هر آن‌چه که پیش از این وجود داشته را توسعه داده است. خواسته خداوند، اهداف خوب و نه آفریده‌های خوب است. اگر اهداف خوب و متعالی، هدف آفرینش خداوند باشند و ما هم تجسم روح او باشیم، شاید خود ما هم بتوانیم نقشی را به‌عنوان آفریدگار بازی کنیم؟ سنت‌های دینی ما، حضرت ابراهیم را هنگامی که وجدان و ایمان خود را در مباحثاتش در مورد تقدیر و سرنوشت افراد فاسد و گمراه با خداوند امتحان می‌نمود، می‌ستایند. شاید ما هم هنگامی که قدرت‌های علمی‌خود را برای رسیدن به اهداف خوب امتحان می‌کنیم، مورد ستایش واقع شویم. سنت‌های یهود به ما اجازه می‌دهند و حتی بر ما واجب می‌کنند که مردم را از بیماری‌های طبیعی‌شان به وسیله ابزارهای پزشکی که زاده نبوغ بشرند، نجات دهیم. یهودیان به پرستش خدا خوانده شده‌اند نه طبیعت.

بنابراین، تغییر در درک ما از خداوند از خالق لحظه اول آفرینش به یک منبع ساری قدرت آفرینش می‌تواند سرآغاز تغییر در دیدگاه ما نسبت به خدا به‌عنوان فرمانروای جهان گردد.

اگر خدا را به‌عنوان آفریننده زندگی بشر بدانیم، دیگر پذیرش حاکمیت خدا بر انسان، بسیار آسان خواهد بود. همان‌طور که مالکیت هنرمند را بر کارش و تسلط والدین بر فرزندانشان را می‌پذیریم. اما اگر ما خود را به‌عنوان آفریدگار خودکار بدانیم، آیا خواهیم توانست که خدا را هنوز هم فرمانروای مطلق جهان بدانیم؟ اگر دیدگاه ما این باشد که خداوند قدرت بیرونی‌ای است که اطاعت او بر ما لازم است، پس تبعیت از این نگاه، آن به‌عنوان تمرین مسئولیت‌مدارانه خط و خطوط الهی در درون ما است. شاید در نگاه اول، این دیدگاه متکبران‌های به نظر رسد ولی چنین اعتقادی درست نیست. شناسایی چنین مسئولیت‌هایی که با قدرت همراه است و پذیرش این مسئولیت‌ها می‌تواند درک عمیقی از خود، خدا و حاکمیتش را در ما شکل دهد.

یافته‌های مقاله:

۱- عالمان یهودی در زمینه شبیه‌سازی درمانی سه دیدگاه متفاوت را ارائه نموده‌اند: الف - عده‌ای از آنان با ارائه دلیل زیر معتقدند که شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات در این زمینه با هدف درمان بیماری‌ها امری واجب، حکم و فرمان خداوند است زیرا آموزه‌های تورات، ارزش فراوانی را برای زندگی بشر قرار داده‌اند. ب - عده‌ای دیگر از عالمان یهود معتقدند که شبیه‌سازی درمانی جایز است زیرا در آموزه‌های یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت‌های قانونی از او برخوردار نیست. ۳- گروه دیگری از عالمان یهودی نیز این تحقیقات را ممنوع دانسته و بیان می‌دارند که فراوانی مرگ رویان‌ها و نواقص موجود در تحقیقات، اصل اخلاقی لزوم عدم ورود ضرر به انسان را خدشه‌دار می‌کند.

۲- در شبیه‌سازی بازتولیدی نیز، عالمان یهودی دیدگاه یکسانی را اتخاذ نموده‌اند: گروهی از آنان با ارائه دلایلی از جمله اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن، تعارض شبیه‌سازی با لزوم نیاز به تنوع بیولوژیکی میان انواع بشر، حرمت بازی نمودن نقش خدا، مسأله روح انسان شبیه‌سازی شده، حرمت مداخله بیش از اندازه در روند طبیعی زاد ولد، خطر خودپرستی و کالا و محصول شدن انسان، شبیه‌سازی انسان را ممنوع دانسته‌اند. اما عده‌ای دیگر از خاخام‌های یهودی، شبیه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و دلائل زیر را برای نظر خویش اقامه می‌کنند: عدم وجود دلیل بر حرمت شبیه‌سازی در منابع دینی یهود، تقلید از خدا در شبیه‌سازی آدم و حوا، استفاده از شبیه‌سازی به‌عنوان روش درمان برای زوجین نابارور و عدم تصریح قوانین یهود به الزام به روش تولید مثل جنسی.

نباید با اصول حاکم الهی در تعارض باشد و اثرات منفی بر فرآیند آفرینش داشته باشد. از سوی دیگر، چنین اعمالی، شراکت مثبت میان خدا و انسان را در بر می‌گیرد. این عقیده به شکل‌های گوناگون از گذشته تاکنون بیان شده است. البته هرچند ما اجازه داریم که در طبیعت دخالت کنیم ولی چنین مجوزی مشروط به سه شرط است: ۱- عمل حقیقی تکامل جهان نباید همراه با اعمال ممنوع هلاخایی باشد. ۲- این عمل نباید منجر به نتایج تغییرناپذیر و اجتناب‌ناپذیر شود که ممنوع‌اند. ۳- این اعمال باید منفعتی را برای نوع بشر داشته باشد. بنابراین دیدگاه، جادوگری و آمیختن گیاهان و حیوانات (کیلایم) ممنوع است. پس از دیدگاه فلسفه یهود، استفاده از تکنولوژی شبیه‌سازی دخالت ناخواسته در طبیعت نیست. شبیه‌سازی یک عمل طبیعی است و موجوداتی که قبل از این وجود نداشته‌اند، را به‌وجود نیاورده

نگاهی به دو دهه فعالیت سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران

جامعه بانوان یهودی ایران نزدیک به دو دهه است از وجود سازمانی بهره می برد که در امور فرهنگی، اجتماعی، هنری و ... گام های خوبی را برداشته و نمودار فعالیت های این سازمان همچنان سیر صعودی را می پیماید. سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران از سال ۱۳۷۰ فعالیت خود را دوباره از سر گرفت؛ در حالی که آن سال ها راه اندازی چنین تشکیلات گسترده ای همچون سایر سازمان های یهودی در جامعه دور از نظر بود لیکن شرایط به گونه ای فراهم شد تا این سازمان با انگیزه های نو در سایه انکا به پشتکار مضاعف، شروعی دوباره را تجربه کند. سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران را باید تداوم بخش فعالیت های سازمان بانوان یهود ایران دانست که از سازمان های با سابقه جامعه کلیمیان ایران به شمار می آید. تلاش و پیگیری های سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران به نتیجه نشست و سرانجام در سال ۱۳۸۱ مجوز های لازم از وزارت کشور اخذ شد تا ثبت قانونی این سازمان و برگزاری انتخابات هیأت مدیره آن انجام شود. فرنگیس حسیدیم بانوی پر تلاشی که نیم قرن از عمر پربخت خود را در بیمارستان دکتر سپهر در راستای خدمت به ایرانیان سپری کرد و به جرات می توان او را از بانوان مدیر، مدیر و کارآمد کلیمی ایران معرفی کرد، به عنوان رئیس هیأت مدیره این سازمان انتخاب شد. وی که عضو هیأت مدیره انجمن کلیمیان ایران نیز می باشد امروز با تمام قوا و با بکار بستن تجارب گرانسنگ سال ها کار و فعالیت، در تلاش است تا پویایی سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران را تداوم بخشد و در این راستا نیز از توان و ظرفیت های موجود بانوان کلیمی بهره مند است. هیئت مدیره سازمان بانوان در تلاش است تا با تدوین برنامه های کارشناسی، مدون و مطلق با نیاز های موجود، این سازمان را به عنوان نهادی که می تواند جایگاه خوبی برای بروز توانایی های بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران باشد، غنا بخشد. فرنگیس حسیدیم، فریده پور اتیان، فلورا توکلی، فلورا اخوان، سارا کاهن، فروغ وحدت و فرزانه تهرانی اعضای هیئت مدیره کنونی سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران را تشکیل می دهند.

دو دهه فعالیت دو دهه افتخار



دو دهه فعالیت سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران در شرایط موجود چشم گیر و قابل تحسین است.

حضور فعال فرنگیس حسیدیم رئیس هیئت مدیره این سازمان با همراهی سایر نمایندگان آن در سمینارها، کنفرانس ها و گردهمایی های داخل و خارج از کشور یکی از برنامه های این سازمان است که در معرفی این نهاد به جامعه داخل و خارج از کشور تأثیر به سزایی دارد.

برگزاری جلسات سخنرانی، تشکیل کلاس ها و کارگاه های مختلف علمی و آموزشی جهت افزایش سطح دانایی و توانایی بانوان هم کیش از دیگر برنامه های سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران طی دو دهه اخیر بوده است.

از دیگر اقدامات این سازمان می توان به احیاء دو مهد کودک یهودی (یلدا ۱ و یلدا ۲)، رسیدگی مداوم و پیگیری امور آنها با همیاری مسئولان وقت انجمن کلیمیان تهران اشاره کرد، علاوه بر آن سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران نسبت به برگزاری جلسات متعدد سخنرانی، مشاوره توسط متخصصان و اساتید فن با خانواده های کودکان بهویژه مادران و نیز ارائه آموزش های لازم درباره مسئولیت های خطیر و سخت آنان در پرورش کودکان و آموزش های لازم در حوزه خانه و خانواده نیز گام های مثبتی برداشته است و برگزاری کلاس های مختلف در این زمینه را در کارنامه فعالیت خود دارد. برگزاری جشن های مختلف در مناسبت ها، برپایی گردهمایی ها و تورهای سیاحتی و زیارتی جهت پر کردن سازه های اوقات فراغت بانوان کلیمی ایران در فهرست سایر فعالیت های این سازمان قرار دارد.

تشکیل کلاس های کامپیوتر، بدن سازی، حرکات موزون، مهارت های زندگی و کلاس های بهداشت روانی به اندیشیدن، برپایی نمایشگاه های متعدد از کارهای هنری بانوان هم کیش از دیگر فعالیت های سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران است.

علاوه بر موارد یاد شده، سرپرستی بخش مددکاری بیمارستان دکتر سپهر جهت شناسایی و کمک به بیماران کم بضاعت به عنوان یکی از فعالیت های شاخص سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران است که جای بسی تحسین دارد.

نیاز و علاقه بانوان یهودی ساکن در (شرق تهران) به شرکت در فعالیت های اجتماعی، جلسات سخنرانی، گردهمایی های مذهبی و تفریحات دسته جمعی، سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران را برآن داشت تا با همت و همیاری گروهی از بانوان علاقمند و فعال، شاخه ای از سازمان بانوان را در محل مجموعه باغ صبا راه اندازی کند، این شاخه سازمان هم اکنون با اقتدار و تلاش در راستای انجام فعالیت های خود گام برمی دارد.

در حال حاضر، سازمان بانوان و دوشیزگان کلیمی ایران با کوله باری از تجربه، بهره مندی از حضور بانوان فعال، کارآمد و دانا عزم آن دارد تا با انکاء به قدرت لایزال الهی، در سایه تلاش و خردمندی به راه خویش ادامه دهد و دستاوردهای خوبی را برای بانوان کلیمی ایران داشته باشد، این سازمان به افق های روشن دور می نگرد و نیک می داند با بهره گیری از دانش اندیشمندان و متخصصان امور اجتماعی و نیز بکارگیری تجربه های گرانسنگ فعالان حقوق زنان و عالمان دین و مهم تر از همه برخورداری از حمایت های همه جانبه هم کیشان خویش، می تواند پله های ترقی را یکی پس از دیگری با پشت سر نهادن همه تنگ نظری ها و محدود نگرانی ها، طی کند.

نگاه به افق های روشن

نتیجه‌ای نگرفتند و بالاخره به آن کودک یهودی گفتند که او هم به درگاه خدای خودش دعا کند و بعد از دعای کودک به حضور خداوند، دریا آرام می‌گیرد و همگی در شگفتی می‌مانند. در مرحله بعدی سفر، کشتی در یک بندر توقف می‌کند و همگی برای تهیه و خرید مایحتاج سفر خود پیاده می‌شوند و به‌جز کودک یهودی که به‌علت فقر قادر به خرید نبوده است وقتی از او می‌پرسند که چرا خرید نمی‌کند؟ جواب می‌دهد که او یک فرد غریب و درمانده‌ای بیش نیست و چگونه از او توقع دارند خرید کند. بت‌پرستان می‌گویند «تو چگونه خود را غریب و درمانده می‌خوانی؟ ما غریب و درمانده هستیم که اینجا هستیم ولی خدایان ما در بابل هستند برخی از ما اینجا هستیم ولی خدایان ما در روم اما هیچکدام از این خدایان سودی به‌حال ما ندارند و کاری از آنها ساخته نیست، در صورتی که تو هر کجا بروی خدایت همراه تو است.»

۵- یکی دیگر از صفات خداوند از دیدگاه تورات و تلمود، قادر مطلق و لایزال بودن خداوند است. نظام هستی و کلیه پدیده‌های طبیعت منجمله باران و تابش خورشید، رویش گیاهان و زمین‌لرزه، رعد و برق، طوفان و غیره بخشی از این قدرت مطلق خداوند محسوب می‌شود. این دعا که در هنگام مشاهده شهاب ثاقب، ستاره دنباله‌دار، زمین‌لرزه، طوفان و نظایر آن خوانده می‌شود: «مبارک هستی تو، ای خداوند خالق ما، خدای عالم که جهان از قدرت و نیرویت مالا مال گردیده است.» (میشنا براخوت ۲:۹)

یا «خداوند همانند آدمیان نیست زیرا یک انسان قادر به ادای دو مطلب در یک زمان نیست ولی ذات مقدس خداوند ده، فرمان را در یک زمان ادا کرد ... انسان قادر نیست به گفته دو تن در آن واحد گوش کند ولی خداوند تبارک و تعالی چنان است که حتی اگر تمام جهانیان به حضورش فریاد زنند، فریاد همه را می‌شنود.»

قدرت لایزال خالق بدون هیچگونه شک و ابهامی روشن و صریح بیان شده است ولی اصل اختیار نیز محترم شناخته می‌شود:

این اصل صحیح است که خداوند قادر مطلق و خالق همه چیز می‌باشد، ولی انسان را با قدرت اراده و انتخاب به وجود آورده است و این خود انسان است که باید راه را انتخاب کند:

«همه چیز در اختیار خداوند است به‌جز ترس از خداوند. (تلمود-براخوت ۳۳ ب) «اراده خداوند در موقع خلقت انسان بر آن قرار گرفته است که او بتواند بین خیر و شر انتخاب کند و با انتخاب امر خیر خود را متعالی سازد همین حق انتخاب و میل به تعالی است که انسان را به‌سوی همکاری اجتماعی و اطاعت از فرامین خدا می‌کشاند، انسان تسلیم بی‌چون و چرای تقدیر نیست زیرا خداوند نیروی انتخاب حق از باطل را در او به ودیعه گذاشته است و نظام هستی بر قدرت لایزال خداوند و اراده او بر اعطای اختیار و عقل به انسان استوار است.

در مورد معجزات که بخشی از قدرت خداوند است هیچوقت در تفسیر این رویدادهای اعجاز‌آمیز از آنها به‌عنوان تحریف از نظم خلقت ذکری نشده است بلکه این کیفیات را در آغاز خلقت خداوند مقدر فرموده است و بخشی از کیفیات خلقت و عظمت کار خداوند می‌باشد.

خورشید، ماه و ستارگان به‌عنوان سمبول‌های عظیم خلقت در امثال و روایات بسیار ذکر شده ولی برخلاف نظریه بت‌پرستی رایج در آن زمان که این‌ها را خالق جهان می‌پنداشتند در یهودیت فقط مخلوق و صانع دست پروردگار و برای منظور خاصی خلق شده‌اند: «آیا هرگز شنیده‌ای که خورشید بیمار شود و نتواند طلوع کند؟ یا ماه مریض شود و نتواند در آسمان ظاهر گردد؟ اگر برای این‌ها خادمین پروردگار نمی‌توان بیماری و ضعف و ناتوانی تصور نمود، پس چگونه می‌توان برای خدای قادر و ابدی ضعف و ناتوانی تصور نمود؟ همه کائنات مظهر وجود خداوند هستند و انسان نیز جزئی از کائنات است و روی به خداوند متعال دارد.

۶- علم لایتناهی و ابدی از آن خدا است. علم و دانش خداوند هم‌چون قدرت لایزال و مطلق او، مطلق و بی‌انتها است و در مورد این کلام تورات که «خداوند همه چیز را می‌داند» علمای یهودی تفسیرات و روایات بسیاری زیادی گفته و با تفسیرات خود آن را بسط داده‌اند. و گفته‌های انبیای یهود نیز در این باره مورد استفاده زیاد قرار گرفته‌اند، مثلاً به این آیه یسعیاہ نبی توجه کنید: «وای بر آنان که مشورت خود را از نظر خداوند پنهان می‌کنند و اعمال ایشان در ظلمت و تاریکی است و (باخود) می‌گویند چه کسی ما را می‌بیند و چه کسی ما را می‌شناسد» (یسعیاہ ۴۹: ۱۵).

حال به این تفسیر از علماء توجه نمایید: «حتی پیش از آن که موجودی در زهدان مادر شکل گیرد، فکر او در حضور خداوند شناخته شده است ... حتی پیش از آن که فکری در ضمیر انسان پدید آید، این فکر در حضور خداوند آشکار است.» «همه چیز به توسط خداوند متبارک پیش‌بینی شده است» و «خداوند هر آن چه را که در آینده واقع خواهد شد، می‌داند»

اگر کمی دقت شود یکی از کیفیات بارز خالق، علم و آگاهی از آینده و اطلاع از پایان و سرانجام هر چیز و پدیده است: «از آغاز آفرینش جهان، خداوند متبارک و متعالی اعمال نیکوکاران و بدکاران را پیش‌بینی کرد.» ولی براساس اصل اختیار، انسان خود مختار است که بین خوب و بد، یکی را انتخاب کند.

۷- از صفات دیگر خالق، ابدی و جاودانه بودن خداوند است. برای خداوند گذشته، حال و آینده و به‌عبارت دیگر زمان وجود ندارد و این تقسیم‌بندی زمانی فقط در مورد اجسام و مخلوقات فانی و نابود شدنی صادق است. چون ذات خداوند ابدی است پس فناناپذیر است. این صفت ابدیت در آیات انبیای یهود نیز دیده می‌شود ... خداوند تا ابد پا برجاست و تخت خویش را برای دوری بر پا خواهد داشت.» (مزامیر داوود ۸:۹)

و یا «در آن زمان (آینده) اورشلیم را اورنگ خدا خواهند نامید و تمامی اقوام به جهت تکریم نام خداوند در اورشلیم اجتماع خواهند کرد و ایشان (مردم) بار دیگر از نیت بد و هوا و هوس خویش پیروی نخواهند کرد.» (ارمیاہ نبی ۳: ۱۷)

۸- عدالت و رحمت خداوند از صفات بارز و مورد بحث و تفسیر بسیار خالق جهان، عدالت و رحمت عظیم خداوند است. خداوند مظهر عالیت‌ترین داور و قضاوت است. او به روایت تلمود «داور تمام زمین» خوانده شده است. در مبحث قبل در مورد اصل اختیار و انتخاب بین بد و خوب در

مورد انسان صحبت شد به علت همین اصل اراده و حق انتخاب است که انسان مسئول اعمال خود و جوابگو در برابر داورى خداوند عالیت‌ترین و برترین قضاوت‌ها و به‌عبارت دیگر عدالت مطلق است و هیچگونه ضعف و یا کمبودی در قضاوت خداوند برخلاف قضاوت‌های جاری انسانی وجود ندارد. خداوند از همه چیز آگاه است و علم او از همه چیز لایتناهی است و از هر ضعف و گناهی در بندگان خود آگاه است پس قضاوت او به‌طور مطلق کامل است و بدون هیچ‌گونه نقصی می‌باشد: «خداوند منصف است، فراموش کار نیست، از کسی ملاحظه نمی‌کند، و به هیچ تزویری تسلیم نمی‌شود» و یا به‌قول ربان یوحنا بن زکای که در پست‌تر مرگ به شاگردان خود گفت «بزودی در پیشگاه خدایی که «همی‌توانم با سخنان دلنشین از او استمالت کنم و یا او را فریب بدهم داورى خواهم شد.» (تلمود - براخوت ۲۸ ب) ولی براساس روایات تلمود، رحمت خداوند آن‌قدر زیاد است که حتی «هنگام غضب، خداوند رحمت را به‌یاد می‌آورد.» (پساحیم ۸۷ ب) یا چنان‌چه حزقیال نبی می‌گوید: «من (خداوند) خواهان مرگ شخص شریر و بدکار نیستم بلکه می‌خواهم که شخص شریر از طریق (زشت) خود بارگشت نموده و زنده بماند.» (حزقیال نبی ۱۱: ۳۳) به‌طور خلاصه «جهان با نیکی و رحمت داورى می‌شود.» و این رحمت و عطاوت خداوند نسبت به بندگان به‌مثابه عشق و علاقه پدر به فرزند است که این رابطه خالق و مخلوق به‌همین ترتیب در دعا‌های یهودی انعکاس یافته است مانند عبارت «ای پدر ما که در آسمان هستی ...».

۹- قدوسیت و کمال خداوند نیز در عبارات بسیاری نه تنها در توره و اتبیه بلکه در میشنا و تلمود توصیف شده است. خداوند مظهر پاکی و دور بودن از هر گونه کمی و کاستی است. و قدوسیت خداوند چنان عظیم و خارج از حدود فهم انسان است که درک کامل آن برای انسان مقدور نیست و حتی در مورد ذکر نام خداوند، چنانچه هر یهودی می‌داند این نام «ی. ه. و. ه.» تلفظ نمی‌شود بلکه عبارت «ادونای» به مفهوم «سرور من» به کار می‌رود. بردن نام مقدس خداوند از گذشته‌های خیلی دور ممنوع گردیده است و این موضوع در ادعیه یهودیان انعکاس یافته است و به‌جای تلفظ نام چهار حرفی خداوند، از عبارات «الوهینو»، «خدای ما خالق ما»، «پدر ما در آسمان‌ها»، آن که نامش متبارک است، هقادوش باروخو (مظهر قدوسیت که متبارک است او)، «هشم» که دقیقاً «آن نام» معنی می‌دهد ولی به‌طور اخص اشاره به نام خداوند است مانند هشم هشم (یعنی به نام خدا)، در هر حال در مکالمات و تفاسیر ریاتی یکی از معمول‌ترین واژه توصیفی به‌جای نام واقعی خداوند همان هقادوش باروخو «هو» آن که مقدس و متبارک است» به کار برده می‌شود. البته این چند نمونه از واژه‌ها و عبارات مختلف است که برای نام خداوند به کار می‌رود و عبارات بسیار دیگر هم وجود دارند. که همه آنها یا یکی از صفات خداوند یا مجموعه‌ای از صفات باریتعالی را بیان می‌دارد.

در شماره قبل در همین مطلب تصویر کتاب تلمود به صورت وارونه به چاپ رسیده بود که از این بابت از همه هم‌کیشان عذرخواهی می‌کنیم.

معمای گلدسته‌های تورات در شرق ایران



متداول‌ترین نوع تزئینات طومارهای تورات، در همه جامعه‌های یهودی، یک جفت گلدسته‌ای است که زینت‌بخش قسمت بالایی طومار گردیده است. این گلدسته‌ها در خلال سده‌های میانه به وجود آمده و تغییر و تحول یافته‌اند، و برای اولین بار در فهرست اقلام موجود در آرشیو قطعات و نوشته‌های متبرک (مربوط به سال ۱۱۵۹) شهر قاهره (گنیزای قاهره) از آنها نام برده شده است. رسم یهودیان اشکنازی ایتالیایی و سفاردی بر آن بوده است که گلدسته‌ها را مستقیماً بر رأس دو میله (محور یا غلتک) ویژه باز و بسته کردن و جلو و عقب بردن صفحات یا پانل‌های طومار تورات نصب می‌کردند؛ هر چند، در جامعه‌های یهودی آفریقایی شمالی، یمن و خاور دور، طومارها در صندوقچه یا محفظه چوبی نگهداری می‌شدند و گلدسته‌ها بر روی محفظه‌های مزبور یا روی غلتک‌های طومار و یا روی دو میله مورب متصل شده به طرفین تاج کروی شکل تورات قرار داده می‌شدند. در اصل همگی گلدسته‌های تورات به صورت شیئی مدور و کروی، سوار شده بر روی یک بدنه استوانه‌ای، ساخته می‌شدند. با توجه به مشابهت جسم مزبور با میوه‌ها، آن‌ها را «רימונים» (ریمونیم) «انارها» یا «תפוחים» (تپوحیم) «سیب‌ها» نیز می‌نامیدند.

به مرور زمان در شکل ابتدائی گلدسته‌های مزبور تغییراتی داده شد؛ زنگوله‌هایی به آنها اضافه شد، و شکل کروی آن کشیده‌تر، خمیده و یا پیزی (شُلجَمی) شکل گردید. در برخی از موارد رأس گلدسته‌ها با کلاهک یا قطعه‌ای نوک‌دار تزئین می‌شد. در برخی از جوامع اشکنازی و سفاردی بدنه کروی شکل آنها به شکل برج تغییر داده شد. با وجود این، و علی‌رغم تغییراتی که در طرح و شکل گلدسته‌ها داده شده است، نام و طرز قرار گرفتن آنها در قسمت بالایی طومارهای تورات بدون تغییر باقی مانده است.

یکی از مستثنیات جالب بر قاعده مرسوم در جامعه‌های یهودی ایران دیده شده است. در این جامعه‌ها محفظه‌های تورات به جای دو یا چهار گلدسته آراسته شده‌اند. در برخی از جوامع ساکن مناطق غربی ایران، از جمله کردستان، چهار و حتی شش گلدسته کروی شکل روی تاج تورات قرار گرفته‌اند، در حالی که در نواحی شرقی چهار یا شش گلدسته روی در مسطح محفظه سوار شده‌اند. محفظه‌های تورات متداول در این نواحی نه تنها از حیث تعداد گلدسته‌ها، بلکه از لحاظ شکل آنها نیز با نمونه‌های متداول در دیگر مناطق متفاوتند. در شهرهای یزد و مشهد دو نوع گلدسته کروی و مسطح بر روی محفظه دیده شده‌اند. در قسمت جلو و عقب دو جفت گلدسته کروی شکل و در بین آنها یک گلدسته مسطح (تخت) در بالا و یا در کنار غلتک‌های طومار قرار گرفته‌اند. همین رسم در شهر هرات واقع در افغانستان، که جمعیت یهودی آن ریشه و اصلیت مشهدی ایرانی دارند،

**קראתי שמו זה עטרת
לא רימון ולא כותרת
מן آن را تاج نام نهاده‌ام
نه گلدسته انار و نه کاکل**



آیات کتاب مقدس **וזאת התורה** (وزوت هتوراه) «و اینست تورات» بر روی تاج‌ها است و این آیات چنین‌اند: «و این است تورات که موسی پیش روی بنی‌اسرائیل نهاد.» (کتاب تثئیه، باب چهارم آیه ۴۴). و آیه **תורה צוה** «موسی توراتی (شریعتی) بر ما امر کرد، که میراث امت یعقوب است» (کتاب تثئیه، باب سی و سه آیه چهارم).

عبارت عبری **כתר תורה** «تاج تورات» بدون شک برای تشخیص این اشیاء به کار رفته است. علاوه بر آن، دو آیه کتاب مقدس حاکی از وجود ارتباط بین کتاریم «تاج‌های تورات» مسطح و تاج‌های نصب شده روی محفظه‌های تورات متداول در عراق و نواحی غربی ایران‌اند. در نمونه‌های عراقی و نواحی غربی، همین آیات روی لوحه‌های داخلی محفظه‌ها منقوش گردیده‌اند. در این جا نیز عبارت عبری **כתר תורה** در قسمت بالای لوحه: کلمه **כתר** در سمت راست و کلمه **תורה** در سمت چپ، مشاهده می‌شود. مشابهت عبارات منقوش ممیز وجود ارتباط بین محفظه تورات‌های نوع عراقی با کتاریم کار یزد می‌باشد.

در اینجا سئوالی درباره دیگر مشترکات میان نمونه‌های فوق‌الذکر پیش می‌آید، و جالب آن که منظره نیمرخ کتاریم کار یزد نشان می‌دهد که آنها فقط از یک طرف مسطح بوده و از جانب دیگر حالت محدب دارند. هنگامی که این دو روبروی هم قرار می‌گیرند دو نیمه یک تاج کوچک کروی را تشکیل می‌دهند که بر روی یک بدنه باریک استوانه‌ای (شفث) قرار داده شده است. تاج تورات یزد، همانند تاجی که روی محفظه تورات عراقی نصب شده است، به تدریج که به کاکل یا جقه نزدیک می‌شود، باریک‌تر شده، و آویزه‌ها و زنگوله‌هایی به اطراف آن متصل می‌گردد. این شباهت تصادفی نیست و براساس نتایج یک بررسی وسیع‌تر ریشه در سنت‌های متشابه مربوط به تاج‌های محلی و همچنین آرایش موی سر در عراق و نواحی شرقی ایران دارد.

در مشرق ایران، همانند سایر نواحی، طرح‌های محلی سنتی معمول در ساخت تاج (به طور اعم) مدل و مبنای طرح تاج تورات بوده است. به طور مثال، تاج توراتی که برای اولین بار در سده یازدهم به آن اشاره شده است، با الهام از شیوه‌های معمول در دوران قبل از اسلام طراحی و ساخته شده است. مثال مناسبی از کاربرد این سبک را می‌توان در تاج کنده‌کاری شده روی یک ظرف نقره مربوط به دوران ساسانیان (قرن چهارم) مشاهده کرد. نظر به این که تاج‌های پادشاهان ساسانی با الهام از کرات آسمانی (اجرام سماوی) ساخته می‌شدند، (مفهوم کرویّت) و عناصر گرد و کروی شکل در ساخت آنها نقش عمده‌ای داشته‌اند. بنابراین، تاج تورات‌های متداول در مناطقی که امروزه به نام عراق یا مغرب ایران خوانده می‌شوند تحت تأثیر عوامل مزبور به صورت یک تاج کروی یا پیازی شکل بزرگ ساخته

نیز وجود دارد.

گلدسته‌های مسطح ممکن است به اشکال مختلف از قبیل مربع، شاخ زنبق و یا بته ترمه‌ای، به کار رفته در نمونه‌های یزدی محفظه‌های تورات، ساخته شوند. مسطح بودن گلدسته‌ها طرح بته ترمه‌ای را به وضوح از دو جفت دیگر نصب شده بر روی این محفظه‌ها و همچنین از گلدسته‌های معمولی در سایر جوامع، که دارای اشکال کروی، مطبّق، برجی شکل و غیره هستند، متمایز می‌سازند.

به کار بردن گلدسته‌های مسطح، محفظه تورات‌های متداول در نواحی شرقی ایران را با آن چه در عراق و غرب ایران (از جمله کردستان) ساخته می‌شد، متفاوت می‌سازد. از مختصات گلدسته‌های ساخته شده در نواحی اخیر الذکر تاجی پیازی شکل با کاکل یا جقه‌ای پهن‌تر است که بر روی آن دو تا شش گلدسته کروی شکل سوار شده‌اند. با وجود این، شکل و محل قرار گرفتن گلدسته‌های مسطح روی محفظه تورات تنها وجه تمایز آنها از انواع دیگر نبوده، بلکه تفاوت‌های پیچیده‌ای نیز در نام و کاربرد آن‌ها در این مجموعه وجود دارد.

تفاوت‌ها بدین‌سان توسط اعضاء جامعه نشان داده شده است که از نظر آن‌ها اشیاء فوق گلدسته‌های تورات (ریمونیم، تبوحیم) نبوده، بلکه به عنوان تاج‌های تورات (یا **כתרים** کتاریم به زبان عبری) شناخته می‌شدند. در نمونه‌های افغانی حتی هویت آنها با حک عبارت عبری **כתר תורה** (کتر توره) «تاج تورات»، در این مثال بر روی بالاترین برگ گلدسته سمت راست، مشخص شده است. گلدسته‌های مربوط به قرن نوزدهم، متعلق به کلکسیون خانواده گروس، نمونه‌هایی از یک دوجین گلدسته‌های نوع افغانی‌اند که شواهدی از وجود سنتی معمول در نواحی شرقی ایران به دست می‌دهند، سنتی که اکنون کاملاً از بین رفته است.

متن منقوش متشابه در یک جفت کتاریم کمیاب کار یزد، در موزه اورشلیم نگهداری می‌شود. کتاریم مزبور، که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم ساخته شده‌اند، احتمالاً در نوع خود اولین نمونه‌ها به شمار می‌روند. ساختمان آنها از یک پایه استوانه‌ای کوتاه و یک بدنه گلابی شکل، همانند کتاریم مسطح افغانی موجود در کلکسیون گروس، تشکیل شده است. قسمت بدنه به تدریج باریک‌تر شده و سپس در قسمت انتهایی باز شده و به شکل جقه یا کامل در می‌آید. در قسمت بالایی لوحه‌های کاغذی عبارت عبری **כתר תורה** (کتر توره) «تاج تورات» کنده‌کاری شده است. اگر چه لوحه سمت راست تقریباً به طور کامل محو شده است، لکن کلمه عبری **כתר** قابل تشخیص بوده و می‌توان چنین فرض کرد که کلمه **תורה** روی لوحه مفقود شده سمت چپ حک شده باشد. آنچه از لحاظ بحث تحلیلی، حایز اهمیت است، وجود

به کار بردن گلدسته‌های
مسطح، محفظه تورات‌های
متداول در نواحی شرقی
ایران را با آن چه در عراق
و غرب ایران (از جمله
کردستان) ساخته می‌شد،
متفاوت می‌سازد. از مختصات
گلدسته‌های ساخته شده در
نواحی اخیرالذکر تاجی پیاپی
شکل با کاکل یا جقه‌ای پهن‌تر
است که بر روی آن دو تا شش
گلدسته کروی شکل سوار
شده‌اند

شده‌اند. این شباهت در تاج‌های نصب شده روی
محفظه‌های ساخت مناطق کردنشین چشم‌گیرتر
است. میله‌های ششگانه‌ای که اطراف این تاج را فرا
گرفته‌اند می‌توانند با الهام از اشعه خورشید که تاج
پهرام اول (۲۷۳ تا ۲۷۶) را در بر گرفته‌اند طراحی
و تعبیه شده باشند.

تاج‌های ساخته شده در نواحی شرقی ایران، که
تحت تأثیر شیوه آرایش و تزئین موی سر در آن
روزها قرار داشته است، از لحاظ شکل با تاج‌های
مزبور شباهت داشته لیکن از حیث اندازه متفاوتند.
رسم هندیان چنین بوده که موی سر را به صورت
یک گره بزرگ (شبه گوجه فرنگی) روی سر جمع
می‌کردند. نمونه این سبک در زمان ساسانیان را
می‌توان در آرایش موی سر کاهنه معبد آناهیتا،
خدای باروری (در کشت و کار) در قرن پنجم
مشاهده کرد.

این سبک صدها سال معرف و نمونه آرایش
موی سر در مشرق ایران بود، و حتی امروزه نیز
می‌توان نشانه‌ای از آن را در «گوبیا»، که نوعی
تزئین سرپوش دختران ترکمن است مشاهده
کرد. گوبیا تزئینی نقره‌ای کروی شکلی است که
روی کاکل آن زنگوله‌هایی آویزان شده است. این
سبک آرایش و زینت‌آلات مربوط به موی سر در
آن دوران الهام‌بخش طراحان تاج تورات در نواحی
شرقی ایران گردید. قدیمی‌ترین نمونه موجود از این
نوع تاجی است که در قرن هفدهم در کای فنگ
فو واقع در چین شمالی، که در قرون وسطی محل
استقرار عده‌ای از یهودیان ایران شده بود، ساخته
شده است. محفظه تورات ساخت کای فنگ فو،
که امروزه در موزه اسپرئوس در شهر لوس‌آنجلس
نگهداری می‌شود، دارای یک تاج چوبی کروی شکل
کشیده (مطلوب شده) است که روی در محفظه
نصب شده است. شگفت‌انگیز آن که، این تاج
یکپارچه است، یعنی فقط به یک وجه از محفظه
متصل شده است که این خود از مشخصه‌های اوایل
دوران ساخت تاج به شمار می‌رود.

با در نظر گرفتن سبک مرسوم در مشرق ایران
و همچنین اصلیت ایرانی محفظه تورات ساخت
کای فنگ فو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تاج‌های
تورات ساخت نواحی شرقی ایران در ابتدا به صورت
دو نیمه ساخته نمی‌شدند، لکن بعداً، همان گونه
که در یزد مرسوم بود، به صورت دو بخش مجزا از
یکدیگر ساخته شده و به دو نقطه محفظه متصل
گردیده است.

دو تکه شدن تاج و وجود نوشته‌ها در قسمت
داخلی هر یک از تکه‌ها نشان‌دهنده آن است که
تاج مزبور نیز همانند تاج ساخت عراق زمانی به
محفظه متصل بوده است. هیچ دلیلی برای دو نیمه
کردن تاج، به جز برای باز و بسته کردن در، به طور
مثال، در دست نیست - البته مشروط بر این که
اصولاً اتصال تاج به محفظه مرسوم بوده است.
سئوال دیگری که پیش می‌آید آن است

که چرا تاج متصل به محفظه از جای خود جدا
شده و چرا شکل محدب آن مسطح شده است؟
راه‌گشای این معما در این حقیقت نهفته است
که اندک تعداد تاج‌های موجود از این نوع تماماً
از نقره ساخته شده‌اند. می‌توان چنین پنداشت که
در مشرق ایران تاج تورات‌های اولیه، همانند سایر
تاج‌ها و محفظه‌های ساخت دیگر مناطق از جمله
چین، عراق و ایران (شامل ناحیه کردستان)، از
چوب ساخته می‌شدند. بسیاری از این محفظه‌ها
دارای پوششی از نقره‌اند، و به همین ترتیب تاج
یا جقه (کاکل) آنها نیز از نقره ساخته شده است.
جقه محفظه‌های ساخت عراق، حتی محفظه‌های
ساده‌ای که فقط دارای پوشش مخملی بوده و یا
اساساً دارای پوشش نبودند، از نقره ساخته می‌شد.
دلیل این کار آن است که با استفاده از فلز اشیاء
مزبور با مهارت نسبتاً بیشتری ساخته می‌شوند؛ از
طرفی وجود فلز برای ایجاد صدای مطلوب ضروری
است، زیرا زنگوله‌ها و سایر آویزه‌های تاج فقط در
برخورد با جسم فلزی ایجاد صدا می‌کنند. استفاده
از دو نوع ماده اولیه، یعنی چوب و فلز، همکاری
دو نوع از صنعتگران را لازم می‌داشت؛ ساختن
محفظه، و همچنین قسمت‌های از عمده تاج، به
عهده نجاران بود، و نقره‌کاران جقه یا کاکل تاج را،
که بر قسمت انتهایی آن سوار می‌شد، می‌ساختند.
بعدها، بسیاری از محفظه‌ها با ورقه‌ها یا پلاک‌های
نقره پوشیده یا تزئین شدند که در این مواقع
همکاری نزدیک‌تر صنعتگران مزبور ضروری
احساس می‌شد.

همه این نکات ما را مجدداً به تاج ساخت نواحی
مشرق ایران، که موضوع اصلی مورد بحث ما است،
برمی‌گرداند. در ابتدای امر این تاج‌های کوچک،
همانگونه که در مورد ساخت اغلب جقه‌ها در
کردستان ایران معمول بوده و هست، احتمالاً از
چوب ساخته می‌شدند. هر دو تکه، تاج و محفظه،
توسط نجارها ساخته می‌شدند. تقسیم تاج به دو
نیمه ظاهراً در این برهه از زمان صورت گرفته
است. بعدها، با ظریف‌تر و پیچیده‌تر شدن طرح و
افزودن زنگوله‌ها به آن، ساخت قسمت تاج محفظه
از عهده نجاران خارج گردید. در این مقطع انتقالی
حساس، کار از قلمرو یک حرفه به حرفه دیگر
منتقل شد. به نظر می‌رسد که نجاران، به علت
کوچک و ظریف بودن و پیچیده‌تر (فنی‌تر) شدن
کار ساخت، دیگر در این قسمت از کار مداخله‌ای
نداشتند و ساخت تمامی تاج به عهده صنعتگر
نقره‌کار واگذار شده بود.

از این مقطع زمان به بعد، عمل اتصال تاج به
محفظه مستلزم وجود هماهنگی بین دو صنعتگر
می‌بود. اگر چه تاریخ دقیق این تغییر و تحول هرگز
روشن نخواهد شد، با وجود این، کنتراریم ساخت
افغانستان ثابت می‌کند که تا قبل از سال ۱۸۳۹،
یعنی هنگامی که تعدادی از یهودیان مشهد به
هرات گریختند، دو تکه تاج از محفظه جدا شده



همگی گلدسته‌های تورات
به صورت شیئی مدور و کروی،
سوار شده بر روی یک بدنه
استوانه‌ای، ساخته می‌شدند. با
توجه به مشابهت جسم مزبور
با میوه‌ها، آن‌ها را **רימונים**
(ریمونیم) «انارها» یا **תפוחים**
(تپوحیم) «سیب‌ها» نیز
می‌نامیدند

به امروز بدون تغییر باقی مانده است. با وجود این در مورد نمونه یزد، سر غلتک‌های تورات دیگر از داخل محفظه بیرون زده نیست، و به جای آن‌ها در لبه محفظه دو میله مخصوص تعبیه شده است. در طرح کتاریم نیز تغییراتی به وقوع پیوسته است. در افغانستان، کتاریم هنوز شباهت خود را به بدنه گلابی شکل تاج‌های ابتدایی حفظ کرده است. این جامعه کوچک و دورافتاده جوهر ذاتی و یا عنصر اساسی تاج دو نیمه شده و همچنین شکل ظاهری آن و عبارت **כתר תורה** را کماکان حفظ کرده است. فقط در این اواخر بود که تحت تأثیر نهضت ملی یهود انواع جدیدی، همچون یک جفت کتاریم شش ضلعی (با الهام از ستاره داود) ساخته شد. تاریخ ساخت کتاریم مزبور سال ۱۹۲۸ است.

در مشرق ایران، تاج مسطح تغییرات متفاوتی داشته است. در آن جا که جامعه خود را پذیرای تحول و نفوذ هنری محلی نشان داده بود، تاج گلابی شکل مسطح اشکال متنوعی از قبیل کمائی یا هلالی، نوک‌دار و بته ترمه‌ای (جقه‌ای) به خود گرفت. چشمگیرترین این اشکال طلسم خمسه یا دست فاطمه است که در مقاله در یک نمونه مربوط به سال ۱۹۰۴ دیده می‌شود.

در خاتمه، به نظر می‌رسد توانسته باشیم معماری گلدسته‌های مسطح را حل کنیم. گلدسته‌های مسطح از لحاظ ترکیب قسمت میانی‌شان به عنوان نواده تاج ابتدایی کوچک و کشیده تورات به شمار می‌آیند. علیرغم تغییراتی که در جهت تکامل آن به عمل آمده است، این نوع تاج تورات تا به امروز به عنوان طرح ضروری و اساسی حفظ شده است. اعضاء جامعه یهودیان مستقر در نواحی شرقی ایران این نکته را تشخیص داده‌اند که گلدسته‌های دارای سطوح جانبی صاف (مسطح) با نمونه‌های کروی آن تفاوت اساسی دارند، و این تفاوت را با افزودن گلدسته‌های تاج و همچنین با منقوش کردن عبارت **כתר תורה** تداوم بخشیدند.

با توجه مجدد به آخرین جفت کتاریم در می‌یابیم که در اینجا، به علت تفاوت بنیادی موجود بین شکل آنها با شکل اسلافشان (کتاریم اولیه)، نامگذاری نمونه‌ها نه تنها وسیله تمیز آنها از یکدیگر، بلکه واجد اهمیت اساسی از لحاظ شناخت ماهیت انواع مختلف تاج‌های تورات به شمار می‌روند. در این مورد، صنعتگر مربوطه ممکن است احساس کند که بیش از حد جلو رفته است، لذا، به منظور جلوگیری از سوء تفاهم، مقصود خود را ضمن عبارتی، که در قسمت پائینی گلدسته تاج طرف راست حکاکی شده، بدین شرح بیان کرده است.

קראתי שמו זה עטרת / לא רימון ולא כותרת

گرچه در ترجمه دو مصراع بالا قافیه آن از بین می‌رود، اما مفهوم آن بدین قرار است: «من آن را تاج نام نهاده‌ام / نه گلدسته انار و نه کاکل».

و به صورت اشیایی جداگانه درآمده بودند. شکل ظاهری محتملاً به همان صورت قبلی باقی ماند، لکن به منظور حفظ استواری و توازن تاج بر روی محفظه، پایه باریکی تعبیه گردید و دو نیمه تاج در قسمت میانی محفظه و بر بالای غلتک‌ها استقرار یافتند.

وجود فاصله بین دستک‌های طومار (غلتک‌ها)، نصب دو نیمه تاج، به صورت کماکان روبروی یکدیگر ولی جدا از هم را الزامی می‌ساخت. جدا کردن دو نیمه از یکدیگر منجر به ضایع شدن شکل تاج گردید و طرح معنای خود را از دست داد. مرحله بعدی تحول در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تحقق یافت؛ این مصادف با زمانی بود که حجم نوشته‌های مربوط به اهدا کننده و یا سازنده بر روی تاج به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود. جزئیات مربوط به شخص (اهدا کننده) به عبارات و متون مذهبی منقوش اضافه گردید، که این خود قسمتی از سنت یا گرایش نوعی به شمار می‌رفت که معمولاً در آن روزگاران در زمینه ظواهر و نموده‌های تشریفاتی مذهبی بر جامعه‌های ساکن در ایران و عراق حاکم بود. مثال مناسبی از این تحول تاجی است که در سال ۱۹۱۵ در شهر زرقان ساخته شده و عبارات منقوش تمامی بخش مسطح هر دو نیمه تاج را پوشانده است. بخش مشخصات فردی نوشته‌های مزبور با کلمات عبری **זה כתר של ספר התורה** به معنای «این است تاج سفر تورات» شروع شده و ضمن آن شیء ساخته شده را به عنوان تاج تعریف و توصیف می‌کند.

نیاز به فضای بیشتر برای درج آیات و همچنین ذکر مشخصات فردی، ما را به مرحله دیگری از تغییر و تحول، یعنی مسطح (تخت) کردن بخش محدب خارجی تاج هدایت می‌کند. یک جفت کتاریم مربوط به قرن نوزدهم هرات، مثال برجسته‌ای از نتایج حاصله از این تحول به دست می‌دهد. در قسمت جلویی گلدسته سمت چپ عباراتی از تورات و قبلاً (تصوف یهود) به چشم می‌خورد، در حالی که بر روی گلدسته سمت راست، در صورتی که از پشت به آن نگریسته شود، نوشته‌های مذهبی و به دنبال آن اطلاعات مربوط به اهدا کننده دیده می‌شود. در بالای این طرف لوحه عبارت سنتی **כתר תורה** نقش بسته است.

تغییر دیگری نیز در محل قرار گرفتن تاج در بالای محفظه به وجود آمد. گلدسته‌های مسطح شده تاج (کتاریم)، که اکثراً به یک بدنه استوانه‌ای معمولی (شفت) متصل شده و (مجموعاً) بر بالای غلتک‌ها سوار شده‌اند، دیگر روبروی هم نبوده، بلکه با چرخش آن‌ها به سمت جلو، آن‌ها را روبروی قاری تورات قرار داده‌اند. به این ترتیب، گلدسته‌های متصل به تاج در واقع همانند یک جفت گلدسته معمولی به نظر می‌رسند. در قسمت‌های دور افتاده افغانستان، محل اصلی کتاریم در بالای غلتک‌ها تا



خیابانی با چند فرهنگ

صبا صراف

«اینجا جایی است که همه حساب‌هایمان به اسم «مادام» ثبت می‌شود.» ارمنی‌نشینان خیابان سی تیر در مرکز شهر تهران از خوش‌حساب‌ترین و بهترین مشتری‌های مغازه‌های این خیابان هستند، میوه‌فروش محل دفتر حساب و کتاب مشتری‌هایش پر از اسم «مادام»‌هایی است که از او نسخه خرید می‌کنند اما می‌گویند اطمینان زیادی به مشتری‌هایش دارد و تا به حال بابت بدحسابی با آنها مشکل پیدا نکرده است. «مشتری‌هایم هم ارمنی هستند، هم زرتشتی و گاهی هم کلیمی، آدم‌های بسیار محترم، درستکار و صادقی هستند.»

در میانه خیابان جمهوری تهران، زیر پل را چند قدمی به سمت چپ جلو بروید، بین میاهوها و شلوغی‌ها، ازدحام جمعیت، راننده‌های تاکسی که مسیر خط خود را فریاد می‌زنند و موتورسوارهایی که بدون توجه به حضور آدم‌ها از این سو به آن سو می‌روند، تابلوی بزرگ خیابان «سی تیر» پیاده‌های کنجکاو را به درون کوچه و پس‌کوچه آرام و کدآ سر و صدای آن می‌کشد. سی تیر، محله معروف به «محله ادیان» قدمتی به اندازه سابقه مشروطه ایران دارد و آرامش آن شاید حکایت اتحاد و با هم بودن آدم‌ها در روزهای پر شور و هیجان تاریخ ایران است.

این خیابان را شاید بتوان نقطه آغاز دموکراسی در تهران خواند. شاهد این مدعا، وقتی است که مشروطه شکل گرفت و اولین نماینده اقلیت یهودی از همین محله وارد مجلس مشروطه‌خواهان شد یا همان سی تیر ۱۳۳۲، زمانی که خانه قوام‌السلطنه نخست‌وزیر در محاصره مردم درآمد تا کابینه‌اش سقوط کرد. امروز همان خانه تبدیل به موزه آبگینه شده و تابلوی خیابان قوام‌السلطنه سابق جای خود را به خیابان «سی تیر»



به مناسبت قیام مردم در این روز، داده است.

مردمانی صادق و صمیمی

خیابان سی تیر، حالا تبدیل به خیابانی تجاری با چند موزه و سفارتخانه شده و بیشتر ساکنان ارمنی و زرتشتی آن از این محل از کشور مهاجرت کرده‌اند. البته هنوز خانه‌هایی مسکونی را می‌شود دید که کلیمی‌های قدیمی محل هنوز در آن سکونت دارند. آنها کنیسی خود را در این محل هنوز حفظ کرده‌اند و برای نماز به آنجا می‌روند. محلی‌های خیابان سی تیر، گرچه از نظر تعداد و مذهب در اقلیت هستند اما اکثریت مردم این محل را تحت تأثیر فرهنگ و رفتار خاص خود قرار داده‌اند. آنها خریده‌های خود را از مغازه‌های همان دور و بر انجام می‌دهند. همه افراد این محل از سوپرمارکت، رستوران و شیرینی‌فروشی‌های مشترک خرید می‌کنند.

شیرینی‌فروشی محل نوعی شیرینی نازک و کمره‌ای دارد که عموماً عصرها و برای مشتری‌های ارمنی خود می‌پزد. با این حال، معاملات ملکی محل می‌گوید که همه مراجعه‌کننده‌هایش از بین اکثریت مسلمان هستند و می‌افزاید که اقلیت زرتشتی و ارمنی کمتر برائت اجاره، رهن یا خرید به او مراجعه کرده‌اند. او توضیح می‌دهد: «آنها معاملات ملکی خود را معمولاً بین خود یا افراد معتمد خود انجام می‌دهند و با یکدیگر خرید و فروش می‌کنند.» اما دیگر مغازه‌داران این محل مشتری‌های زیادی از انواع مذهب، ارمنی، زرتشتی و کلیمی دارند. کسبه محل از مشتری‌هایشان بسیار راضی هستند و تا به حال مشکلی با آنها به‌خاطر تفاوت مذهب به‌وجود نیامده است. وجود یک کنیسه، دو کلیسا، یک آتشکده زرتشتی و چند مدرسه برای بچه‌های زرتشتی، کلیمی و ارمنی باعث شده تا همچنان خیلی از بیرون این مذاهب را به محل بکشاند. مدرسه و آتشکده زرتشتی «فیروز بهرام» روبه‌روی کلیسای ارامنه «حضرت مریم» در سمت چپ خیابان قرار دارد و کمی پائین‌تر، کلیسای «حضرت پطرس» است و در کوچه‌های پشتی هم «کنیسه» حبیب بهودیان و کنیسه دانیال (لهستانی‌ها) را می‌توان دید. این کنیسه حبیب به معنای زندگانی نام دارد. سی تیر، محله‌ای شکل گرفته از تمدن و فرهنگ ادیان مختلف است که در کنار هم زندگی می‌کنند و بچه‌هایشان در یک مدرسه درس می‌خوانند.

تفاوت مذهبی برای مردم این محل و بچه‌هایشان تنها یک تفاوت دینی و گاه هم شوخی و کرکری

بچه‌های مدرسه است بر سر روزهای تعطیلشان که به عیدها یا تعطیلات مذهبی مربوط می‌شود. «فرید» که زرتشتی است و تمام ۱۲ سال تحصیلی را در کوچه‌های همین محل به مدرسه زرتشتی‌ها رفته، می‌گوید: «در این سال‌های آخر به خاطر مهاجرت و رفتن از این محل، تعداد دانش‌آموزان زرتشتی

کمتر شده و همکلاسی‌های مسلمان هم داشته‌ایم. چندتایی هم همکلاسی کلیمی در مدرسه داشتیم، همه با هم خوب بودیم، هیچ‌وقت مشکل خاصی بین بچه‌ها پیش نیامد، فقط تعطیلات مذهبی هر کس که بود، همیشه می‌گفتیم خوش به حالت و سر به سرش می‌گذاشتیم که نوبت ما هم می‌شود. مدرسه در مورد نیامدن به خاطر عید یا تعطیلی‌های مذهبی چندان به بچه‌ها سخت نمی‌گرفت.»

فرید و دوستانش از دیگر اقلیت‌های مذهبی و مسلمانان، بیشتر در مدرسه یا بیرون از آن با هم هستند و گاهی هم به خانه یکدیگر می‌روند اما رفت و آمدهای خانوادگی ندارند. او می‌گوید: «فکرمی‌کنم بیشتر به خاطر این بود که پیش نیامد یا حرفش زده نمی‌شد ولی خانواده‌هایمان هیچ‌وقت نمی‌گفتند با

**سی تیر، محله‌ی معروف
به «محله ادیان» قدمتی
به اندازه سابقه مشروطه
ایران دارد و آرامش آن
شاید حکایت اتحاد
و با هم بودن آدم‌ها
در روزهای پر شور و
هیجان تاریخ ایران است**



کسی دوست نشو یا با خانواده‌اش رفت و آمد نکن.» اما «سپهر» که سه سال درسش تمام شده و سرباز است هم در همان مدرسه زرتشتی درس خوانده هم، همکلاسی‌هایی از دیگر اقلیت‌ها داشته است. او می‌گوید: «همکلاسی‌های یهودی‌ام مقیدتر بودند از نظر صحبت و دوستی مشکلی نداشتیم رفت و آمد داشتیم، ولی چیزی که احساس می‌کردم آن‌ها نسبت به فرایض دینی‌شان مقیدتر از بقیه بودند.»

افراط در بحث مذهبی ممنوع

شاید جوان‌ترهای محله سی تیر، گاهی در میان بحث‌ها و گفتگوهای مذهبی وارد شوند اما مسن‌ترها و آن‌هایی که سن و سالی ازشان گذشته و کمتر وارد بحث‌های مذهبی می‌شوند، اغلب آنان به جای ورود به بحث پیرامون چنین موضوعاتی ترجیح می‌دهند به مذهب اقلیت‌های دیگر احترام بگذارند و اگر یکدیگر را در خیابان و محل ببینند، همان صحبت‌های دوستانه و احوالپرسی‌های روزمره، بینشان مطرح می‌شود. «آنا» که همسایه‌ها او را مادام صدا می‌زنند، صاحب یک جوراب‌فروشی است. او با لهجه ارمنی‌اش می‌گوید که دوست ندارد کسی به مذهب یا پیامبران مذهبی کم‌احترامی کند.

آنا درباره‌ی یکی از مشتری‌اش می‌گوید: «اگر کسی وارد مغازه‌ام شود و حتی درباره مذهب خودش بدگویی کند، در مغازه را باز می‌کنم و به او می‌گویم خواهش می‌کنم از مغازه من بیرون بروید من اجازه نمی‌دهم در مکاتی که مربوط به من هست و در آن حق دارم به هیچ مذهبی حتی اگر مذهب من هم نباشد کم‌احترامی شود.»

آنا به گفته خودش با مسلمانان و زرتشتی‌های این محل که همسایه یا از مشتری‌هایش هستند، تا به حال به مشکلی برخورد نکرده است. او می‌گوید: «البته رقت و آمد زیادی هم با اقلیت‌های مذهبی یا مسلمانان نداشته‌ام اما زرتشتی‌هایی هم که گاهی مشتری‌ام بوده‌اند یا با آنها برخورد داشته‌ام، افراد بسیار خوب و مهربانی بوده‌اند.»

اقلیت‌هایی بیش از اکثریت

محله سی تیر تنها یک محله معمولی از آدم‌ها، مغازه‌ها و کوچه‌ها نیست، بلکه شاید از همان ابتدا محله‌ای جذاب و دیدنی هم برای اهالی تهران و هم برای توریست‌هایی باشد که برای دیدن موزه‌ها، سفارتخانه‌ها یا دیدن کافه‌ها و رستوران‌های قدیمی، راهشان به خیابان سی تیر رسیده است. اما اینجا مهم‌تر از همه دیدنی‌ها، مردمانی هستند که از سادگی ظاهر و رفتارهای مودب و صادقانه‌شان به راحتی می‌توان تشخیص داد که تنها به این محله تعلق دارند، مردمانی که با مذاهب و عقاید مختلف و مجموعه‌ای از مراکز مذهبی متعلق به خود که همه در یک آدرس مشترک و یک خیابان جمع شده‌اند، خیابان سی تیر.



مولنا اسپیلر
مترجم: الهام مؤدب

غذاهای یهودی و تاریخ آن



آنسان غذاهایی با گوشت خوک و ماهی‌های بدون فلس که برای یهودیان حرام است، می‌خوردند. انزوا و فاصله گرفتن از آنان تنها پاسخ یهودیان بود. در روسیه یهودیان مجاز بودند در بخشی از سرزمین‌هایی که از دریای بالتیک تا دریای سیاه گسترده بود، اقامت کنند. یهودیان اشکنازی اغلب زندگی راحتی در روستاها نداشتند و نمی‌دانستند که دوباره مجبور به فرار می‌شوند. یهودیان ساکن آلمان و اتریش در سال‌های روشنفکری قرن ۱۹-۱۸،

قرن‌ها در آن‌جا ساکن بودند، در اروپا پراکنده شدند. شمار یهودیان اشکنازی فرانسه، ایتالیا و آلمان در ابتدا زیاد بود. در دوران جنگ‌های صلیبی که در اوایل قرن ۱۱ شروع شد، آنان مورد آزار قرار گرفتند.

بسیاری از یهودیان به شرق اروپا و دیگر نقاط اروپا به ویژه هلند فرار کردند. آنان به زبان ییدیش که ترکیبی از زبان آلمانی و عبری و به دست‌خط عبری نوشته می‌شد، صحبت می‌کردند. همسایگان غیریهودی

در قسمت اول این مقاله که در شماره پیشین به چاپ رسید، تاریخچه‌ی غذاهای یهودی و به‌خصوص غذاهای یهودیان سقارادی معرفی گردید. در این شماره در ادامه مقاله‌ی «غذاهای یهودی» تاریخچه غذاهای یهودیان اشکنازی جهت مطالعه علاقه‌مندان به چاپ می‌رسد.

یهودیان اشکنازی
یهودیانی که به دره‌ی راین فرار کردند و

به ویژه شمال آن زندگی می‌کنند و جوامع کوچک‌تر در سایر قسمت‌های آن کشور از جمله منچستر، لیورپول، گلاسکو و آیرن برگ پراکنده شده‌اند.

تأثیر غذاهای فرانسوی

غذاهای یهودیان فرانسه تأثیر بسزایی بر غذاهای فرانسوی داشته است. غذاهای فیگرس که به عنوان غذای فرانسوی از آن یاد می‌شود، غذای کشور باستانی مصر است که یهودیان مهاجر اشکنازی آن را به فرانسوی‌ها معرفی کردند.

غذای حبوبات و گوشت که با شعله آرام پخته و در شب‌ات (شنبه) خورده می‌شود، مورد علاقه فرانسویان است. چاشنی نظیر زیره سبز، زنجبیل، دارچین مورد استفاده فرانسویان بوده و این امر نشان می‌دهد که چاشنی را یهودیان به فرانسه معرفی کردند. نوعی شکلات مخصوص در فرانسه را یهودیان سفارادی که از اسپانیا رانده شدند، به فرانسه وارد کردند.

میراث یهودیان در ایتالیا

یهودیان ایتالیا (ایتالکم) زیاد، فعال و تأثیرگذار بودند. در پی جنگ جهانی دوم یهودیان آن‌جا مهاجرت کردند و اکنون تعداد آنان کم است. گفته می‌شود که رمی واقعی، رمی یهودی است. به همین دلیل یهودیان

غذاهای اشکنازی با گوشت غاز و مرغ همراه با پیاز تهیه می‌شود. گاهی عسل یا مخلوط عسل و سرکه که طعم ترش و شیرین (گس) داشت یا با سرکه می‌خوردند.

با ورود سیب‌زمینی به محل سکونت یهودیان اشکنازی، آنان به آن علاقمند شدند و در غذاهای خود از آن استفاده کردند.

یهودیان در انگلیس

تاریخ یهودیان انگلیس طولانی و پیچیده است. اولین بار آنان در سال ۱۰۶۶ به انگلیس وارد شدند. ادوارد اول در سال ۱۲۹۰، صد سال پس از قتل عام همه یهودیان در برج کلیفورد شهر یورک، یهودیان را از انگلیس بیرون کرد. در سال ۱۶۵۵ پس از مذاکرات بین مشه‌بن اسرائیل و الویر کومرل به یهودیان اجازه‌ی بازگشت به انگلیس و زندگی در آن‌جا داده شد. یهودیان از طریق هلند به انگلیس وارد شدند. با خود چاشنی‌ها و غذاهای مخصوص پرتقال که شامل ماهی سرخ شده با کره بود، آوردند. این غذاها اساس غذای سنتی ماهی و چیپس انگلیس شد. ماهی همراه با سیب‌زمینی سرخ‌کرده، غذای افراد گرسنه به ویژه یهودیان بود. اغلب زنان جوان یهودی که در مغازه‌های لندن کار می‌کردند، مشتری آن بودند. امروز اغلب یهودیان انگلیس در لندن

با جنبش‌های اصلاحی روبرو شدند که آنان را از قید و بندهای مذهب رها و وارد دنیای غیرمذهبی هنر، فلسفه، علوم و موسیقی کرد. یهودیان آلمان دانش زیادی کسب کردند و از نظر فرهنگی پیشرفت کردند. آنان آنچنان با فرهنگ آلمان آمیخته شدند که وقتی با واقعه جنگ جهانی دوم روبرو شدند، نمی‌توانستند علت آن را درک کنند، زیرا آنان اول و آخر خود را آلمانی می‌دانستند.

غذاهای اشکنازی متأثر از غذاهای آب و هوای سرد بود. میوه و سبزیجات مانند خیار و کلم شور و ترش می‌کردند و تا پایان زمستان انبار می‌کردند. از چاشنی نیز برای غذاهای شیرین زمستان استفاده می‌کردند.

ماهی پرورشی را به صورت دودی به عنوان گوشت مصرف می‌کردند، زیرا گوشت کاشر به حد کافی در اطراف یهودیان اشکنازی نبود. حبوبات که خوشمزه و مقوی بود زیاد مصرف می‌کردند. آنان حبوبات را یا با گوشت یا با شیر می‌پختند. برای روزهای شب‌ات (شنبه) و موعدها (اعیاد) حبوبات را به همراه گوشت با شعله آرام می‌پختند و پس از بازگشت از کنیسا، در کنار اعضای خانواده آن را می‌خوردند.

در غذاها از گیاهان تازه و معطر مانند پیازچه بهاری، شوید و جعفری استفاده می‌کردند.

اهمیت اصلی غذاهای یهودی اعم از اشکنازی، سفارادی، ارتدوکس، آن است که کاشر نشانه هویت، زندگی افراد و فرهنگ‌شان به شمار می‌رود



سال‌های زیادی در آن کشور ساکن بودند و بر نوع غذاهای ایتالیایی‌ها تأثیر گذاشتند. حتی امروز خوراک کنگر مخصوص گتو کلیمیان رم است. گتو واژه‌ی ایتالیایی است که محله‌ی مخصوص زندگی یهودیان را توصیف می‌کند. شهر کوچک Pitigiano (پی تی گیانو) در توسکانی، مرکز مهم سکونت یهودیان و مرکز فرهنگی آنان و مطالعات مذهبی بود. یهودیان تنورهای مصاپزی و قنات‌هایی را ساختند که هنوز پابرجاست.

در پی جنگ جهانی دوم، افراد محلی یهودیان را نجات دادند و از شهر خارج و در اطراف شهر، آنان را پنهان کردند. اکنون یهودی در آن جا ساکن نیست و اکثر آنان به دیگر کشورها مهاجرت کردند، اما یهودیان مهاجر برای اجرای مراسم ازدواج در آن کنیسا، به آن جا باز می‌گردند.

آمریکا و رستوران‌های جدید

در اوایل قرن بیستم، موج گسترده مهاجرت یهودیان به آمریکا افزایش یافت. افراد مهاجر بر نوع غذاهای آمریکایی تأثیر گذاشتند. مهم‌ترین تأثیر آن گشودن رستوران‌های جدید بود. در شهرهایی چون شیکاگو و نیویورک که یهودیان اروپای شرقی زندگی می‌کردند، رستوران‌هایی وجود داشت که افراد گرسنه که مکانی برای زندگی نداشتند برای تهیه غذا به آن جا مراجعه می‌کردند. این افراد سال‌ها بدون همسر و فرزندان مسافرت می‌کردند، تا بتوانند زندگی جدیدی را شکل دهند.

آنان در اتاق‌های کرایه‌ای زندگی می‌کردند. به سختی کار می‌کردند تا پول کافی پس‌انداز کنند و خانواده‌شان به آنان ملحق شوند. آنان به مکانی احتیاج داشتند که غذای کاشر و غذایی با طعم کشور خود را بخورند. در رستوران‌های جدید غذاهای کاشر و خوشمزه آمریکایی نظیر نان شیرینی حلقوی، سوپ، گوشت دودی و ادویه‌زده شانه گاو و انواع مختلف گوشت، ساندویچ‌های بزرگ، ترشی شوید، سالاد و سس‌های خوشمزه عرضه می‌شد.

دوران جدید

قرن بیستم، پایان بسیاری از جوامع یهودی بزرگ جهان از جمله جوامعی با قدمت ۲۵۰۰ سال و آغاز برخی جوامع یهودی بود. یهودیان اشکنازی در اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن بیستم از آلمان و اروپای مرکزی با حداقل دارایی مهاجرت کردند. اما



سنت‌های غذایی که مختص یهودیان است را حفظ کردند. سوپ مرغ با مصل، شیرینی ونیزی، نان حلقوی، ماکارونی خوشمزه و جگر خرد شده از جمله غذاهای آنان بود. پناهندگان غذاهای سرزمین قبلی را پیش و پس از جنگ جهانی دوم به انگلیس، آمریکای لاتین و آمریکا وارد کردند. جنگ جهانی دوم بخش عمده‌ای از فرهنگ یهودیان از جمله فرهنگ غذایی یهودیان اروپا را نابود کرد. کمونیسم در اروپای شرقی و روسیه نیز آن فرهنگ را از بین برد. اما یهودیان آن جوامع در خفا بر اعتقادات خود پای‌بند بودند که باعث ماندگاری سنت‌های یهودی شد. یهودیان از سال ۶۰۰ بعد از میلاد تاکنون در تمام دوران تاریخ خود رسوم و سنت‌های غذایی خود را حفظ کردند. در

**در پی جنگ جهانی دوم،
افراد محلی یهودیان را نجات
دادند و از شهر خارج و در
اطراف شهر، آنان را پنهان
کردند. اکنون یهودی در آن
جا ساکن نیست و اکثر آنان
به دیگر کشورها مهاجرت
کردند، اما یهودیان مهاجر
برای اجرای مراسم ازدواج
در آن کنیسا، به آن جا باز
می‌گردند**

بروکلین، اطراف نیویورک، کنیسا کوچینی، مخصوص یهودیان هندی قرار دارد. آنان غذاهای تند و ادویه‌دار را برای جشن‌ها و ضیافت‌ها عرضه می‌کنند. در حال حاضر در کوچین هند تعداد انگشت‌شماری یهودی باقی مانده است. در بی‌جین چین، کنیسا و جامعه یهودی شکل گرفت. این گروه شامل کارگران یهودی با خانواده‌هایشان از کشورهای مختلف است.

معمولاً یهودیان اشکنازی و سفارادی در یک کشور زندگی می‌کنند، از هم فاصله می‌گیرند و می‌کوشند فرهنگ‌های مجزای خود را حفظ کنند. اما در طی چند سال اخیر تغییرات زیادی به‌وجود آمده است. برای مثال یهودیان اشکنازی از اروپای شرقی و آلمان به آمریکای جنوبی مهاجرت کردند و در کنار یهودیان سفارادی مهاجر از اسپانیا قرار گرفتند. برعکس یهودیان سفارادی از آفریقای شمالی پس از جنگ جهانی دوم به فرانسه مهاجرت کردند و زندگی جدیدی را در کنار جوامع اشکنازی که هیتلر نابود کرده بود، شروع کردند.

یهودیان معاصر

امروزه در جشن‌ها و مراسم مذهبی، اعم از شب‌ات و حنوکا و پسح که نمایان‌گر چرخ زندگی یهودیان است و نیز در مراسم بر و بت‌میتسوا، عروسی و ازدواج غذاهای یهودی تهیه می‌شود.

برخی از یهودیان معاصر موعدها (اعیاد) را جشن می‌گیرند، اما الزاماً غذای کاشر نمی‌خورند و شوهر شب‌ات نیستند (کسانی که کاملاً قوانین شب‌ات را رعایت نمی‌کنند) یهودیان رفورمیست (اصلاح‌گرا) به ویژه در آمریکا متفاوت از یهودیان بسیار مقید به آداب مذهبی هستند.

در دنیای معاصر بسیاری از یهودیان به سنت‌های غذاهای گذشته بازگشته‌اند و تغییراتی در غذاهای خود داده‌اند، برای مثال یهودیان اشکنازی از روغن زیتون در غذا استفاده می‌کنند.

هنوز قوانین کثروت اساس زندگی یهودیان مقید است. یهودیان ارتدکس به شدت به قوانین کثروت پای‌بند هستند. اهمیت اصلی غذاهای یهودی اعم از اشکنازی، سفارادی، ارتدوکس، آن است که کاشر نشانه هویت، زندگی افراد و فرهنگ‌شان به شمار می‌رود. این فرهنگ غذایی افراد را به هم پیوند می‌دهد و روابط‌شان را صمیمی‌تر می‌کند.



ژان پایاب

می‌ساخت. در سال ۱۱۸۱ همه‌ی بدهی‌هایی را که مسیحی‌ها به یهودی‌ها داشتند باطل اعلام کرد و یک سال بعد همه‌ی اموال یهودی‌ها را مصادره آن‌ها را از پاریس تبعید کرد و تنها عده‌ای از آن‌ها در سال ۱۱۹۸ با پرداخت مالیات گزافی برگردانده شدند.

این روند ادامه و در سال ۱۲۱۵ شورای Lateran یهودی‌های استان‌های Languedoc, Normanday و Provence به استفاده از یک آرم مخصوص وادار کرد. این اقدامات ضدیهودی در استان‌های غربی در طول حکومت لوئیس نهم نیز اتفاق افتاد.

در سال ۱۲۴۰ یهودیان از بریتانیا تبعید شدند و کشمکش معروف Talmud در پاریس آغاز شد.

در سال ۱۲۸۵ فیلیپ چهارم بر اریکه‌ی سلطنت نشست و در سال ۱۳۰۵ همه‌ی یونانی‌ها را زندانی و هر چیزی که داشتند به‌جز لباس‌هایشان مصادره کرد. او همچنین صد هزار یهودی را از فرانسه تبعید کرد. ولی در سال ۱۳۱۵ در زمان لوئیس دهم جانشین فیلیپ به یهودی‌ها اجازه‌ی بازگشت داده شد و آن‌ها تا سال ۱۲۴۵ در Besancon در غرب فرانسه سکنی گزیدند و این در حالی بود که تا دهه‌ی ۱۳۰۰ تنها اجازه پیدا کردند که در

در طول قرن هشتم یهودی‌ها در تجارت و رشد بیشتری یافتند و به یهودی‌ها اجازه داده شد در دادگاه امپراطوری نماینده داشته باشند. همچنین آنها در رونق بخشیدن به فعالیت‌های کشاورزی شراکت پیدا کردند.

قرون وسطی

اولین جنگ صلیبی تأثیر مستقیمی بر روند زندگی یهودی‌های فرانسه نداشت با این وجود در Rouen، اوضاعی که توسط جنگ‌های صلیبی ایجاد می‌شد مطابق با آزار و شکنجه‌ی یهودی‌ها در سطح اروپا بود.

وی پس از جنگ صلیبی دوم، کشیش‌های فرانسوی با سخنرانی‌های ضدیهودی فشاربزرگی را بر یهودیان وارد ساختند. یهودی‌ها مجبور بودند سالیانه مالیات اضافی را قبل از عید پاک بپردازند و در ادامه این روند در سال ۱۱۷۱، ۳۱ یهودی در یک چوبه‌ی مرگ سوزانده شدند.

این شرایط در زمان حکومت پادشاه Philip Augustus شدت یافت. او معتقد بود که یهودی‌ها، مسیحی‌ها را کشته‌اند و بنابراین نسبت به آنها احساس تنفر می‌کرد.

او در زمان حکومتش یهودی‌ها را در قلمرو خود زندانی کرد و آنها را تنها در قبال پول آزاد

تاریخ واقعی مهاجرت یهودیان به فرانسه
یهودیانی که در فرانسه زندگی می‌کنند در طول تاریخ پرتلاطم خود از دوره‌ی رومن تاکنون سرنوشتشان به پادشاهان و رهبران مختلف گره خورده است. یهودیان به همه‌ی جنبه‌های فرهنگ فرانسوی از علوم اجتماعی، حساب‌های مالی، علوم پزشکی، تئاتر و ادبیات توجه داشتند. در حال حاضر فرانسه میزبان بزرگترین جامعه‌ی یهودیان است و پاریس بیشترین رستوران‌های حلال یهودی (کاشر) را حتی نسبت به شهر نیویورک دارد.

تاریخ دوره‌ی رومی‌ها - دوره‌ی قرون وسطی
در دوران رومی‌ها یهودیان در فرانسه حضور داشتند. اما جامعه‌ی آنان عمدتاً شامل افراد مجزا بودند نه یک جامعه. پس از آن که رومی‌ها بیت‌المقدس را اشغال کردند کشتی‌های حامل اسرای یهودی در شهرهای Bordeaux, Arles و Lyons لنگر انداختند. به لحاظ تاریخی مهاجرت یهودیان به فرانسه به اوایل قرن پنجم برمی‌گردد. در قرن ششم فعالیت یهودیان در پاریس رونق گرفت کنیسه‌هایی در شهرهای Ile و La cite ساخته شد، اما بعداً ویران شد و به جای آن یک کلیسا تأسیس شد.



Belfort اقامت کنند.

علی‌رغم همه‌ی تمییدها و دستگیری‌ها، یهودی‌ها موفق شدند در طول قرون وسطی به حیات فرهنگی خود ادامه دهند. آن‌ها در شهرهای Champagne و Ilde - France که مرکز تحصیلات یونانی‌ها بودند، درس‌های آیین تلمود و نظریات مربوط به تورات و آیین عبادی و نیایشی خود را تدریس می‌کردند.

یکی از معروف‌ترین دانشمندان قرون وسطی راشی Rashi بود که یشیوا Yeshiva را در فرانسه بنیان نهاد. تفسیر تورات او در حال حاضر یکی از متداول‌ترین و معروف‌ترین تفاسیر به حساب می‌آید.

قرون شانزدهم و هجدهم

شمار زیادی از یهودیان در اواسط دهه‌ی ۱۵۰۰ مخفیانه از پرتغال به فرانسه کوچ کردند. اکثریت آنها به یهودیت پای‌بند و وفادار نامانند و با تغییر مذهب به جامعه‌ی فرانسه پیوستند. از سال ۱۳۴۹ این برای اولین بار بود که یهودی‌ها اجازه پیدا کرده بودند که به طور قانونی در فرانسه زندگی کنند.

در قرن هجدهم یهودیان به‌راحتی در فرانسه اقامت گزیدند و طی آن دو گروه از یهودیان به پاریس آمدند: سفارادای‌ها و اشکنازی‌ها. سفارادی‌ها ثروتمندتر بودند، که در ساحل غربی مستقر شدند، در حالی که اشکنازی‌ها در ساحل شرقی مستقر شدند، این قرن تأثیر به‌سزایی در

روند زندگی آنها داشت و طی آن اولین مرکز کاشر در سال ۱۷۲۱ و اولین کنیسه‌ی یهودیان در سال ۱۷۸۸ تأسیس شد.

ولی قوانین ضدیهودی مجدداً در دهه‌ی ۱۷۸۰ (از قبیل مالیات شخصی) شکل گرفت. این دوران حدود ۵۰۰ یهودی در پاریس و ۴۰۰۰۰ یهودی در فرانسه زندگی می‌کردند.

انقلاب فرانسه

پس از انقلاب فرانسه سرانجام به یهودیان مقیم فرانسه حق شهروندی داده شد. در سپتامبر ۱۷۹۰ سفارادی‌ها حق شهروندی دریافت کردند و حدود شش ماه بعد اشکنازی‌ها هم از این حق برخوردار گشتند. در طول سال‌های ۹۴-۱۷۹۳ کنیسه‌های یهودی و سازمان‌های عمومی به همراه مؤسسات مذهبی بسته شدند. ناپلئون تصمیم گرفت که یک سازمان یهودی ایجاد کند که تحت تسلط دولت باشد. بنابراین در سال ۱۸۰۶ دستور داد که مجمع سنه‌درین متشکل از ۴۵ خاخام و ۲۶ خادم تشکیل شود. مجمع سنه‌درین راه را برای تشکیل یک سیستم یکپارچه هموار کرد. در هر جایی از فرانسه که یهودیان دارای جمعیت بیش‌تر از ۲۰۰۰ نفر بودند، این طرح اجرا شد. این سیستم یکپارچه یهودیت را به‌عنوان یک مذهب به رسمیت شناخت و آن را تحت کنترل دولت درآورد. در طول قرن نوزدهم یهودیان در بسیاری از بخش‌های هنری، اجتماعی، علمی و اقتصادی فعالیت خود را ادامه دادند. راشل و سارا برنهارت دو زن یهودی هستند که به‌عنوان بازیگر کم‌دی به فعالیت پرداختند، تا جایی که ویکتور هوگو سارای الهی را به او لقب داد.

یهودی‌ها در سیاست نیز شرکت یافتند و برای مثال اشیل فولد و اسحاق کرمیوکس یهودیانی بودند که در مجلس شورا انتخاب شدند. در زمینه‌ی ادبیات و فلسفه نیز یهودیانی چون: امیل دورخیم، مارسل پروست، و سالمون مونک، در این دوران درخشیدند.

در درگیری‌های سال ۱۸۷۰ اداره یهودیان در شهرهای Alsace و Lorraine از کنترل فرانسه خارج شد و تحت کنترل آلمان قرار گرفت و در همین سال‌ها رفتارهای ضد یهودی شدت بیشتری گرفت و روزنامه‌های ضدیهودی متعددی به چاپ رسید که بیشترین فروش را داشت.

اوایل قرن بیستم

در اوایل قرن بیستم هنرمندان یهودی از جمله کیسلینگ، پیسارو، مودیلیانی، سوتین و شاگال شهرت چشم‌گیری یافتند و بیش از ۲۵۰۰۰ یهودی به فرانسه مهاجرت کردند. اگر چه برای بسیاری از این مهاجران، فرانسه را به‌عنوان یک مکان عبور، نه یک مقصد نهایی به حساب می‌آوردند. شروع جنگ جهانی اول باعث توقف

مهاجرت یهودیان به فرانسه شد و به مبارزات ضدیهودی پایان داد.

در طول سال‌های جنگ مهاجرت یهودیان از آفریقای شمالی، ترکیه و یونان مجدداً افزایش یافت. و همچنین مهاجران زیادی از اروپای شرقی و اوکراین و لهستان به فرانسه سرازیر شدند. این روند تا بعد از این که مهاجرت به آمریکا آزاد شد ادامه پیدا کرد.

جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه توسط آلمان روزگار ناخوشایندی را برای یهودیان این کشور رقم زد، به‌گونه‌ای که آتش شکل‌گیری احساسات ضد یهودی و رفتارهای آلمان نازی دامن نزدیک به ۲۵ درصد یهودیان این کشور را گرفت و آنها را به کام مرگ گرفتار کرد.

دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، فرانسه برای پناهندگان یهودی بستر مناسبی را فراهم ساخت. در ۱۹۴۵، ۱۸۰۰۰۰ یهودی در فرانسه زندگی می‌کردند و تا ۱۹۵۱ این جمعیت به ۲۵۰۰۰۰ نفر رسید. موج مهاجرت یهودیان آفریقای شمالی به فرانسه در دهه‌ی ۱۹۵۰ به‌دلیل سرنگونی امپراطوری فرانسه و پس از آن مهاجرت ۱۶۰۰۰ یهودی مراکش و تونس پس از جنگ شش روزه جمعیت چشم‌گیری را به یهودیان این کشور افزود.

امروزه بیش از ۶۰۰۰۰۰ یهودی در فرانسه زندگی می‌کنند که ۳۷۵۰۰۰ نفر از آنان در nice , Toulouse , و Strasbourg وجود دارد.

سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری متعددی از سال ۱۹۴۴ در فرانسه شکل گرفت و هم‌اکنون بیش از ۲۷ سازمان به‌منظور اداره امور فرهنگی، مذهبی و اجتماعی یهودیان فرانسه فعالیت می‌کنند.

بیش از ۴۰ نشریه یهودی به‌صورت هفتگی و ماهیانه منتشر می‌شود. همچنین سازمان‌های جوانان یهودی نیز فعالیت چشم‌گیری دارند. اغلب یهودیان فرانسوی کودکان خود را به مدارس عمومی می‌فرستند. اگر چه افزایش‌های زیادی در حضور در مدارس عبری وجود دارد امروزه نزدیک به ۲۵ درصد از کودکان به صورت تمام‌وقت در مدارس یهودی حضور پیدا می‌کنند. تنها در پاریس ۲۰ مدرسه یهودی در سیستم مدارس روزانه وجود دارد.

در شماره قبل چهار خبر یهودیان جهان را سایت دگرش سوم در اختیار نشریه قرار گرفته بود و ما تنها به ذکر نام جناب آقای مهندس سلمان نجفی بسنده کرده بودیم که در اینجا از ایشان عذر خواهی می‌کنیم.

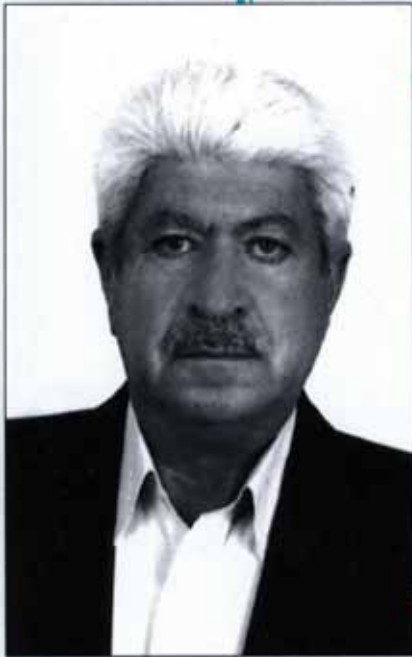
ידדיעות

اخبار



رئیس انجمن کلیمیان کرمانشاه:

ما همگی چه اقلیت و چه اکثریت ملت واحد هستیم



جامعه‌ی کلیمیان کرمانشاه که تعداد اعضای آن به علت مهاجرت بسیاری از افراد آن از ۱۵۰۰ به ۲۵۰ نفر کاهش پیدا کرده و به رغم مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ولی همچنان در کنار دیگر هموطنان مسلمان و غیرمسلمان خود به حیاتش ادامه می‌دهد. این جامعه خود را بخشی از جامعه بزرگ ایران می‌داند و در همه‌ی شرایط دوشادوش ملت ایران قرار داشته و دارد. به جهت آشنایی با اوضاع و احوال مردم این منطقه مصاحبه‌ای را با جناب آقای فریدون قهرمانی کوره صورت دادیم. ایشان سابقه‌ی بیش از ۳۵ سال فعالیت اجتماعی و ۳۱ سال ریاست انجمن کلیمیان کرمانشاه را در کارنامه‌ی خود دارند. در این مصاحبه با ایشان درباره‌ی جمعیت یهودیان، وضع کنونی آنان، مشکلاتشان و همچنین دستاوردهای جامعه و انجمن کلیمیان شهر پرسیدیم.

سردبیر

حضرت امام (ره) پیگیری حقوقی شد و حکم اجرایی آن نیز صادر شده است. همان زمان به امام جمعه‌ی محترم وقت آقای آیت‌الله زرنندی مراجعه کردیم و ایشان نامه‌ای به آن ستاد فرستادند و بر حق کلیمیان تاکید نمودند. ما جریان را به اطلاع انجمن کلیمیان تهران رساندیم و جناب آقای مهندس معتمد نماینده وقت کلیمیان در مجلس شورای اسلامی برای حل موضوع به کرمانشاه آمدند و به اتفاق به ستاد جهت حل موضوع و استرداد کنیسا و مجموعه مذهبی و فرهنگی ارزشمند جامعه جهت مذاکره مراجعه کردیم که متأسفانه نتیجه‌ی خاصی حاصل نگردید.

این موضوع حل نشده باقی ماند تا این که اخیراً آقای دکتر مره‌صدق نماینده‌ی کنونی ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی وارد مذاکره شد و به مراجع ذی‌صلاح و ارگان‌های عالی‌مقام مراجعه نمودیم. این تلاش‌ها نیز با وجود تذکر مقامات ذی‌صلاح به ستاد فوق، نتیجه‌ای نداشت تا این که ناچار شدیم مسئله را از طریق دادگستری کرمانشاه پیگیری کنیم. با مراجعت به آقای شهروان، رئیس محترم دادگاه‌های عمومی و انقلاب دستور رسیدگی صادر فرمودند و ما نیز آقای سیدضیالدین ضیا بری، وکیل پایه‌ی یک دادگستری را به سمت و کالت

پس از انتخاب به عنوان ریاست انجمن، چه فعالیت‌هایی را آغاز کردید؟

در آن زمان و پس از انتخاب بنده، به اتفاق آقای باباجانیان، کار دیوار کشی و ساخت ساختمان غسالخانه و سرایداری، چاه آب و استخر سرپوشیده در بالای زمین و لوله‌کشی از چاه به استخر که ۴۵۰ متر طول داشت، را به انجام رساندیم. این کار دو سال تمام وقت ما را گرفت و با آغاز جنگ تحمیلی و کمبود مصالح ساختمان نیز کار ما با مشکل و وقفه مواجه شد. متأسفانه در اثر بمباران‌ها و موشک‌اندازی‌های رژیم بعث و صدام ملعون، غسالخانه آسیب کلی دید و شکاف برداشت. خطر فرو ریختن این ساختمان می‌رفت و بودجه‌ای هم نداشتیم که بخواهیم آن را تعمیر کنیم. به همین سبب به انجمن کلیمیان تهران متوسل شدیم و ریاست وقت آقای یسعیا به همراه خزانهدار محترم و سایر اعضای انجمن پس از بررسی‌های لازم، بودجه‌ی مورد نیاز را جهت تخریب ساختمان قدیمی و احداث ساختمان جدید را با سالن اجتماعات تصویب نمودند.

پس از آن و در سال ۸۶ متوجه شدیم که کنیسه و مجموعه‌ی فرهنگی و مذهبی اتحاد، متعلق به جامعه‌ی کلیمیان کرمانشاه توسط ستاد اجرایی فرمان

آقای قهرمانی از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم به عنوان اولین سؤال بفرمایید از چه تاریخی مسئولیت انجمن کلیمیان کرمانشاه را به عهده گرفتید؟

در سال ۱۳۵۵ قبرستان کلیمیان کرمانشاه مورد تعدی انجمن وقت و دیگران قرار گرفت به طوری که مردم در آن منطقه دیگر محلی برای دفن اموات خود نداشتند. در جلسه‌ی بزرگان جامعه که در همان زمان برگزار شد، جهت رفع مشکلات از من دعوت کردند به عضویت هیئت مدیره‌ی انجمن درآیم. رئیس انجمن وقت به اتفاق چند نفر از اعضا و نزدیکان خود قصد داشتند زمین قبرستان را بفروشند و مبلغ آن را به کار خرید قبرستان جدید آن هم در محلی دورافتاده اختصاص دهند. ولی من به عنوان بازرس و به همراه چند نفر از اعضای هیئت مدیره مانع از این کار شدیم و توانستیم حدود سی هزار متر زمین را در موقعیت خوبی در جاده‌ی سنندج در سال ۱۳۵۷ که انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید، خریداری کنیم. در همان سال رئیس و بعضی اعضای انجمن به خارج از کشور مهاجرت کردند و پس از آن بنده با اکثریت آراء به عنوان رئیس انجمن کلیمیان کرمانشاه انتخاب شدم.

منتصب کردیم. پرونده در دادگاه اصل ۴۹ مورد واخواهی واقع شد ولی در این دادگاه نیز نتیجه‌ای نگرفتیم. بالاخره که در جشن ۲۲ بهمن ۸۹ به همراه دکتر مره‌صدقی، جناب حاکم گلستانی‌نژاد و آقای میکائیل نامه‌ای را تقدیم امام جمعه‌ی محبوب شهر حضرت آیت‌الله علما نمودیم که ایشان خوشبختانه با اطلاعی که از کنیسا و مجموعه‌ی فرهنگی و مذهبی کلیمیان اتحاد داشتند، طی نامه‌ای فتوای خود را اعلام نمودند، که موثر واقع گردید. خوشبختانه این عمل نشان داد که همانند همیشه علمای اسلام، حقوق کلیمیان را مد نظر قرار داده و حقوق آنان را محفوظ داشته‌اند.

پس از تقاضای تجدیدنظر، پرونده به تهران ارسال گردید و ریاست محترم شعبه‌ی ۲۱ دادگاه تجدید نظر حاج آقا تولیت و مشاور محترمشان جناب حاج ابراهیم پایدار پویا با توجه به مدارک تقدیمی و بررسی پرونده، حقایق انجمن کلیمیان کرمانشاه را تأیید فرمودند و ضمن نقض حکم دادگاه اصل ۴۹، پرونده را به دادگاه بدوی عودت داده و جناب آقای قلخانی ریاست محترم دادگاه اصل ۴۹، حکم به استرداد املاک کلیمیان دادند که این حکم مورد اعتراض ستاد اجرایی قرار گرفت. ولی در دادگاه تجدیدنظر تهران اعتراض آن‌ها وارد دانسته نشد و املاک فوق به جامعه‌ی کلیمیان بازگردانده شد.

بنده وظیفه‌ی خود می‌دانم که از عدالت‌محوری که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تأکید می‌فرمایند و از نظام مقدس جمهوری اسلامی، جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری و نیز قوه‌ی قضاییه، تشکر و قدردانی کنم. مخصوصاً از جناب حاج آقا تولیت ریاست محترم شعبه‌ی ۲۱ دادگاه تجدید نظر تهران و جناب آقای ابراهیم پایدار پویا مشاور محترمشان تشکر و سپاس‌گزاری نمایم.

حکم دادگاه تجدیدنظر در چه زمانی ابلاغ شد و مجموعه‌ی مذهبی و فرهنگی به جامعه‌ی کلیمیان بازگردانده شد؟

حکم نقض مصاحبه که در دادگاه اصل ۴۹ کرمانشاه صادر شده بود، توسط شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر تهران قبل از شبات گادول (شنبه‌ی پیش از آغاز عید پسخ) ابلاغ گردید و کلیمیان کرمانشاه طبق رسوم تاریخی در کنیسای اتحاد گرد هم آمدند و در مقابل تورات مقدس برای سلامتی رهبر معظم انقلاب اسلامی و کلیه مدیران و مسئولین نظام و برای پایداری و افتخار و ترقی ملت و کشور عزیزمان توسط جناب حاکم قدوسی در مقابل تورات مقدس دعای مخصوص قرائت گردید.

ما همگی، چه اقلیت و چه اکثریت یک ملت واحد هستیم و جدایی بین ما وجود ندارد. ما برای وحدت خود، کیان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی پشت سر رهبر معظم انقلاب با قدرت ایستاده‌ایم. در پایان از جناب دکتر مره‌صدقی نماینده‌ی ایرانیان

کلیمی در مجلس شورای اسلامی که پایه پای اینجانب در کلیه‌ی مراجعات حضور داشتند، سپاسگزاری نمایم. همچنین از جناب آقای دکتر رفیع ریاست محترم انجمن کلیمیان و هیئت مدیره آن انجمن که همکاری لازم را نموده و کمک‌های مالی مورد نیاز را تأمین کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

علاوه بر آن تشکر ویژه‌ای دارم از جناب حاکم ماشالله گلستانی‌نژاد و جناب حاکم قدوسی که با فتوای شرعی خود مطابق شریعت راستین حضرت موسی کلیم‌الله ما را یاری فرمودند.

در تاریخ داریم که در جلسه‌ای با حضور حکمای مملکت و در حضور انوشیروان، این سؤال مطرح می‌شود که بزرگ‌ترین بدبختی برای انسان کدام است. حکیمی‌یونانی می‌گوید پیری که با فقر و استیصال همراه شده باشد. دانشمندی هندی در پاسخ می‌گوید: امراض جسم که با آلام روحی افزوده گردیده باشد و بزرگ‌مهر، دانشمند ایرانی نیز در مقابل می‌فرماید: مصائب و بدبختی آدمی آن است که ببیند عمرش قریب به اتمام است و کار نیکی نکرده باشد و من خوشحالم که توانسته‌ام آن چه را در توان داشتم برای خدمت به جامعه کوچک یهودیان کرمانشاه به کار گیرم.

آقای قهرمانی حدود چند نفر اکنون در کرمانشاه زندگی می‌کنند، قبلاً چه قدر جمعیت داشته است؟

جمعیت یهودیان کرمانشاه و کامیاران اکنون حدود دویست و پنجاه نفر است که حدود سی سال پیش این عدد حدود ۱۵۰۰ نفر بود و به علت مهاجرت این تعداد به سایر شهرها، جمعیت فوق تا این حد کاهش یافت.

آیا این جمعیت کوچک هنوز فعالیت‌های مذهبی را به انجام می‌رساند؟

بله تمامی مراسم‌های مذهبی در کرمانشاه برگزار می‌شود. به علاوه کنیسای شهر، شبات‌ها، دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها فعال است. کلاس‌های عبری و دینی دو روز

یکی از امکانات اساسی این شهر سالن اجتماعات واقع در کنیسا است که به برگزاری مراسم‌های ملی و مذهبی و جشن‌ها اختصاص دارد. همچنین بهشتیه‌ی کلیمیان کرمانشاه در سال‌های اولیه بازسازی شده و هم‌اکنون به عنوان تنها گورستان کلیمیان در غرب کشور فعالیت می‌کند

در هفته در کنیسای اتحاد برگزار می‌شود. همچنین قصابی کاشر هر ۲۰ روز یک بار گوشت کاشر را در اختیار خانواده‌های کرمانشاهی یهودی قرار می‌دهد.

ارتباط شما با سایر شهرستان‌های استان چگونه است؟

از آن جا که یهودیان کامیاران، همدان، سنندج و بروجرد نیز تحت پوشش و حمایت انجمن کلیمیان کرمانشاه هستند، من تمام تلاش خود را برای فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت رفاه حال آنان به کار گرفته‌ام. علاوه بر آن، همواره تلاش کرده‌ایم تا گوشت کاشر و کتب درسی لازم و همچنین دیگر نیازهای اساسی آنان را تأمین کنیم.

کرمانشاه چه امکاناتی را برای یهودیان آن شهر دارد؟

یکی از امکانات اساسی این شهر سالن اجتماعات واقع در کنیسا است که به برگزاری مراسم‌های ملی و مذهبی و جشن‌ها اختصاص دارد. همچنین بهشتیه‌ی کلیمیان کرمانشاه در سال‌های اولیه بازسازی شده و هم‌اکنون به عنوان تنها گورستان کلیمیان در غرب کشور فعالیت می‌کند.

علاوه بر آن، در این گورستان چندین شهید یهودی که در جبهه‌های جنگ جان خود را فدای راه وطن کرده‌اند، مدفون شده‌اند و به همین جهت این امکان را می‌توان به عنوان گوشه‌ای از تاریخ رشادت‌های ایرانیان یهودی در راه سعادت و سربلندی کشور عزیزمان دانست.

جناب قهرمانی، سایر همکیشان یهودی ما در کرمانشاه تا چه حد با انجمن آن شهر و شخصی شما همکاری داشته‌اند؟

خدا را شکر تاکنون هم‌دلی و یک‌رنگی مثال زدن در بین جامعه‌ی کوچک خودمان شاهد بودیم. به دلیل همین وحدت و همبستگی بوده که توانسته‌ایم با وجود کمبودهایی که در مقایسه با دیگر شهرها داشته‌ایم، سعی کرده‌ایم جامعه‌ی خود را حفظ کنیم.

شما چه کمبودهایی را در شهر خودتان احساس می‌کنید؟

ما یک جامعه‌ی کوچک هستیم. انجمن ما فاقد درآمد است و تمامی فعالیت‌ها به کمک انجمن کلیمیان تهران انجام می‌گیرد.

برخی از کارها هنوز نیمه تمام مانده‌اند. از جمله نوسازی کنیسا و ساختن کلاس‌های ویژه‌ی کودکان و نوجوانان برای آموزش دروس دینی و مذهبی و نیز حمایت از فعالیت‌های جوانان یهودی شهرمان که از جمله‌ی این فعالیت‌ها است، که باید انجام پذیرد، که امیدواریم با حمایت‌های مالی و فکری انجمن کلیمیان تهران همچون گذشته بتوانیم این نیازها را برآورده ساخته و جامعه‌ی تاریخی و کوچک یهودیان کرمانشاه را حفظ نمایم.

بزرگداشت مرحوم گاد نعیم

جدید نیمه‌کاری سرای سالمندان یهودی که در پشت کنیسا قرار دارد و نیز کلنگ‌زنی سوئیت‌های مورد نظر برای زوجین من و مجردین منی که علیرغم توانایی مالی از تنهایی یا عدم مراقبت و امنیت رنج می‌برند اشاره کرد، کلنگ این سوئیت‌ها توسط دکتر رفیع و آقای کهن به زمین زده شد.

رئیس هیات امنای سرای سالمندان خبر داد:
۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی سرای جدید

سالمندان

منوچهر سراقراز رئیس هیات امنای سرای سالمندان یهودی در حاشیه این مراسم در گفت‌وگویی اختصاصی با خبرنگار افق بینا در خصوص ساختمان جدید کنیسا و ساخت ۳۰ دستگاه سوئیت گفت:

ساختمان سرای سالمندان با پیشنهاد من و موافقت انجمن کلیمیان تهران که فرسوده شده بود در حال نوسازی است که هم اکنون با ۹۰ درصد پیشرفت ساخت و ساز در حال انجام است و ۱۰ درصد باقیمانده کار نیز به دلیل نامساعد بودن شرایط جوی انجام نشده است و به زودی اجرای این پروژه به پایان خواهد رسید.

وی در خصوص احداث ۳۰ دستگاه سوئیت که کلنگ آن‌ها به زمین زده شد گفت: افراد مجرد و متأهل من که اکثراً صاحب ثروت و فاقد هرگونه خویش و قوم و بستگان می‌باشند به لحاظ فقدان امنیت مورد تهدید واقع می‌شوند و یا بر اثر تنهایی و بیماری توان مراقبت از خویش را ندارند، لذا بر آن شدیم برای برقراری امنیت این عزیزان چاره‌اندیشی نماییم و در جلسه‌ای با حضور هیئت مدیره انجمن کلیمیان این موضوع مطرح و منجر به تصویب احداث ۳۰ دستگاه سوئیت برای این عزیزان شد. وی خاطرنشان ساخت: این سوئیت‌ها به صورت انفرادی در متراژهای ۲۴ تا ۳۰ متر مربعی احداث خواهد شد، مراجعینی که درخواست ساکن شدن در سوئیت‌ها را دارند باید مبلغی شهریه بپردازند، افراد خیری هم که دوست دارند نامشان به یادگار بماند می‌توانند با پرداخت هزینه ساخت یک سوئیت و برای تشکر از آن‌ها با قرار دادن نامشان بر سر در سوئیت این کار را انجام دهند.



با برگزاری مراسمی در سالن اجتماعات سرای سالمندان یهودی، اولین سال درگذشت مرحوم گاد نعیم گرامی داشته شد.

در این مراسم که با حضور اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، هیئت امنای سرای سالمندان یهودی، جمعی از مسئولین سازمان بهزیستی کشور و دیگر فعالان اجتماعی جامعه‌ی یهودی برگزار شد منوچهر سراقراز رئیس هیئت امنای سرای سالمندان یهودی در سخنانی به تاریخچه‌ی شکل‌گیری سرای سالمندان اشاره کرد و گفت: علیرغم اینکه راه اندازی سرای سالمندان با مشکلات و سختی‌هایی همراه بوده است لیکن امروز به مجموعه‌ای علمی و مجهز طبق استانداردهای سازمان بهزیستی تبدیل شده است. وی از تبدیل سرای سالمندان یهودی به سیستمی کامل خبر داد و این موفقیت‌ها را نتیجه تلاش‌های خالصانه مرحوم نعیم دانست.

سراقراز در ادامه با اشاره به فعالیت‌های شبانه‌روزی پرسنل افزود: این مجموعه علاوه بر دارا بودن پرسنل خدم و زحمتکش، از وجود مدیرانی کارآمد و زبده نیز بهره‌مند است که این دو مولفه ما را به نقطه مطلوبی از عملکرد می‌رساند. در ادامه مراسم دکتر دوات‌گران، دکتر بیضایی، مهندس باقری، دکتر رحمتا... رفیع، دکتر منوچهر الیاسی، خانم‌ها رفیع، توکلی، داورپناه و پوراتیان هر یک در سخنانی با بیان خصلت‌های نیکو و فضائل مرحوم نعیم و خاطراتی از ایشان پرداختند و با سرودن اشعاری، یاد آن مرحوم را گرامی داشتند.

همچنین در این مراسم، دکتر سیامک مره‌صدق نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی، فقدان مرحوم گاد نعیم را ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای جامعه کلیمیان ایران دانست. در حاشیه این مراسم، از لوح مرحوم گاد نعیم در بوستان نعیم به پاس زحمات ارزشمندش پرده‌برداری شد.

در این لوح آمده است: «به نام خدا، به پاس خدمات ارزنده و زحمات فوق‌العاده مرحوم گاد نعیم جهت رفاه سالمندان، این قسمت به نام بوستان نعیم نامگذاری می‌شود. روانش شاد و یادش گرامی باد.»

از دیگر برنامه‌هایی که در حاشیه برگزاری این مراسم انجام شد می‌توان به بازدید از ساختمان

شیراز میزبان ادیان توحیدی ایران



هزار ساله حضور یهودیان در ایران پرداخت و افزود: این نشان دهنده الگویی از زندگی مسالمت آمیز، همزیستی درست و نیکی است که تا به امروز باقی مانده است و این همزیستی مسالمت آمیز را می توان با ورق زدن تاریخ معاصر ایران به خصوص در سه دهه گذشته و حوادثی که کشورمان درگیر با آنها بوده به خوبی مشاهده کرد. وی تأکید کرد: در تاریخ جنگ تحمیلی وقتی که نام شهید زرتشتی مهندس کی خسرو خادم و شهید یهودی سندنجدی مهندس شهرام زرینی و نام جانباز یهودی ایرانی دکتر قهرمانی را می بینیم تعلق خاطر ملی و میهنی این گروه از شهروندان ایران را به درستی می توان درک کرد.

در پایان افرامیان به نمایندگی از جوامع اقلیت مذهبی حاضر در ایران ضمن تشکر از مسئولان پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برگزاری این نمایشگاه را در آغازین روز از دهه فجر را نشاندهنده وحدت، همدلی و همبستگی مردم ایران دانست.

همچنین وی از مهندس بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور نیز به دلیل توجهی که به مرمت، بازسازی و نگهداری زیارتگاهها، آتشکدهها، کنیسهها و کلیساهای این اقلیت های مذهبی دارد تشکر و قدردانی کرد.

برساست که ما در آن به همه ادیان احترام می گذاریم و می گوئیم کسی نمی تواند ادعای مسلمانی داشته باشد و به دیگر ادیان احترام نگذارد و همین موجب احترام متقابل بین همه ادیان شده است. وی با بیان این که عدای می گفتند شما که از کوروش دفاع می کنید او باعث آزادی یهودیان بابل شده است تصریح کرد: نباید حساب صهیونیست را به پای یک قوم گذاشت.

و ادامه داد: نحوه برخورد کوروش با یهودیان بابل بسیار قابل احترام است زیرا ارتش او حرمت دین رسمی زمان را مورد احترام قرار دادند و این به آن معناست که اگر حضرت عیسی (ع) یا حضرت محمد (ص) نیز در آن زمان بودند قطعاً کوروش با پیروان آنان همین برخورد را می کردند. وی ایرانیان را جزو آن دسته از اقوام و ملت هایی برشمرد که به دلیل ریشه عمیق انسانیت خود همواره به ادیان مختلف احترام گذاشته اند و هیچ گاه در تاریخ هیچ ظلم صورت گرفته ای به نام آنها ثبت نشده است. بقایی افزود: در دوره ۵۰۰ ساله اشکانیان همواره مردم با آزادی ادیان و اقلیت ها روبرو بودند و این دوره یکی از دوره های لوح تمدنی ایران است و به صورت ویژه این دوره در سازمان میراث فرهنگی بررسی خواهد شد. وی ادامه داد: بحث منجی نیز از نقطه اشتراک بسیاری از ادیان است که همگی انتظار دارند موعود بیاید و جهان را سراسر از عدالت کند.

فرهاد افرامیان مسئول فرهنگی انجمن کلیمیان به نمایندگی از اقلیت های مذهبی حاضر در مراسم نیز با اشاره به وجود قومیت ها، نژادها، زبان ها و ادیان مختلف در ایران گفت: آن چه که حائز اهمیت است نقطه اتصال این اقوام و ادیان با یکدیگر است و این نقطه ای اتصال همان هویت ملی و ایرانی آن هاست. وی گفت: وقتی که از فرهنگ بومی، تمدنی و تاریخی ایران صحبت می کنیم قطعاً نمی توان نقش اقوام و گروه های مختلف را در این فرهنگ و تمدن نادیده گرفت. وی تصریح کرد: در اینجا است که تفاوت ادیان توحیدی در ایران و سایر کشورها به وضوح مشخص می شود، چرا که وقتی در ایران با یک یهودی صحبت می کنیم، با جامعه ایرانیان یهودی صحبت می کنیم و همین طور هنگام صحبت کردن از مسیحیان و زرتشتیان در واقع صحبت از جامعه ایرانیان مسیحی و زرتشتی می کنیم. مسئول فرهنگی انجمن کلیمیان به تاریخ سه



رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: اسلام قرار است ما را به اوج انسانیت برساند که ما در آن به همه ادیان احترام می گذاریم و می گوئیم کسی نمی تواند ادعای مسلمانی داشته باشد و به دیگر ادیان احترام نگذارد

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، روز سه شنبه ۱۲ بهمن ماه سال جاری همزمان با برافراشته شدن مرتفع ترین پرچم مقدس ایران در شهر شیراز نمایشگاه عکس ایران سرزمین ادیان توحیدی در سالن دانشگاه جهاد دانشگاهی شیراز با حضور مهندس بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دکتر احمد میرزا کوچک خوشنویس رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری و دکتر روح احمدزاده استاندار فارس و نمایندگان روحانیون اقلیت های مذهبی افتتاح شد. حمید بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور در این مراسم اظهار داشت: با برافراشته شدن بزرگترین پرچم ایران در دروازه قرآن شیراز شرف و افتخار و صلابت در وجود همه موج می زد.

وی در ادامه درخصوص برپایی نمایشگاه عکس ایران سرزمین ادیان توحیدی گفت: این نمایشگاه از ویژگی های خاصی برخوردار است که از آن جمله می توان به همزیستی ادیان مختلف در ایران و این که تمامی ادیان به طور آزادانه مراسم دینی خود را انجام می دهند اشاره کرد. بقایی افزود: اسلام دینی است که برای تمام ادیان احترام قائل است و از نظر ما هیچ کس نمی تواند خود را مسلمان بنامد اما به ادیان دیگر احترام نگذارد و در حقیقت همین امر نیز باعث ایجاد احترام متقابل بین تمام ادیان گردیده است.

بقایی با اشاره به فرمان حضرت امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر از ثبت این فرمان به عنوان میراث معنوی خبر داد و تصریح کرد: حضرت امیر در فرمان خود به مالک گفته است که تو در مصر با افرادی سر و کار داری که یا هم کیش و هم دین تو هستند یا از جنس تو و انسان هستند که باید احترام همه آنها حفظ شود و این توصیه یکی از ویژگی های حضرت امیر است که در کمتر حاکمی می توان این ویژگی را دید.

وی انسانیت را پوسته و ذات دین دانست و اضافه کرد: پوسته دین و ذات آن انسانیت است که ما را به دوری از فساد، دروغ و تهمت وای دارد. اما انسانی که می نشیند مرگ هم نوعان خود را مشاهده می کند را نمی توان دین دار قلمداد کرد زیرا این رفتار به دور از انسانیت است. معاون رئیس جمهور ادامه داد: اسلام قرار است ما را به اوج انسانیت

حضور جامعه کلیمیان در سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی



برگزاری مراسم ویژه ۲۲ بهمن توسط
انجمن کلیمیان کرمانشاه

جامعه‌ی کلیمیان کرمانشاه سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران را با برگزاری مراسم ویژه در سالن اجتماعات کلیمیان این شهر با حضور حضرت آیت‌الله علما نماینده ولی فقیه در استان کرمانشاه و دکتر سیامک مره‌صدق نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و جمع کثیری از کلیمیان کرمانشاه و کامیاران گرمای داشتند. این مراسم با قرائت آیاتی از تورات و بخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و سپس جناب حاجام قدوسی دعای ویژه سلامتی را قرائت نمودند. در ادامه برنامه دکتر سیامک مره‌صدق ضمن تبریک فرا رسیدن دهه‌ی مبارک فجر، با بیان حمایت‌های مراجع شیعه، از پیروان ادیان توحیدی در ایران، افزود در ایران تعامل روحانیون ادیان توحیدی باعث شده تا پیروان این ادیان بتوانند در آرامش و فضایی یک رنگ به حیات خود ادامه دهند. در بخش دیگر مراسم فریدون قهرمانی با ارائه گزارش از عملکرد یک ساله کلیمیان این شهر از ارتباط مستمر کلیمیان کرمانشاه و کامیاران سخن گفت. وی همچنین با قدردانی از همکاری همشهریان همکیش خود در برپایی این گونه مراسم اضافه کرد، این گونه نشست‌ها و همایش‌ها در جهت حفظ فرهنگ یهودیان این منطقه از ایران و بقا و ادامه‌ی حیات این جوامع کوچک مهم و مؤثر است. در پایان مراسم نیز با اهداء لوح سپاس به حضرت آیت‌الله علما نماینده ولی فقیه در استان کرمانشاه به پاس تلاش‌های ایشان در حل مشکلات ایرانیان کلیمی تقدیر به عمل آمد.

سیامک مره‌صدق نماینده‌ی جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و نیز جمع دیگری از هیئت مدیره‌ی انجمن‌های کلیمیان تهران و اصفهان حضور داشتند.

در این مراسم گروه کرال جوانان یهودی اصفهان با اجرای سرودهای خود، به هنرنمایی پرداختند. در ادامه نیز سارا میرآخور، با اجرای دکلمه، قطعاتی ادبی در وصف انقلاب مردم ایران سرود.

در بخش دیگر این برنامه کلیپ عبادتگاه‌های ادیان توحیدی که توسط لونا یومطوبیان، شولمیت صدیق، بهروز شمیمان و داوود کامل تهیه شده بود، برای حاضرین در مراسم به نمایش درآمد. این کلیپ با اشاره به عبادتگاه‌های ادیان توحیدی و نحوه عبادات در مذاهب و ادیان مختلف، به بیان اشتراکات ادیان پرداخته بود.

در بخش سخنرانان این مراسم جناب حاجام صدیق‌پور ضمن بیان فعالیت‌های جامعه‌ی ایرانیان یهودی در دوران پس از انقلاب اسلامی، بیانیه‌ی این مراسم را نیز قرائت نمودند.

انجمن کلیمیان تهران با همکاری ستاد دهه فجر کشور، کمیته مشترک دهه فجر جامعه کلیمیان ایران را در محل این انجمن تشکیل داد.

این ستاد در کنار دیگر اقلیت‌های دینی کشور و هماهنگ با ستادهای دهه فجر کل کشور با شرکت در مراسم نثار تاج گل در مرقد مطهر امام خمینی (ره)، مراسم افتتاحیه دهه فجر در تاریخ ۱۲ بهمن ماه، مراسم تجلیل از شهدای اقلیت در گورستان ارامنه تهران و راهپیمایی ۲۲ بهمن حضور فعال داشت. از دیگر فعالیت‌های این ستاد می‌توان به برگزاری شب شعر با عنوان شهید انقلاب توسط کانون فرهنگی هنری اجتماعی کلیمیان، برگزاری مسابقات فرهنگی و ورزشی در مدراس اختصاصی انجمن کلیمیان و همچنین پذیرش رایگان بیماران در ایام دهه فجر توسط بیمارستان دکتر سپهر اشاره کرد.

ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان اسامی با هماهنگی انجمن‌های کلیمیان در شهرستان‌ها مراسم ویژه‌ای را در شهرهای مختلف برگزار کرد که از آن جمله می‌توان به جشن انقلاب کلیمیان کرمانشاه، شیراز و اصفهان اشاره کرد.

حضور فعال کلیمیان اصفهان
در مراسم گرامی داشت دهه
فجر

جامعه‌ی کلیمیان اصفهان مراسم جشن اقلیت‌های مذهبی این شهر که روز پنجشنبه ۱۱ بهمن ماه در تالار استاد فرشچیان برگزار شد، حضور پرشوری داشتند.

در این مراسم که با حضور مسئولین استانداری و ارشاد استان اصفهان برگزار شد، جناب حاجام ماشاء گلستانی نژاد رهبر دینی جامعه کلیمیان ایران، دکتر



نشست رجال دین و اصحاب اندیشه ادیان توحیدی

گفت: اقلیت‌های دینی همیشه در ایران مورد احترام بوده‌اند، همواره ایرانی‌اند، ایرانی بوده‌اند و ایرانی خواهند ماند.

وی افزود: در مجلس شورای اسلامی رای نمایندگان ادیان برابر با رای نمایندگان مسلمان و رای هر یک برابر با رئیس مجلس است.

در ادامه، بیگلریان «تمایز مسیحیان جنوب کشور، با تبریک سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب تاکید کرد: هر چند سالی که از انقلاب گذرد، آن چیزی که نسل‌های ما و نسل‌های آتی باید به خاطر بسپارند، این است که گذشته از خون‌هایی که در راه انقلاب ریخته شده است، پیروزی انقلاب یک رهبری متحد و یک صدا داشت که برخاسته از اتحاد مردم بود. بیگلریان با اشاره به مسئولیت مسلمانان گفت: دوستان مسلمان ما چه بخواهند و چه نخواهند، باری بر دوش آنهاست که برخاسته از اعتقادات دینی آن‌ها سیر و سلوک رهبرانشان است که باید شان و اعتبار اقلیت‌های دینی نگاه داشته شود.

در این نشست همچنین سیامک مره‌صدق «تمایز کلیمیان در مجلس شورای اسلامی» با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی گفت: انقلاب شکوهمند ایران با پیروی از دستورات امام راحل که جزو معدود سیاستمدارانی بودند که به همراه دانستن دنیای سیاست به امر و روحانی نیز اعتقاد داشتند، پیروز شد.

در این نشست همچنین از «تمبر همگرایی ادیان توحیدی» که با همکاری شرکت پست تهیه شده بود، توسط سید محمد حسینی، بهمن دری معاون فرهنگی وزیر ارشاد، نمایندگان ادیان توحیدی، احمد خوشنویس رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب قم، رونمایی شد.

همچنین «گروه کر آشوریان» و «گروه کر وابسته به بانوان ارامنه» با نمایندگی اریک تامرازیان و دونوازی مرکز موسیقی انجمن کلیمیان و شاهنامه‌خوانی زرتشتیان به اجرای برنامه پرداختند.

همچنین در حاشیه این مراسم نمایشگاه عکس ادیان توحیدی در ایران افتتاح گردید. این نمایشگاه با همکاری اداره کل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران برگزار شده بود.

نمایندگان کلیمیان، آشوریان، ارامنه و زرتشتیان در این جشن که به مناسبت دهه فجر برگزار شده بود، گفت: این که همه پیروان ادیان در ایران با صفا و صمیمیت با هم زندگی می‌کنند، با تاکید بر مشترکات فراهم شده است. در ایران روحیه مردم به این صورت است که با تکیه بر مشترکات، با دوستی و محبت با هم زندگی می‌کنند و نگاه دولتمردان هم به همین صورت است.

وی امام (ره) را بیش از آن که یک سیاستمدار باشد، یک موحد خواند و گفت: ایشان حتی در هنگام سفر و بازگشت به ایران هم مشغول راز و نیاز و ارتباط با خدا بودند و اگر کسی خدادوست باشد نوع دوست هم هست.

حسینی ادامه داد: خوشبختانه این روحیه اکنون هم وجود دارد و کسی که موحد باشد دنبال ظلم و ستم به مردم نیست. مقام معظم رهبری نیز همین روحیه را دارند و کسی که دلبستگی به دنیا ندارد و دنبال منافع شخصی خود نباشد، به دنبال رضایت مردم است، زیرا رضایت خدا در کسب رضایت مردم است.

در ادامه این نشست، بهمن دری «معاون فرهنگی وزیر ارشاد» با اشاره به حقوق سایر ادیان در ایران

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در جمع پیروان ادیان توحیدی سخن می‌گفت با اشاره به زندگی مسالمت‌آمیز ادیان در کنار یکدیگر اظهار داشت: این از افتخارات ایران است که همه پیروان ادیان در صفا و صمیمیت با هم زندگی می‌کنند.

نشست ادیان توحیدی یکی از برنامه‌های اداره کل مجامع تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی است که شانزده سال است در بهمن ماه با حضور شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و علمی پیروان ادیان توحیدی (ارمنی، آشوری، زرتشتی و کلیمی) در یک محفل صمیمانه و با حضور وزرای محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مسئولان دولتی برگزار گردیده است.

به گزارش خبرنگار نشریه افق بینا در نشست رجال دین، اصحاب اندیشه و سیاست از پیروان ادیان توحیدی سه‌شنبه بیست و ششم بهمن ماه با حضور نمایندگان ادیان توحیدی، سفیر کشور ارمنستان، نماینده واتیکان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاون فرهنگی وزارت ارشاد و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در هتل انقلاب تهران برگزار شد، سید محمد حسینی «وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی» با تشکر از حضور



کنسرت هنرجویان مرکز موسیقی برگزار شد

به مناسبت سالگرد مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران به عنوان نهادی که افتخار اشاعه موسیقی سنتی ایرانی و پرورش هنرجویان هم‌کیش را دارد، روز دوشنبه ۱۲ اسفند ماه سال جاری گردهمایی با حضور هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، خانواده‌های هنرجویان و دیگر فعالان در تالار محبان برگزار شد.

مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران به همت تنی چند از اعضای کمیته جوانان و حمایت انجمن کلیمیان تهران، در سال ۱۳۷۹ تشکیل شد و هم‌اکنون توسط آقای فریدون طوبی اداره می‌شود.

در این مراسم هنرجویان یهودی در بخش‌های مختلفی با اجرای قطعات موسیقی به هنرنمایی پرداختند.

در بخش اول پدram یاشارئل و سالار خلیل‌نسب با دوتوازی در دستگاه نوا و الی‌اور ملکان با تکنوازی ویولن و بیتا اسحق‌پور و نازنین کلیم بابا با دوتوازی گیتار و نوید حکیم‌بابا با تکنوازی گیتار به هنرنمایی پرداختند.

همچنین هیلدا نجات‌حبیب و مهسا یونانی با اجرای قطعات کلاسیک با گیتار در کنار امید لیمودیم، آرین دانیال‌مفرد با تکنوازی تنبک و شهرپور برال، ملاتی الیاسی، دیورا شیبانی با اجرای قطعات کلاسیک با پیانو دیگر هنرمندان را همراهی کردند.

در بخش دوم مراسم، گروه موسیقی سنتی، با هم‌نوازی پدram یاشارئل (تار)، حدیث بنیامینی (ویولن)، سهیل رفوا (سنتور)، سالار خلیل‌نسب (دف و ضربانگ)، مهرداد یعقوبیان (تنبک)، با صدای ژوزف ریحانیان با اجرای قطعات پیش‌درآمد اصفهان، بداهه‌نوازی ویولن و سنتور، چهارمضراب پریرزاد و پرچهر، قطعه یاد، دوتوازی تنبک و دف (ساخته‌ی مهسا لواسانی)، تستیف بهار آرزو به هنرنمایی پرداختند.

در بخش پایانی این مراسم گروه کرال سازمان دانشجویان یهود ایران متشکل از خاتمه‌ها: دیبا دیلی، مونا عرب‌زاده، نغمه عرب‌زاده، هیلدا نجات‌حبیب، مهسا یونانی، طنناز یونانی، ستاره طوبی و سپیده طوبی و آقایان: ارش اسحاق‌بخشی، داریوش نهداران، تیما نقاش، سامان کاهن، نادر دانیالی، کامران دانیالی، بهزاد صلح‌جو، بهنام صلح‌جو، سهراب اوهب‌صیون

به رهبری رامیار بهزادی و تکنوازی

پیانو بهنام ابوالقاسم قطعات

Hevenu Shalom Aleichem (سرود عبری)، لای لای (فارس)، رشید خان (قوچانی)، دست بدسمالم (فارس)، Al Kol (سرود عبری)، Eleh

Avini Malkenu (سرود عبری) اجرا کردند.

در پایان مراسم از هنرجویان با اهداء جوایز، تقدیر به عمل آمد. برگزاری مراسم سالگرد مرکز موسیقی انجمن کلیمیان حاصل تلاش و همکاری ژوزف سوفری، یوریا کی‌پور، مهدی داوودی، ریموند فروزان‌فر، پدram صدقانی، امید ماخانی، طنناز یونانی، نغمه کدخدای، مهسا یونانی، شهاب شهابی‌فر، فرید یاشار، بهادر میکائیل، ارش اسحاق‌بخشی، طنناز روحی، ناتان نامدار، یوسف سلیمانی، جلال کهن‌بشیر، ایمان شماللی، رامین سخایی بود.



همایش فرهنگی کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

همایش فرهنگی کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران به مناسبت دهه فجر انقلاب با سخنرانی هنرمند و نویسنده توانا خاتم پری زنگنه در روز شنبه ۱۶ بهمن ماه سال جاری در محل تالار اجتماعات کوروش برگزار گردید.

در این همایش که با حضور جمع کثیری از فرهنگیان، هنرمندان و فعالان اجتماعی جامعه کلیمیان برگزار شد، ابتدا خاتم زنگنه در مورد کتاب «آن سوی تاریکی» سخنرانی کردند و در ادامه جلسه پرسش و پاسخ برگزار گردید.

کتاب «آن سوی تاریکی» داستان زندگی خاتم پری زنگنه و نابینایان می‌باشد. لازم به ذکر است که کتاب فوق در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران جهت استفاده همکیشان عزیز موجود می‌باشد.

از دانش آموزان ممتاز مجتمع اتفاق تقدیر شد

جامعه کلیمیان را در آن دوره سرمایه فرهنگی این جامعه قلمداد کرد و اضافه کرد، هر ایرانی یهودی ضمن وفاداری به بنیان‌های دینی و هویتی خود با کسب مهارت‌های اجتماعی و علم‌آموزی می‌تواند ضمن خدمت به جامعه و کشورش به تنهایی نیز نماد درست و نشان صحیح برای معرفی جامعه خود در بین جوامع اکثریت چه در داخل و چه در خارج از کشور باشد. سپس اسامی دانش‌آموزانی که در آزمون‌ها و المپیادهای تبه‌های درخشانی را کسب نموده بودند خوانده شد و با حضور مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، رئیس انجمن اولیاء و مربیان مجتمع اتفاق آقای یروشلمی، مدیریت مجتمع و دیگر از اعضا انجمن اولیاء و مربیان با اهدای جوایز از آن‌ها قدر دانی شد.

پیروزی انقلاب از برپایی نمایشگاه کتاب امور پژوهشی و دست‌سازهای دانش‌آموزان در مدرسه و شرکت آن‌ها در مسابقات ورزشی و کسب رتبه آن‌ها و دیگر برنامه‌های فوق سخن گفتند.

در بخش پایانی مراسم، فرهاد افرامیان مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران با تبریک فرا رسیدن ایام پیروزی ملت بزرگ ایران، دانش‌آموزان ممتاز را فخرآفرینان حال و آینده جامعه ایرانیان یهودی ارزیابی کرد و گفت: ایجاد بستر مناسب آموزشی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها در کنار آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی، بی‌شک گام مؤثری در بالندگی و اعتلای فرهنگی جامعه خواهد بود. وی همچنین شهدای یهودی دوران پیروزی انقلاب و فعالیت‌های

چهارشنبه ۲۰ بهمن ماه سال جاری هم‌زمان با برپایی جشن در سراسر کشور به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی، مدرسه اتفاق هم در این روز با برپایی مراسم جشن انقلاب، از دانش‌آموزان ممتاز تجلیل کرد.

این مراسم با حضور پرسنل مدرسه، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها در سالن اجتماعات مجتمع اتفاق، با سرود جمهوری اسلامی ایران توسط گروهی از دانش‌آموزان و قرائت آیاتی از تورا آغاز شد. دیگر برنامه‌های این جشن خواندن سرود پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای نمایش شاه ظالم و اجرای موسیقی توسط دانش‌آموزان مدرسه بود. در قسمت بعدی برنامه مدیر مدرسه اتفاق خاتم رحمتی ضمن تبریک سی و دومین سالگرد

انتشار چهار کتاب در زمینه روانشناسی

به نویسندگی دکتر حنا سبازده اصفهانی

کتاب حاضر بازبانی ساده شناخت و پیشگیری از خودگرایی را مورد اشاره قرار داده است. بخش نخست به شناخت خودکشی و مسائل مربوط به آن اختصاص دارد. در بخش دیگر نیز با عنوان پیشگیری از افکار خودکشی، راهکارهایی همراه با فعالیت‌های علمی، برای مصون ماندن از گرایش به خودکشی ارائه شده است. در پایان کتاب و در بخش ضمائم، هشت گام برای مراقبت از روحیه و مقابله با افسردگی آمده است.

چگونه در دام افسردگی نیفتیم

دکتر حنا سبازده در این کتاب به پیشگیری از افسردگی با رویکرد شناخت درمانی مبنی بر آگاهی پرداخته است.

متخصصان در زمینه روان‌درمانی برای بیمارانی که بیم آن را دارند که شاید مبتلا به افسردگی باشند همواره با دو چالش مواجهند: اول، برگشت بیماری در افرادی که از افسردگی بهبود یافته‌اند و ابتلای دوباره‌ی آنها به افسردگی و دوم این که بسیاری از بیماران دارای نشانه‌هایی از افسردگی (مثل بی‌حوصلگی) هستند، ولی بیماری افسردگی ندارند، در این کتاب همانگونه که از عنوانش پیداست می‌توان به راهکارهایی برای دوری از افسردگی دست یافت.

در دناک و ناخوشایند همراه می‌شوند، براساس اصول علمی و نظریه‌های روان‌شناختی معتبر پاسخ داده است.

رشد در کودکی

کتاب رشد در کودکی، اهمیت رشد انسان از تولد تا هیجده‌سالگی را مورد بررسی قرار داده است. مسئله‌ای که امروزه صاحب‌نظران بسیاری در سراسر دنیا را متوجه خود ساخته است به‌طوری که اکنون این مرحله‌ی رشد را از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل رشد انسان به‌شمار می‌آورند در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. این مجموعه از سری مجموعه‌های راهنمایی والدین است که براساس تجربیات بالینی مؤلف دکتر مریم حنا سبازده اصفهانی در مراکز مشاوره و روان‌درمانی کودک و با توجه به فراوانی پرسش‌های خانواده‌ها در زمینه‌های خاص تنظیم شده است.

نمی‌خواهم به خودکشی فکر کنم

«نمی‌خواهم به خودکشی فکر کنم» نام کتاب دیگری است که دکتر حنا سبازده اصفهانی آن را به چاپ رسانده است. این کتاب نگاهی به چگونگی پیشگیری از بحران خودکشی‌گرایی با راهبردهای جدید روانشناختی (همراه با هشت گام برای مراقبت از روحیه و مقابله با افسردگی) دارد.

جامعه فرهنگی ایران در سال گذشته شاهد چاپ و انتشار ۴ کتاب در زمینه روانشناسی بوده است؛ این کتاب‌ها اثر دکتر مریم حنا سبازده اصفهانی هستند، وی فارغ‌التحصیل ممتاز دکتری تخصصی روانشناسی بالینی از دانشگاه علوم پزشکی ایران است. آثار به چاپ رسیده از دکتر حنا سبازده اصفهانی به شرح ذیل است:

کتاب رویارویی با رویدادها و مشکلات زندگی

این کتاب نگاهی جامع و روانشناختانه به چگونگی رویارویی با مشکلات و رویدادهای سخت زندگی دارد.

«چه خوشمان بیاید چه نه، بهتر است بپذیریم زندگی غیرقابل پیش‌بینی است و مشکلات بخش جدایی‌ناپذیر و غیرقابل انکار زندگی تمام انسان‌هاست.» این جمله در بخشی از مقدمه کتاب رویارویی با رویدادها و مشکلات زندگی آمده است. این کتاب به سؤالاتی مانند چگونگی مقابله با مرگ، نزدیکان، طلاق، کمبود مالی، شکست در کنکور، ضربه‌های عشقی، مهاجرت، مشکلات در روابط بین فردی که همگی با فشارهای شدید و احساسات

خانواده محترم داوودیان

با نهایت اندوه در گذشت مرحوم داوود (ناصر) داوودیان را تسلیت عرض نموده و تسلی خاطر شما و بازماندگان را از خداوند خواستاریم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

هیئت تحریر به نشر به افق سینا

جناب آقای هارون یشایایی

بدین وسیله مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از پیشگاه ایزد منان آرامش و شکیبایی را برایتان مسألت داریم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

هیئت تحریر به نشر به افق سینا



زیر آفتاب خوش خیال عصر

جیران گاهان

کتابهای قفسه‌ای

هم ریختن ارکان سنتی جمله، عوض کردن محل نهاد و گزاره، عدم تطبیق فعل و فاعل و استفاده از اصطلاحات زبان آرگو در جمله‌ای که کاملاً به زبان معیار بیان شده به دنبال طراحی زبان ویژه خود است. استفاده از لغاتی مانند «ژولیده پولیده»، «ویز و ویز»، «آب‌باچی»، «قهقهه‌ی شکستی» و به کار بردن افعال نه چندان مرتبط مانند «فلتاندن برای صورت» و استفاده‌ی زیاد از وجه وصفی افعال، عارضه‌ای است که آثار نویسندگان جوان را تسخیر کرده است و نویسندگان جوان می‌پندارند با عدم رعایت قواعد زبان معیار می‌توانند زبان ویژه‌ی خود را مطرح کنند. اما اشکالاتی از این دست برای اولین رمان یک نویسنده‌ی جوان غیب بزرگی محسوب نمی‌شود. شاید استفاده از یک ویراستار توانمند به راحتی بتواند این مشکل را برطرف کند. تأکید خاص ما در این مطلب بیشتر بر جنبه‌هایی از داستان است که با هویت ایرانیان کلمی‌ارتباط دارد. اگر چه آگاهی قابل قبول نویسنده

تینا ربیع‌زاده
رمان «زیر آفتاب خوش خیال عصر» اولین رمان نویسنده‌ی جوانی به نام جیران گاهان است که به روایت دختری از خانواده‌ی کلمی می‌پردازد و به شیوه‌ی غیرخطی و جریان سیال ذهن رابطه‌ی عاطفی او با جوانی غریبه‌ی را شرح می‌دهد. وارد شدن به حوزه‌ای که از دیدگاه جوامع اقلیت تابو تلقی می‌شود و همواره با اضطراب و نگرانی همراه بوده است. اگر چه نویسنده برای روایت این داستان از شیوه‌ی جریان سیال ذهن استفاده کرده، اما خوشبختانه پیچیدگی‌های به کار رفته در آن به حدی نیست که خواننده‌ی معمولی را دچار آشفتگی کند و پیگیری سیر حوادث را دشوار سازد. نثر نویسنده پختگی لازم را ندارد و نویسنده‌ی جوان هنوز زبان خاص خود را نیز نیافته است و دچار وضعیتی است که اکثر نویسندگان جوان به آن مبتلایند در این وضعیت نویسنده با به

از واژه‌های تخصصی هنر و موسیقی، کمک زیادی به بیان مطلب کرده است اما عدم شناخت دقیق نویسنده از فرهنگ و سنت‌های ایرانیان کلمی روایت داستانی را که حول محور یک جوان کلمی و در یک خانواده‌ی ایرانی کلمی رخ می‌دهد را تا حدی غیرقابل باور کرده است. پرداختن نقشی منفی، مستبد و خودرأی از مادر خانواده به نحوی که حتی پدر خانواده نیز مرعوب او است با واقعیات جامعه‌ی ایرانیان کلمی سازگاری ندارد. از سوی دیگر قرار گرفتن «ماست» در سفره‌ی خانواده‌ی کلمی برای ناهار و در کنار غذاهای دیگر نشانه‌ای از عدم شناخت دقیق سنت‌های خانواده‌ی محور داستان از سوی نویسنده است. به کار بردن واژه‌ی «موعد فطیر» در ذهن راوی داستان نشانه‌ی دیگری از این عدم آشنایی است. از سوی دیگر گذاشتن ماهی زنده سر سفره‌ی پسخ جزو رسوم جامعه‌ی ایرانیان کلمی نیست. اما قابل تقدیرترین جنبه در این رمان عدم ارائه‌ی چهره‌ی سیاه یا سفید از تمامی شخصیت‌های داستان است. ترسیم چهره‌ی خانواده‌ی کلمی به صورتی تقریباً واقعی و انسانی صورت گرفته و هیچ کدام از آنان یکسره خوب یا یکسره بد نیستند و مانند تمام شخصیت‌های داستان جنبه‌های مثبت و منفی دارند. حتی اشاره‌ای که به پیش‌داوری‌های پدر و مادر شهریار در رابطه با کلمیان می‌شود نیز به شکلی باورپذیر مطرح شده است، اما از ظرایف قابل احترام این رمان شرح غیرمستقیم مشکلات حاصل از عدم تجانس فرهنگی در بین خانواده‌های شهریار و مونا است. عدم پذیرش کامل مونا از سوی خانواده‌ی شهریار و برخورد تدریجی گرمای رابطه‌ی عاطفی بین این دو به نحو باورپذیری روایت می‌شود گویی که پایان داستان به علت این عدم تجانس فرهنگی و پیش‌داوری‌های ذهنی به‌ویژه از سوی خانواده‌ی شهریار از پیش رقم خورده تا آن جا که مونا در ذهنیت خود احساس اشتباه می‌کند و ناچار می‌شود که وضعیت موجود (کاهش تدریجی شدت علاقه) را بپذیرد. در جریان داستان اگر چه در آغاز شهریار تلاش خود را برای شناخت بهتر فرهنگ همسرش به کار می‌گیرد منتهی رفته رفته این تمایل به شناخت کاهش می‌یابد و به تدریج جای خود را به رفتاری آمرانه و مردسالار می‌دهد و در این بین زنده شدن نوستالژی «حلق» از باورپذیرترین بخش‌های داستان است. همان‌طور که پیچیدگی‌های خاص رابطه‌ی مونا با خانواده‌اش و خانواده شهریار پس از ازدواج با شهریار به زیبایی روایت شده است.

اگر چه به نظر می‌رسد داستان نیاز به ویراستاری هم در زمینه‌ی نثر فارسی و هم در زمینه‌ی زبان لوتراپی دارد اما توانایی غیرقابل انکار نویسنده در شناخت و بیان غیرمستقیم پیچیدگی‌های رابطه‌ای که به علت عدم تجانس فرهنگی با دشواری‌های شدید روبه‌رو است قابل احترام است. به ویژه این که در این میان نویسنده به دام افراط و تفریط و سیاه و سفید بودن شخصیت‌ها گرفتار نشده و این مهم نقش عمده‌ای در باورپذیرتر کردن روایت داشته است. شناختی بدینسان عمیق از پیچیدگی روابط عاطفی در شرایطی که با عرف عادی جامعه نیز تطابق ندارد احترام را نسبت به نویسنده برمی‌انگیزد و این امید را زنده می‌کند که نویسنده‌ی جوانی به عرصه‌ی ادبیات پا گذاشته که آینده‌ای درخشان در پیش رو دارد.

פיסיכולוגיא

روانشناسی



استرس و تأثیر آن بر سلامتی

دکتر مریم حنا سبازاده

در این شماره از نشریه نیز به ادامه‌ی میحث «استرس و تأثیر آن بر سلامتی» پرداخته می‌شود که برگرفته شده از کتاب «شیوه‌های مراقبت از سلامتی روانی» تألیف دکتر مریم حنا سبازاده اصفهانی است و در انتشارات قطره زیر چاپ می‌باشد.

آیا استرسها و حوادث محیطی همیشه تهدید کننده‌ی سلامتی جسمانی و روانی هستند؟

اشخاصی که در زندگی با حوادث و رویدادهای استرسزای زیادی مواجه میشوند واکنشهای متفاوتی به این حوادث و رویدادها دارند. مرگ یکی از عزیزان ممکن است فرد داغدار را از نظر جسمانی و روانی از پا بیندازد چون روش‌های کنار آیی با آن را به کار نمی‌برد، درحالی که فرد دیگری را در اندوه بلندمدت و نگرانی شدید دچار سازد. یکی ممکن است با گذران فرایند سوگواری و پس از گذشت یک یا دو سال، قادر باشد سرانجام آرامش خود را بازیابد و دیگری ممکن است پس از گذشت سالها، به‌قدری پریشان و مضطرب باقی بماند که خواب آرام برایش غیرممکن شود و همچنان کابوسهای وحشتناک شبانه داشته باشد.

بنابراین داشتن یا نداشتن سلامتی روانی محکوم به رویدادهای زندگی نیست و انواع حوادث و استرسها تنها هنگامی میتوانند سلامتی را به مخاطره بیندازند که در افراد نسبت به آنها آسیب‌پذیری وجود داشته باشد و یا به شکل کارآمد با آنها رویارویی نشود.

منظور از رویارویی کارآمد با حوادث استرسزا چیست؟

رویارویی یا کنار آمدن شامل تلاشهایی برای کنترل، تحمل یا کاهش مشکلات استرسزاست. بر این مبنا وقتی فرد با موقعیت استرسزایی مواجه میشود، بهتر است به تمام کارهای ممکن دست بزند تا پیامدهای زیاتبخش موقعیت را کاهش داده و امید به بهبود اوضاع را افزایش دهد. لازمی این کوششها این است که فرد ابتدا موقعیت تنش برانگیز را بپذیرد و به شکل واقعگرایانه با آن کنار آید.

چگونه می‌توان با این حوادث کنار آمد؟
یکی از وظایف شخصی که با حوادث استرسزا رویارویی کارآمد دارد، این است که بکوشد رویدادها یا واقعیات منفی را از نظر عاطفی تحمل کرده و با آنها سازگار شود. در این شرایط، چنین فردی

باید سعی کند «احترام به خود» را حفظ کند. یعنی همچنان باور داشته باشد که «فردی ارزشمند است و لیاقت اینکه فشار روانی و تنش را برای خود کم کند دارد». همچنین لازم است در شرایط بحرانی و فشارزا برای قابل تحمل کردن ناراحتیها و تعادل عاطفی، شخص روابط رضایتبخش خود را با دیگران ادامه دهد. به این روش چنین فردی قادر است با انواع فشارهای روانی به گونه‌ای کارآمد رویارویی کند.

چگونه میفهمیم فرد رویارویی کارآمد با استرس داشته است؟

هرگاه فردی به خوبی با استرسها کنار بیاید، احساسهای ناراحتی روانی (عواطف دردناک) در وی کاهش مییابد. این وضعیت حتی به لحاظ جسمانی نیز تأثیرات خود را خواهد داشت. مثلاً با کنار آمدن مفید و موفقیتآمیز، ضربان قلب، تنفس و تنشهای ماهیچه‌ای در افرادی که فشارهای روانی را تجربه می‌کنند، بهبود مییابد. به‌طور کلی هر وقت فرد به رفتارها و عملکرد پیش از به‌وجود آمدن موقعیت استرسزا برگردد، به معنی این است که توانسته است به‌نحو موفقیتآمیزی با یک محرک استرسزا مقابله کند. البته لازمی رسیدن به چنین وضعیتی به کار گرفتن روش‌های مقابله با استرس است.

با استفاده از چه روشهایی میتوان با استرسها کنار آمد؟

روشهای زیادی برای رویارویی موفق با استرسها وجود دارد. به اعتقاد روانشناسان به‌طور کلی پنج

به طور کلی داشتن یک

سبک زندگی استاندارد

(شامل ورزش مرتب،

داشتن برنامه‌ی غذایی

سالم، خواب و استراحت

به میزان کافی، مطالعه‌ی

آزاد و...) همگی برای

مهار استرسها مفیدند

و می‌توانند منجر به

افزایش کیفیت زندگی در

افراد شوند

راهکار مهم در این زمینه وجود دارد:

(۱) جستجوی روشهای حل مسالهای که برای مواجهه با استرس در پیشروی شخص قرار دارد.

(۲) اجرا نمودن این روشها با در نظر داشتن پیامدهایی که هر یک میتوانند داشته باشند.

(۳) ممکن است در برخی از موارد داشتن یک نگرش همراه با پذیرش و یک اقدام بازدارنده بهترین راه رویارویی با استرس باشد. مثلاً سرکوب میل فریاد زدن بر سر رئیس احتمالاً منافع بلندمدتری دارد، تا آنکه فرد بخواهد خود را از این روش تخلیه کند.

(۴) درخواست کمکهای فکری، عاطفی، مالی و... از دیگران هنگام بروز شرایط پر استرس.

(۵) تنظیم عواطف، احساسات یا هیجانات دردناکی که عامل استرسزا آن را ایجاد کرده است و تلاش برای کاهش افکار نگران کننده مربوط به انواع استرسها

(۶) بهره‌گیری از انواع روشهای آرامسازی ذهنی و عضلانی و نیز فنون مراقبه‌ای.

شایان ذکر است راهکارهای معرفی شده‌ی ۴ و ۵ معمولاً با کمک گرفتن از متخصصین روانشناس امکان‌پذیر می‌شود.

برداشت‌های ذهنی فرد از رویدادها چه تأثیری در کنار آمدن با حوادث زندگی دارند؟

برداشت‌های ذهنی، افکار و تفسیرهای فرد از رویدادها به معنی «نگرش شناختی» افراد است. نگرشی که فرد راجع به یک رویداد یا معنای آن دارد نقش مهمی در میزان تنش و فشار روانی که از آن رویداد احساس میکند خواهد داشت. مثلاً فردی که در کنکور دانشگاه قبول نمیشود اگر این رویداد را به معنی، «شکست در زندگی» تعبیر کند مسلماً فشار زیادی را متحمل خواهد شد تا آن را به معنی «تلاش برای یکبار دیگر» تلقی کند.

داشتن احساس توانایی روی اوضاع در این زمینه چگونه کمک کننده است؟

این توانایی (حس کنترل)، کنار آمدن با یک رویداد پر استرس را به‌شدت تقویت میکند و آن را راحتتر می‌سازد. یعنی وقتی فردی این احساس را دارد که قادر است کنترل امور را به‌دست بگیرد، مسلماً تلاش بیشتری برای تغییر شرایط سخت می‌کند. درحالی‌که اگر شخص دچار حس درماندگی باشد، کمتر احتمال دارد که سعی کند دست به تغییر یا کنترل رویدادهای ناگوار زندگی خود بزند.

در برخی از افراد به‌نظر می‌رسد استعداد بیشتری برای کنترل و تغییر رویدادهای ناگوار



وجود داشته باشد، این درست است؟

نتایج پژوهشی روانشناسان و روانپزشکان به این نتیجه راهبری شده است که در شخصیت برخی از افراد صفاتی وجود دارد که آنها را قادر میسازد با وجود شرایط استرسزای شدید، همچنان از زندگی خود لذت برده و تندرستی خود را حفظ کنند و یا حتی بهبود بخشند. یکی از این صفات سخت‌رویی (Hardiness) می‌باشد که به معنی داشتن روحیهی سرسختانه در مواجهه با اموری است که فشار روانی ایجاد میکنند. اشخاصی که سخت‌رویی دارند، دارای این احساس می‌باشند که واقعاً قادرند بر رویدادهایی که با آنها مواجه می‌شوند، تأثیر بگذارند. این افراد تغییرات زندگی را عادی و به‌عنوان بخش طبیعی زندگی تلقی میکنند، دارای تفکری آزادمنشانه و انعطاف‌پذیرند و قادرند، موقعیت‌های مبهم را تحمل کنند (البته برای روشن شدن و شفافسازی موقعیت‌های مبهم تلاش می‌کنند).

نقش مذهب و معنویت در این زمینه چیست؟

داشتن جهانبینی سالم یعنی معنایی که شخص برای زندگی به آن اعتقاد دارد بر حس کنترل او روی شرایط پر درد و آشفتگی زندگی‌اش بسیار مؤثر است که در این زمینه مذهب و معنویت به‌عنوان منابع مهم جهانبینی عمل میکنند. در یکسری پژوهش‌ها مشخص

شده است افرادی که این جهانبینی را دارند حتی در تجارب بسیار وحشتناک زندگی (مثل اسارت در اردوگاه‌های کار اجباری)، توانسته‌اند نهتنها از نظر جسمانی و روانی سالم بمانند، بلکه حتی سلامتی جسمانی و روانی خود را در این شرایط سخت و پرمخاطره بهبود بخشند.

آیا ورزش نیز در کنار آمدن کارآمد با استرسها نقشی دارد؟

به طور کلی داشتن یک سبک زندگی استاندارد (شامل ورزش مرتب، داشتن برنامه‌ی غذایی سالم، خواب و استراحت به میزان کافی، مطالعه‌ی آزاد و...) همگی برای مهار استرس‌ها مفیدند و می‌توانند منجر به افزایش کیفیت زندگی در افراد شوند.

بر اساس یک سری پژوهش‌ها مشخص شده است یک فعالیت بدنی مستمر در هوای آزاد (مانند پیاده روی در بوستانها و گردشگاهها) وقتی بیش از بیست دقیقه طول میکشد، منجر به ترشح ماده‌ای به نام پتا اندروفین در بدن میشود و از این طریق احساسات خوشی و شادمانی را در فرد به وجود می‌آورد. بر همین اساس روانشناسانی با دیدگاه «فعالسازی رفتاری» داشتند که برنامه‌ی ورزشی مداوم را (به شکل حداقل سه بار در هفته) برای پیشگیری یا درمان افسردگی به مراجعین خود توصیه میکنند.

استرسهای روانی چگونه میتوانند ایجاد بیماریهای جسمی کنند؟

ثابت شده است پیامدهای منفی استرسها، احساس بی‌اعتمادی، تنهایی، خشم، اندوه، دلهره و افسردگی میکنند که این احساسات نیز به نوبه‌ی خود به مشکلاتی جسمانی مانند سردرد، ناراحتی معده، انواع مشکلات پوستی (نظیر جوش و خارش پوست)، بی‌خوابی و زخم معده، منتهی میشوند. حتی در پژوهشهای دانشمندان مشخص شده است، استرسها میتوانند به عنوان عواملی خطر آفرین در ایجاد فشار خون بالا، بیماری قلبی و سکنه مغزی باشند.

آیا این درست است که هر تغییری در زندگی میتواند به عنوانیک شرایط استرس درآید؟

بله. هر چند تغییرات منفی استرسهای بیشتری ایجاد میکنند. مهاجرت و نقل مکان، مرگ یک عزیز، تولد یک کودک، قبول شدن در دانشگاه، ارتقای شغلی، ازدواج یا ایجاد یک رابطه جدید، استرس را به دنبال خود می‌آورد. چون این تغییرات ما را مجبور به سازگاری دوباره با زندگی میکنند. اما خوب است به این نکته توجه شود که سازگاری با شرایط جدید، بسته به نوع واکنش ما میتواند کمک کننده یا آسیب رساننده باشد.

عادت به عادت نکنیم

لیور اسعید



- دخترم عادت ناخن جویدن دارد.
- اگر کسی با من مخالفت کند از کوره در می‌روم
و داد می‌زنم، دست خودم نیست.
- زنم هر وقت از موضوعی ناراحت و عصبی
می‌شود، شروع به خوردن می‌کند.
- اگر بر خلاف میل و عقیده پسر ۲۰ ساله‌ام حرف
بزنیم، قهر کرده و از خانه خارج می‌شود.
- روزی دو پاکت سیگار می‌کشم، از فشار و
استرس‌های زندگی رنج می‌کشم.
- پسرم شب‌ها موقع خواب انگشت می‌مکد.
- خواهرم تا ۵ بار ظرف‌ها را آب‌کشی نکند، دلش
راضی نمی‌شود.



از ما دوست داریم رفتارهای عاداتی خود را کنار بگذاریم، مدتی با این رفتارها مقابله می‌کنیم اما اغلب به همان نقطه اول برمی‌گردیم، نظیر فردی که دوست دارد سیگار کشیدن را کنار بگذارد یا دروغ نگوید، اما بیشتر از ۳-۲ روز در برابر میل به سیگار کشیدن یا دروغ گفتن نمی‌تواند مقاومت کند، سرانجام نیز به همان نقطه اول می‌رسد.

دوره بازگشت، میل نهفته در ضمیر ناخودآگاه درباره‌ی بازگشت به نقطه‌ی اول در مبارزه با عادت‌ها، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به دیدگاه زیستی اشاره کرد. مطابق با این دیدگاه، در مغز انسان یک‌سری مدارهای تقویت شده عصبی وجود دارد که وقتی سعی در تضعیف یا از بین بردن این مدارها می‌شود مقاومت شکل می‌گیرد.

وقتی ما به رفتاری عادت می‌کنیم نسخه‌ای از آن در حافظه بلندمدت ما ضبط می‌شود. به عنوان مثال شما ممکن است خانه‌تان را به جای دیگری منتقل کنید. روزهای اول این احتمال وجود دارد که شما از سر عادت به محل سکونت اولتان بروید، البته این عادت بعد از گذشت زمان ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. این وضعیت در رفتارهایی نظیر اعتیاد نیز تکرار می‌شود. زمانی که فرد تصمیم می‌گیرد اعتیادش را ترک کند، روزهای اول تمام اجزای بدن او اتوماتیک‌وار خواهان ماده‌ای هستند که ماه‌ها یا سال‌ها دریافت کرده‌اند. طبیعی است مقاومت بسیار شدیدی از ناحیه عادت‌ها در برابر تصمیم‌ها اتخاذ می‌شود، از طرفی هر چقدر عادت‌ها نهادینه و تثبیت شده‌تر باشند، موج مقاومت را قوی‌تر می‌کنند، پس این همه، گذر زمان به سود فردی است که تصمیم گرفته رفتار مخفی‌اش را کنار بگذارد.

اگر شخصی در برابر خواسته‌ای که ناشی از عادت‌های منفی اوست مقاومت کند، روز به روز از قدرت آن موج منفی کاسته خواهد شد، مقاومت و تکرار نکردن آن رفتار به مغز این فرصت را می‌دهد که خود را با شرایط جدید وفق داده و به سمت مؤلفه‌های جدیدی برود.

تحلیل دیگر بازگشت دوباره ما به عادت‌های خو گرفته از دید روانکاو این گونه بیان می‌شود که ناخودآگاه ما، در قبال عادت‌ها تمایل به بازگشت دارد. کودکی را در نظر بگیرید که وقتی احساس

در ذهنشان تصور کنید اگر قرار بود هر کدام از ما در طول شبانه‌روز برای تک تک کارهایی که انجام می‌دهیم فکر کنیم زمان بسیار زیادی را از دست می‌دادیم در صورتی که عادت‌ها با حذف تأمل‌های طولانی، برش‌های زمانی بیشتری را در اختیار ما قرار می‌دهند، اما همین روانشناسان معتقدند که عادت، کار تکرارشونده‌ای است که در آن منطق وجود ندارد و عادت‌ها اکثراً به شکل رفتارهایی هستند که از افکار ما نشأت می‌گیرند. بنابراین:

افکار، گفتار را به وجود می‌آورد، گفتار، رفتار را می‌آفریند، رفتار، شخصیت را می‌سازد و شخصیت، سرنوشت را می‌آفریند. پس مراقب افکار باش که سرنوشت توست. عادات محدود به این رفتارها نیستند، اگر کمی بیندیشید، می‌بینید زن و شوهری که همچنان شب‌های خاصی در ایام هفته (!) به خانه مادر زن یا مادر شوهر خود رفته یا دعوت آن‌ها را قبول می‌کنند، فروشنده‌ای که پس از سال‌ها مغازه‌داری، دکوراسیون مغازه خود را تغییر نداده، فردی که در کنیسا (مسجد) صندلی و جای مخصوص به خود دارد و اگر خدای ناکرده کسی جای او را بگیرد با اعتراض او مواجه می‌شود، به طوری که یکی از همین‌ها با اشاره به یک صندلی می‌گفت چهل سال است روی آن می‌نشیند، گرفتار عادت هستند. افرادی که گرفتار عادت هستند افراد پیش‌بینی شده و فاقد خلاقیتی هستند که طبق نظم خاصی زندگی می‌کنند، غذا می‌خورند، عبادت می‌کنند، کار می‌کنند و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.

کاش عادت‌ها به همین عادات رفتاری و عصبی ختم می‌شد، در سطح اخلاقی نیز عاداتی در میان انسان‌ها دیده می‌شود مانند دروغ گفتن، سخن‌چینی و غیبت کردن، بدون تحقیق قضاوت کردن، نتیجه‌گیری شتابزده و ... که همه افراد به ظاهر خود را مُیرا از این عادت‌ها می‌دانند اما اگر کمی تأمل کرده و بیندیشیم خواهیم دید که از این رفتارها به وفور استفاده می‌کنیم.

یکی از پدیده‌هایی که برای اغلب انسان‌ها آشناست، مبارزه با مجموعه‌ای از عادات و رفتارهای منفی است که در فرد تثبیت شده است، در واقع عادت‌ها می‌توانند تجارب ناخوشایند اما گریزناپذیری برای هر کدام از ما باشند. بسیاری

ناخن جویدن، انگشت مکیدن، جنجال به پا کردن و پرخاشگری، پرخوری و سیگار کشیدن از جمله عادات و اختلالات رفتاری هستند که شخص برای تخفیف استرس و عدم امنیت خویش به آن روی می‌آورد و لذت حاصل از آن، او را وامی‌دارد که از آن رفتار در مواقع مختلف جهت کاهش استرس‌های زندگی و آشفتگی‌های فکری و درونی به صورت یک ابزار ایمنی‌بخش استفاده کند و این روش‌ها به تدریج به موارد دیگر زندگی نیز تعمیم داده و تبدیل به عادت می‌شود.

اگر شخص در این مرحله به عادت خود، ناآگاه بوده و خود یا با کمک درمانگر درصدد کاهش یا از بین رفتن آن عادت برنیاید، تبدیل به اختلال شده و اگر باز به موضوع بی‌اعتنایی کرده و برای درمان اقدامی صورت نگیرد، آن عادت با زندگی فرد عجین شده و در عملکردهای او در زندگی شخصی، خانوادگی، شغلی و ... اختلال ایجاد کرده و به وسواس تبدیل می‌شود.

اما عادت‌ها همیشه به این شکل‌هایی که می‌شناسیم نیستند، عادات به ظاهر ساده‌ای نیز وجود دارند که به قدری در زندگی‌های ما جا باز کرده‌اند که آن‌ها را به عنوان عادت نمی‌شناسیم و از وجودشان ناآگاهیم، به مثال‌های زیر توجه کنید: دانش‌آموزی که جای مشخصی برای مطالعه و درس خواندن در خانه دارد و در جایی جز آن نمی‌تواند درس بخواند، شخصی که هر روز بعد از ظهر در ساعت مشخصی باید بخوابد در غیر این صورت دچار سردرد می‌شود، زنی که در میان یک بحث خانوادگی همواره شروع به گریه کردن می‌کند یا مردی که به جای حرف زدن و حل و فصل منطقی مسائل خانوادگی قهر می‌کند و از خانه بیرون می‌رود و همیشه این شیوه را حفظ می‌کند، دانشجویی که برای متمرکز شدن روی درس‌هایش باید آدامس بجود، آقایی که برای تماشای تلویزیون در خانه باید جای مخصوص به خودش بنشیند و گرنه جنجالی فراموش نشدنی به پا می‌کند و ...، جملگی، مثلاً به عادات رفتاری هستند که خود از آن‌ها ناآگاهند.

روانشناسان بالینی درباره‌ی ماهیت عادت‌ها می‌گویند: «عادت‌ها سلسله رفتارهایی هستند که به ما کمک می‌کنند کمتر فکر کنیم و فعالیت‌های روزمره‌مان را سریع‌تر پیش ببریم.»



افکار، گفتار، رفتار را به وجود می آورد. گفتار، رفتار را می آفریند، رفتار، شخصیت را می سازد و شخصیت، سرنوشت را می آفریند. پس مراقب افکار باش که سرنوشت توست

کمک رفتار درمانگر صورت گیرد. اما دکتر اسپنسر جانسون راهکار جالبی به نام «توقف» دارد. این که ما در طول روز چند بار فقط برای «یک دقیقه» بایستیم و ببینیم چه می کنیم. به آن چه فکر می کنیم یا انجام می دهیم بنگریم و خود را محاسبه کنیم. درست مثل کسی که در شهر رانندگی می کند و در برابر تابلوها و چراغ های ایست، توقف می کند. این علامت ها کمک می کنند تا شخص به آسانی و سالم به مقصد برسد. هر چند این کار عجیب به نظر می رسد که ما فقط در یک توقف کوتاه بخواهیم به آن چه انجام می دهیم بیندیشیم و به سؤال های خود پاسخ بدهیم ولی اغلب در همین فرصت های کوتاه، راه بهتر شدن کار یا فکری که در آن دقیقه درگیر انجامش هستیم را پیدا خواهیم کرد. همین توقف کوتاه به ما کمک می کند به سرانجام کارها بیندیشیم و این یعنی مراقبت از خود، زیرا به کارگیری فکر و اندیشه در کارها، پایان کار را نیکو می کند و از طرفی نیک و بد کارها را نمایان می سازد و همچنین ما را آماده می کند تا به اصلاح آن ها پرداخته و نتیجه بهتری بگیریم.

انسان خودش برای خودش نگهبان بگمارد تا مراقب اعمال او باشد. در درون هر یک از ما مرکزی وجود دارد که می داند چه چیز برای ما خوب و چه چیز بد است.

اولین و مهم ترین کار برای تغییر رفتار، خودآگاهی است. کاملاً روشن است که اگر شما در مورد چکه کردن شیر آب اطلاعی نداشته باشید، انگیزه های هم برای بستن آن نخواهید داشت. در حقیقت بی توجهی و درست نکردن شیر آب سبب می شود که یک چکه کوچک تبدیل به یک جریان محکم و قوی شود. به همین ترتیب ما اگر از عادت هایی که اکتساب کرده ایم آگاهی نداشته باشیم انگیزه های برای ترک این عادت ها نخواهیم داشت. عادت نیز مانند نشی شیر آب است و اگر نادیده گرفته شود مطمئناً به جریانی قوی تبدیل خواهد شد به همین دلیل است که آگاهی عامل بسیار مهمی در فرآیند ترک عادت است، عادت ها به تدریج و تقریباً ناآگاهانه شکل می گیرند، ترک آن هم باید آرام و به تدریج اما آگاهانه انجام پذیرد. کار را باید از جایی شروع کرد. در غیر این صورت نتیجه ای حاصل نمی شود بنابراین یک رفتار را نمی توان تغییر داد مگر آن که درباره ی آن آگاهی و شناخت ایجاد شود.

توقف

از دیگر تکنیک های تغییر رفتار و ترک عادت علاوه بر خودآگاهی، شکل دهی، شناسایی محرک و پیشگیری از پاسخ، پاسخ جایگزین و نظارت است که شرح آن ها در این مقاله نمی گنجد و در سطح اختلال، بهتر است این تکنیک های رفتاری، با

تربس می کند از سر عادت انگشتش را می مکد یا کسی که به شدت عصبانی است به سیگار روی می آورد. در واقع وقتی خود با شکست ها و اتفاقات ناامیدکننده در زندگی مواجه می شود، به شخصیت اول خود برمی گردد، همان شخصیت نهادینه شده که تصمیم به ترک آن گرفته بود. خود وقتی به شخصیت اصلی اش برمی گردد، از تکرار رفتاری که می خواست با آن مبارزه کند، لذت می برد. این لذت نیز یک نوع واپس گرایی منفی ایجاد می کند. استرس های محیطی و درونی دو عامل مهم در بازگشت فرد به عادت های خود از دیدگاه روانکاوی است.

آن روز که ما تغییر نکنیم مرده ایم. وقتی رفتارهای پدر و مادری برای فرزندانشان پیش بینی شده باشد، دست معلمی همیشه توسط دانش آموزانش خوانده شود، رفتارهای فردی برای همسرش عادی شود و ... تبدیل به آدم های تکراری می شوند.

اما افراد مایل نیستند دست از عادت های خود بردارند، چون راحت ترند، حاضر نیستند در مورد کارها و اعمال خود فکر و اندیشه کنند.

به مرور زمان این رفتارها جزئی از شخصیت انسان شده و با زندگی فرد عجین می شوند. بدین ترتیب شخصیت انسان همان عادت های زندگی او است.

ساکنان ساحل پس از مدتی صدای امواج را نمی شنوند، چه تلخ است قصه عادت.

נלמד עברית

עברי ביאמוזים



חלק אחרון במה מלים יומיומית قسمت آخر برخی لغات روزمره

משפחה = خانواده ، قوم و خویش

עסקים = مشاغل - عكعيس = رنگ ها

משפחה = قوم و خویش

ארוס	نامزد (مرد)
ארוסה	نامزد (زن)
כלה	عروس
חתן	داماد
יולדת	والده - زن زائو
אב	پدر
אם	مادر
אבא	بابا (به زبان کودکانه)
אמא	ننه (به زبان کودکانه)
סב	پدربزرگ
סבתא - סבה	مادربزرگ
איש	مرد
אשה	زن
בעל - איש - בן-זוג	شوهر
עקרת-הבית - בעלת-בית	زن خانه دار
גלם	جنین (ماه های اول)
עובר	جنین
הרך הנולד	نوزاد
חתן דמים	بچه ختنه شده
תינוק	طفل شیرخوار
פעוט - עולל	کودک
ילד	پسر بچه
ילדה	دختر بچه
בן	پسر
בת	دختر
נער - בחור	پسر نوجوان (۱۲ تا ۱۵ ساله)
נערה - בחורה	دختر نوجوان (۱۲ تا ۱۵ ساله)
צעיר - בחור	مرد جوان
צעירה - בחורה	زن جوان
עזב - בחור	پسر جوان (عزب)
עזבה - בחורה	دختر جوان (عزب)
גבר	مرد
גברת	بانو
אדון	آقا
אח	برادر
אחות	خواهر
נקד	نوه (پسر)

נוה (دختر)	پیرمرد
זקן	پیرزن
זקנה	ریش سفید
שיבה	پشت سوم (نتیجه)
שלש	پشت چهارم (نتیجه)
רבע - גין	مرد بیوه
אלמן	زن بیوه
אלמנה	عمو - دائی
דוד	عمه - خاله
דודה	شوهر عمه - شوهر خاله
דוד	زن عمو - زن دائی
דודה	رفیق (دوست)
חבר	رفیقه
חברה	دائی یا خویشاوند نزدیک
מסרף	رفیق (همنوع)
רע	رفیقه - ندیمه
רעה	اشخاص - مردان
אנשים	زنان
נשים	پسر عمو - پسر دائی
בן דוד	پسر خاله - پسر عمه
בן דודה	زن برادر
אשת אח	برادر زن - برادر شوهر
גיס	باجناغ - شوهر خواهر
גיס	خواهر زن - خواهر شوهر
גיסה	ناپدری
אב חורג	نامادری (زن پدر)
אם חורגת	خواهر ناتنی
אחות חורגת	برادر ناتنی
אח חורג	مرد مجرد
בןק	زن مجرد
בןקה	متاهل
נשוי - נשואה	پدر شوهر
חס	پدر زن
חותן	مادر زن
חותנת	مادر شوهر - مادر زن
חמות	زن شیرده - دایه
מיינקת	جاری (هم عروس)
גיסה	زن برادر
גיסה	

אחין	پسر برادر - پسر خواهر
אחינית	دختر برادر - دختر خواهر
עורך אחראי	مدیر مسئول
עורך ראשי	سر دبیر
כתב	خبرنگار
עתונאי	روزنامه نگار
כותב - סופר	نویسنده
שגריר	سفیر
נשיא המדינה	رئیس جمهور
ראש הממשלה	نخست وزیر
רב אלוף	سرلشکر
אלוף משנה	سرهنگ
סגן אלוף	سرهنگ دوم
סגן הנשיא	معاون رئیس جمهور
סגן	معاون
קצין	افسر
חיל	سرباز
טיס	خلبان
היל	مهماندار (هواپیما)
סגן אדמירال	دریابان
רב חובל	ناخدا
חובل	ملاح
אמודאי	غواص
שר - שרה	وزیر
שר החוץ	وزیر خارجه
מלך - ملכה	شاه - ملکه
סגן יושב ראש	نایب رئیس
מורה - מורה	آموزگار - معلم
מנהל - מנהלת	مدیر
סדרן - סדרנית	ناظم
מורה דרך	راهنمای جهانگردی
מורה לטבע	معلم علوم طبیعی
מורה לחנוך גופני	معلم ورزش
מורה לחקלאות	معلم کشاورزی
מורה למوسיקה	معلم موسیقی
מורה לרקוד	معلم رقص
מורה לעיור	معلم نقاشی

معلم هنر	مורה לאמנות	تکنیسین فلزات	טכנאי מחכת	دادرس - قاضی	שופט
معلم کاردستی	מורה למלאכה	تکنیسین مرکبات	טכנאי הדריים	عطر فروش - داروگر	רקח
حسابدار	מנהל חשבונות	خادم - نوکر	שמש - עבד - משרת	قالب ریز - سیمان کار	ספסן
دفتردار	מנהל פנקסן	کلفت	שפחה	دباغ	בכסי
کارمند دفتری	לכלר	کارمند	פקיד	مطرب	זמר - מנגן
بازرس	מפקח	پرستار بچه	מגדלת	سنگ تراش	סתח
مدیریت تدارکات	נהול אספקה	خیاط	חיט	لباس شوی - رختشوی	בכס
مدیریت کارگزینی	נהול מנגנון	نجار	נגר	طراح - نقاش	צייר
مدیریت موسسه	נהول משכר	تراشکار - خراط	חרט	دهقان - فلاح	אקר
نماینده بیمه	סוכן בטוח	منبت کار	חשב	کار آگاه	בלש
نماینده آژانس مسافرتی	סוכן נסיעות	آهنگر	נפח	کشتی بان	קברניט
کتابدار	ספרן	کارگر	פועל	متصدی - مامور	ממנה
کممک داروساز	עוזר לרוקח	ساعت ساز	שען	محقق	חוקר
داروساز	רוקח	فروشنده	זכן	ناظر	משגיח
پزشک مرد	רופא	قفل ساز	מסגר	نگهبان	שומר - نوטר
پزشک زن	רופאה	آشپز	טבח - בשל	وکیل مدافع	פרקליט
چشم پزشک	רופא عינים	عكاس	צלם	لبنیات فروش	חלבן
دندان پزشک	רופא שיניים - שינן - שינן	خواننده	זמר	جوشکار	רתך
دام پزشک	רופא בהמות	رقاص	רקדן	رنگ	צבע
پزشک کودکان	رופא ילדים	کارگردان	במאי	سفید	لبن
پزشک داخلی	رופא פנימי	رہبر ارکستر	מנצח	سیاه	שחور
دکتر اعصاب	رופא עצבים	راندنه	נהג	قرمز	אדם
پزشک زنان	رופא נשים	شکارچی	צייד	نارنجی - طلایی	זהب
پزشک گوش و حلق و بینی	رופא آף-آذن	بقال	חננני מפלח	خرمایی - قهوه ای	حوم
پزشک پوست	رופא עור	دکاندار	חננני	زرد	צהוב
پزشک جراح	رופא מנתח	خرازی فروش	סדקי	سبز	ירק
پرستار - خواهر	אחות	واعظ - ناطق	דרשן - نوام	شیری	חלבי
عطر فروش	בשם	سخنران	מרצה	بنفش	סגל
بزاز	מוכר בדים	سلمانى	גלב - سפר	خاکستری	آפר
شیشه بر	זג	تاجر - بازرگان	תגר - סוחר	صورتی - گلی	نرد
دزد	גנב	ماما (قابله)	מیلדת	زرد مایل به قرمز	כתם
شخص کاسب	איש עסקים	ماهی گیر	דיג	آبی	כחל
مجسمه ساز	פסל	حصیر باف	חצל	نقره ای	بکسپی
گوینده رادیو	קרנן רדיו	دلال ازدواج	شدכן	سرمه ای	כחל
ارزیاب	שמאי	شناگر - آب باز	שחנן	لاجوردی - آسمانی	תקלתי
متخصص بهداشت	תברואן	آخوند	תאולוג	ارغوانی	آرغمانی
وکیل دعاوی	עורך דין	عمده فروش	סיטונאי	کرم	קרם
حسابرس رسمی	רואה חשבון	پستی - نامه رسان	דور	لیمویی	تورج
مترجم	מתרגם	تحصیلدار	בכאי	روشن	כהیر
پیش نماز	חזן	جلاد	חלین	تیره	כהה
مهندس	מהנדس	چوپان	روעה	رنگارنگ	צبويع
تکنیسین	טכנאי	مقلد	חקن	رنگ کار - رنگرز	צבע
تکنیسین ساختمان	טכנאי בנין	حلی ساز	פקח	رنگ کاری - رنگریزی	צבעوت
تکنیسین کشاورزی	טכנאי חקלאות	خاتن - ختنه کننده	موהל		

צבעים = رنگها

women.

In addition to the above programs IJWO has headed the public health section of Dr. Sapir Hospital and helped poor families. This is one of the remarkable activities of IJWO which is worthy of praise.

The need by Iranian Jewish women of Eastern Tehran to participate in social programs and attend to lecture sessions or religious meetings or public excursions has impaled IJWO to assign efficient and interested women to open a branch office at Saba Garden (East of Tehran). Right now that branch of the Association is seriously engaged in welfare activities.

IJWO Looks at Bright Horizons Ahead

Thanks to its many years of experience and active members the Association of Iranian Women and Girls is determined, with help of Almighty God, to continue its welfare activities and improve the living condition of the Iranian Jewish women. IJWO looks at bright horizons ahead and is aware that by benefiting from the knowledge of Iranian Jewish scientists, skilled social workers and female human rights activists and religious teachers and by soliciting the support of the Iranian Jewish community it will overcome every obstacle and hit new milestones in the future.

Top Students of Ettfaq Academic Complex praised

Top students of Ettfaq Academic Complex were praised and received awards on Bahman 20th (Jan 9th, 2011) in a ceremony, during a nationwide celebration on the occasion of the victory of the Islamic Revolution.

The ceremony in the presence of the Academic Complex personnel, the students and their parents at Ettfaq School began with the playing of the national anthem of the Islamic Republic of Iran followed by recitation of some holy verses of the Old Testament. The other program at the event included group singing of revolutionary songs on the Islamic Revolution, performing a theatrical play on the despotic regime of the ousted Shah, and playing some musical pieces, all by the students of Ettfaq School.

In next part of the event the principal of the school, Ms. Rahmani, after congratulating the 32nd anniversary of the victory of the Islamic Revolution spoke about organizing a research book exhibition and an exhibition of the students' handicrafts, as well as their successful participation at sports events and gaining colorful medals.

At the closing ceremony of the event the Head of the Cultural Committee of the Association of Tehrani Jews Community Farhad Aframian congratulated the victory anniversary of the Iranian

nation's great revolution. He then considered the top students as the future builders of the Iranian Jewish community, arguing, "Providing an appropriate academic atmosphere coupled with their good studies and acquiring life and social expertise would definitely be long and effective strides towards the flourishing and exaltation of our cultural society. He meanwhile considered the Jewish martyrs of the revolution era and the activities of the Jewish community during the course of the revolution as the cultural capitals of this society, adding, "Any Iranian Jew while remaining faithful to his religious and beliefs and identity can by acquiring social skills and scientific mastership not only serve his society and his country, but also be a good symbol and a proper sign of his society among the community of majority both inside the country and abroad.

In the next part of the program the names of the medal awarded students at the scientific Olympiads were read in the presence of the official of the of Tehrani Jewish Community's Cultural Committee, Head of the Parents and Instructors Association of Ettfaq Academic Complex Mr. Yeroshelmi, the principal of the complex and the other members of the Parents and Instructors Association, and they were praised and awarded.

A Glance at 20 Years Activities of the Iranian Jewish Women Organization

It is nearly two decades since the Association of Iranian Jewish Women and Girls (IJWO) has benefited from the resources of the Association to take remarkable steps in cultural, social and artistic fields and the volume of its work has been climbing.

The Association of Iranian Jewish Women and Girls resumed its operation as of 1991 at a time that it seemed impossible to launch a Jewish organization of that magnitude like other Jewish organizations. However conditions were such that encouraged the Association to resume its operation with new added incentive and vigor.

IJWO must be considered as continuation of Iranian Jewish Woman Organization which is an old organization in the Iranian Jewish community.

The efforts of the members of the Iranian Jewish Women Organization proved successful and the Association received official permit from the Ministry of Interior in the year 2002 to register its name and elect its members of the board of directors.

Farangis Hasidim, who has spent 50 years of her life in Dr. Sepir Hospital to serve the Iranian patients, can be reckoned as an efficient and accomplished lady in the Iranian Jewish community. She truly deserved to be elected as the chairman of the

board of directors of Sepir Hospital;

Hasidim, who is the member of the board of directions of the Iranian Jewish Association, is nowadays working with all her vigor and profits from her long years of experience to contribute to the progress of IJWO and to benefit from the potentials available among Iranian Jewish women to serve their sisters.

The board of directors of IJWO is trying to launch expertise programs in keeping with the country's needs. The Association is in a position to help Iranian Jewish women and girls to display their capacities and talents.

The board of directors of Association of Iranian Women and Girls consist of Farangis Hesidim, Farideh Pouranian, Flora Tavakoli, Flora Akhavan, Sarah Kahen, Forough Vahdat and Farzaneh Tehrani.

Two Decades of Efforts; Two Decades of Honor

Under the existing conditions IJWO's two decades of efforts is remarkable and praiseworthy.

The presence of Dr. Farangis Hasidim as chairman of IJWO' along with other members of the Association in various seminars and conferences held within and outside Iran is an important program of IJWO and is aimed to introduce the activities of the

Association to Iranians and foreign nationals.

Another important agenda of IJWO during the last two decades was to organize lecture sessions and e various scientific and educational workshops for Jewish women.

Revival of two Jewish kindergartens (namely Yalda 1 and Yalda 2), continuously attending to their needs with the cooperation of the officials of the Iranian Jewish Association was another program of IJWO. In addition to these programs the IJWO has launched many meetings and its members have served as expertise consultants for families, especially for mothers. They have offered educational programs and organized classrooms to teach the mothers how to raise their children in a healthy and wise manner.

IJWO has also launched various festivals, seminars and excursion or religious tours to fill the empty hours of the Iranian Jewish Women.

The Association of Iranian Jewish Women and Girls has also organized computer classes, classes for body building, family skills and psychological lectures to address the mental problems of Jewish families. It has also launched different exhibitions to display the handicraft and artistic works of Iranian Jewish

with Sepir Hospital and continue to work for it sincerely and devotedly. I can remember quite well that many years ago I thought my prime mission in my life was to work in the hospital and left my children alone at home in order to focus and efficiently discharge my duty.

"I have spent 35 five years of my life to work sincerely and devotedly for the Hospital. I was very severe with my colleagues during my tenure in order to help the Hospital to survive and to offer suitable and acceptable service to patients. I hope my colleagues will excuse me if I was too strict with them in during the working hours."

Referring to the difficulties surrounding the hospital Dr. Hesidim said, "Many hospitals suffer from shortage of funds but I am happy that the personnel of Sepir Hospital have resisted all pressures and shortcomings and have overcome many obstacles and continue to serve the nation."

Hesidim concluded her remarks by thanking all the people who either visited her or inquired about her health when she was ill.

Dr. Siamak Moreh-Sedq:
"Hasidim Is A Lionhearted Lady who has Served Sepir Hospital for Many Years"

During the ceremony Dr. Siamak Moreh-Sedq, the manager of Sepir Hospital, congratulated the 32nd anniversary of victory of Islamic Revolution and

expressed a hope that solidarity, brotherhood and equality will continue among all tribes and faiths in Iran.

"It doesn't matter whether I am head of the Hospital or an ordinary member. What matters to me is that along with my good colleges in Sepir Hospital I have had the honor to work as a true servant of the Iranian nation," he noted.

He thanked all the hospital staff who had worked hard for Sepir Hospital in the past 60 years.

"I kiss your hands one by one because I feel I am indebted to of you who have labored for me," Moreh-Sedq told the Hospital staff.

Expressing his thanks and appreciation for the efforts of founders and pioneer members of the Hospital, Dr. Moreh-Sedq paid tribute to late Gad Naeem and Dr. Javaheri.

"The board of directors of the Iranian Jewish Association has helped the Hospital by all means and I wish to thank them for their sincere contribution to Sepir Hospital," he said.

Expressing his thanks for the kind attention of President Ahmadinejad, the manager of Sepir Hospital said, "Sepir Hospital could not have survived without the support of Dr. Ahmadinejad.

"The President has always helped and encouraged us. Besides the President his ministers of health have also supported the Hospital under different circumstances."

Dr. Moreh-Sedq concluded his remarks by saying, "I sincerely pray for recovery of Dr. Farangis Hasidim and hope to see her in her office in Sepir Hospital as soon as possible. She is a lionhearted lady who served the people bravely and devotedly during the victory of Islamic Revolution and the imposed war."

Dr. Manouchehr Elyasi:
"Sepir Hospital will Continue to Function For Ever."

The next speakers were Dr. Mohber and Dr. Raffi. Dr. Mohber congratulated the dawn of Islamic Revolution and described the condition of the Hospital. Congratulating the victory of the Islamic Revolution Dr. Raffi said doctors, especially the Iranian ones, are forerunners and leaders of various activities in the society and are present in every social upheaval. He said doctors are responsible for people's health and life and handle the most difficult job in the community.

Dr. Manouchehr Elyasi, another doctor in Dr. Sepir Hospital, first of all paid tribute to Dr. Farangis Hesidim whom he described as symbol of patience, forbearance and struggle in Sepir Hospital. "This hospital will survive for ever because it is managed by gifted and hard working personnel," he said.

Dr. Babak Sedaqat-Kamal also congratulated the dawn of the Islamic Revolution and thanked Dr. Hasidim for her dedicated service to the Hospital.

Pioneer Founders of Dr. Sepir Hospital Commended

Sepir Hospital has Discharged its Duty to the Nation

During the Second World War Iran was considered as a strategic country for the warring sides and of course the strategic position of Iran did not benefit the country. On the contrary our country was exposed to serious dangers and our nation suffered from deadly contagious diseases. Due to lack of health faculties to prevent the spread of contagious diseases we lost many people south of Tehran who had contracted typhoid. During that time a number of Iranian generous and noble Jewish doctors and elite set up the Dr. Sepir Clinic at Oodeljan District which was the traditional district of Jewish settlers in Tehran. Actually the clinic was set up inside Molla Hanina Synagogue at that District.

In keeping with the holy commandment of the Torah which says, "love your kind in the same way as you love yourself" these God-loving and generous people set up the clinic and improved the clinic from generation to generation to the extent that no hospital can be found in Tehran better equipped and prettier than the Sepir Hospital. For the founders, management, doctors and the personnel of Sepir Hospital curing sick people (of other faiths) was far important than serving their own brothers and sisters.

Among the kind Jews Dr. Rouhollah Sepir was one of

the generous doctors in love with humanity who converted one of the rooms of the Jewish Synagogue into a clinic. Gradually and in the course of time the hospital founders purchased the neighboring houses around the Synagogue and enlarged the hospital to its present size.

During the ensuing years thanks to the generous Iranian Jewish citizens and hospital staff Sepir Hospital continued its generous service to the inhabitants of the capital and during sensitive years such as the turbulent days that led to the victory of Islamic Revolution and eight years of sacred defense and other emergency conditions the Hospital was foremost among other hospitals to serve the noble Iranian nation.

On the occasion of the anniversary of establishment of Sepir Hospital which coincided with the 32nd anniversary of victory of Islamic Revolution in Iran the following lectures were delivered by several Jewish doctors at Sepir Hospital in a ceremony that was held to mark the event.

The ceremony was attended by the head of the Tehran Jewish Association, the treasurer and cultural officials of the Association, the representative of the Iranian Jews in the Islamic Consultative Assembly, the manager and doctors and other personnel of Sepir Hos-

pital.

Farangis Hasidim:

"The Jews Moved Alongside the Nation and Contributed to the Victory of Islamic Revolution"

During the ceremony while congratulating the 10-day Dawn of the Islamic Revolution Farangis Hasidim said Sepir Hospital was one of the remarkable medical treatment centers in Tehran which offers medical service to the Iranian nation. She said Sepir Hospital has discharged its duty during the culmination of Islamic Revolution, years of Iraq-Iran imposed war and under normal conditions.

"During the victory of Islamic Revolution of Iran the Iranian Jews moved alongside their other good countrymen and during the war too treatment of the wounded personnel was the prime policy of the Hospital," said Hasidim.

Confessing that she was in love with the Hospital and had worked with complete devotion in it Dr. Hesidim added, "I remember quite well that many years ago working in the hospital was one of my essential duties in life and I was so much devoted to my work that I left my children alone at home to discharge my role in the hospital in the best possible manner."

Hasidim said, "I am in love

in an exclusive interview with the reporter of Ofoq Bina, regarding the construction process of a new synagogue and thirty flat apartments for the elderly folks:

The construction work on the building of the new Elderly Folks House, which had begun based on a proposal made by myself and its ratification by the Association of Tehran Jewish Community due to being worn out of the old house, is now 90% finished and the remainder 10% of the job, too, which was not finished due to bad weather conditions, would soon be completed.

Focusing on the construction of 30 flat apartments whose ground breaking ceremony has been held, he said, "The elderly bachelor, or married individuals who are often well off, but deprived of any relatives, or close family members to take care of them and their security is at stake, or those who have got sick due to loneliness and cannot take care of themselves, can reside at these flats apartments."

He added, "The decision was adopted by the Board of Managers of the Jewish Community Association for the welfare of these dear Jewish individuals at a session of that association."

Presence of Jewish society at 32nd anniversary of Islamic Revolution

The Jewish society of Tehran in collaboration with the Fajr Ten Day Celebrations Headquarters, established the Joint Fajr Ten Day Headquarter of the Jewish Society at the office of this society.

This headquarter side by side with the other minorities of the country and the Fajr Ten Day Celebrations Headquarters participated at the ceremony of laying a bouquet of flowers at the mausoleum of the late Imam Khomeini (P) on Bahman 12th (Jan 1), paying respect to the minorities' martyrs at the Jewish Cemetery of Tehran, and had an active presence at the Bahman 22nd (Jan 11) nationwide rallies. Among the other activities of this headquarters there was sponsoring a poetry night titled the Martyrs of Revolution by the Cultural-Artistic Jewish Center, organizing cultural and sports competitions at Jewish Association's special schools and free visits of patients by Dr. Sepehr during the ten-day period of the Fajr Celebrations.

The Jewish Fajr Headquarter also in collaboration with the Jewish Associations at different provinces and townships throughout Iran, sponsored special celebrations nationwide, among which we can refer to the Iranian Jews celebrations in Kermanshah, Shiraz, and Isfahan.

ACTIVE PRESENCE OF ISFAHANI JEWS AT FAJR TEN DAY CELEBRATIONS

The society of Isfahani Jews had an enthusiastic presence at the celebrations of the minorities held on Thursday Bahman 11th (Jan 1) at Master Farshchian Hall of Isfahan. The event was held in the presence of Isfahan Governorate and Islamic Guidance Office of the city's officials. The religious leader of the Iranian Jews Rabi Masha-Allah Golestani-Nezhad, the representative of the Iranian Jewish society at the Islamic Parliament of Iran Dr. Siamak Morreh Sedq, and a group of members of Tehran and Isfahan Jewish societies' boards of directors were present at the event.

BAHMAN 22ND CELEBRATED BY KERMANSHAH JEWS SOCIETY

The Kermanshah Jewish Society celebrated the 32nd anniversary of the glorious victory of Islamic Revolution of Iran with a feast at the Gatherings Hall of that city's Jews in the presence of the representative of the Supreme Leader in Kermanshah Province Ayatollah Olama, the representative of the Iranian Jewish society at the Islamic Parliament of Iran Dr. Siamak Morreh-Sedq, and a large group of Jews of Kermanshah and Kamyaran.

Commemoration Service Held for Late Mr. Gad Naeem

A commemoration service was held in Tehran last week for late founder of the Elderly Jewish Folks House, late Mr. Gad Na'eim at that center's Gatherings Hall.

Present at the commemoration service there were a number of the Board of Governors members of the Tehran Jewish Community Association, the Board of Trustees of the Elderly Jewish Folks House, a group of officials from the Welfare Organization of the country and some other social activists of the Jewish community. The Head of the Board of Trustees of the Elderly Jewish Folks House Manouchehr Sarfaraz in an address referred to a brief history of the establishment of the Elderly House, saying, "Although there have been difficulties and hardships in the way of establishing this elderly house, it has fortunately been turned into a scientific, well equipped complex in accordance with the standards of the country's Welfare Organization.

He informed the audience that the Elderly Jewish folks House is a complete system today, arguing that these successes are the fruits of the selfless efforts made by late Mr. Na'eim.

Sarfaraz also referred to

the round-the-clock activities of the personnel of the center, adding, "In addition to a hard working and qualified personnel, this complex has very competent and top managers and these two factors have helped us in reaching a satisfactory level of performance."

The next speakers at the commemoration service included Dr. Beiza'ie, Engineer Baqeri, Dr. Rahmatollah Rafi'a, Dr. Manouchehr Elyasi, and ladies Rafi'a, Tavakkoli, Davarpanah, and Poratian, who each elaborated on the fine personality traits and niceties of the late Mr. Na'eim, narrating memories of him and reciting poems in his remembrance, thus commemorating that late personality.

At the commemoration service also the representative of the country's Jewish community at the Islamic Parliament of Iran Dr. Morrah Sedq said that the absence of the late Mr. Gad Na'eim is a great loss for the Iranian Jewish community.

On the sideline of the commemoration service a Plate of Honor in Remembrance of Gad Na'eim was unveiled at Na'eim Park.

The plate reads: "In the name of God; to appreciate

the valuable services and the extraordinary hardships endured by the late Mr. Gad Na'eim at the service of wellbeing of the elderly folks, this part of the park will be named after him. May he live in peace in the Hereafter, and his name be always remembered with respect."

Among the other programs on the sidelines of the commemoration service we can refer to the visit of the audience of the new half finished building of the Elderly Jewish Folks House, located behind the Synagogue, and the ground braking ceremony for the construction of flat apartments for the old couples and the old single individuals who are either financially not well off, or suffer from loneliness. The pickax of the ceremony was hit jointly by Dr. Rafi'a and Mr. Kohan.

Head of Board of Directors of Elderly House announces:

Construction of new Elderly Folks House 90% completed

Head of the Elderly Jewish Elderly Folks House announced on the sidelines of a commemoration service in the honor of that center's late founder Mr. Gad Na'eim

Pseudo-intellectuals, self-declared guardians

Dr. Siamak Morreh Sedq

Since the level of academic studies and free studies of the people in a society differ and normally in a cultural pyramid the major part of its volume is occupied by those that due to daily occupations have not much time to study and acquire scientific insight about the delicate relations and the delicate social issues, always the group that due to personal interest, or the privilege of better material blessings finds greater chances for reading and contemplation over cultural issues finds itself more elite and more knowledgeable than the majority in their society and tries to influence the others with their thoughts.

Particularly in the societies where due to cultural limitations the majority of people are deprived of the possibility of getting fully acquainted with thought trends, even if there is appropriate time for getting informed and acquainted with such thought trends for everyone, due to the difference in the extent of the individuals' interests, and genetic capabilities, the extent of different people's awareness will differ. Particularly more so in today's world that due to the complications of the sciences and technologies the entire scientific activities have become ultra-professional and the era of those philosophers that used to become masters of all sciences of their times has for a long time come to an end.

It has been a long time now that the world of thoughts has been needless of oceans that are no deeper than an inch and the time for such philosophers as Avicenna and Harabam has come to its end. Therefore, it has been a long time now that an ordinary individual, no matter how academically learned he might be, is no longer capable of opining in entire scientific fields professionally. Meanwhile, it has now been a long time that various societies have come up with the conclusion that in order to find the solutions to various problems it is necessary to refer to those experts that in addition to having the theoretical knowledge have the minimum required experience in a certain field, as well.

As we all know, for instance, merely because someone is a doctor it does not mean that he can be a competent analyst as well over entire social, cultural, religious or political developments, and probably the worst medical prescriptions can be made by best

philosophers of the time. Likewise, in the framework of the social issues, the cause and effect relations in a society are always too complicated to be prevented merely by presenting analyses, or to expect that by preventing a single cause, an effect would no longer exist. That is because in the field of the cultural and social issues normally there are various causes that influence a phenomenon and as a result each phenomenon is the fruit of various causes that can even have counter-effects on one another and many of these causes are either uncontrollable by nature, or managing them requires a long period of time during which there is also need to multifactor analyses in order to comprehend and reign them.

It is a pity that in smaller societies some people assume they have become scientists merely by reading a number of newspapers, sometimes browsing at the virtual space (of the internet) and buying a number of books and reading their preludes, particularly if a few of their friends and relatives, too, would due to their own weak academic insight, or just in a bid to complement them, keep on confirming them and accept the solutions proposed by them as appropriate for solving the entire problems. This way, unaware people present overnight solutions for the most complicated cultural and social issues that in the minds of their designers are reshaped to become the keys for the entire closed doors, and their designers are introduced as the axes of proper thinking. Such thoughts are typically presented with much enthusiasm and so ambitiously that is typically expected of the teenaged people and their initiators assume that the others are either due to conservatism or due to their lack of competence in comprehending the status quo, incapable of presenting them. But as we earlier mentioned, such spontaneous solutions are often presented keeping in mind just one of the dozens of existing problems and most often they cost way above the expected benefits of them. These spontaneous solutions remind one of the ideas of Don Quixote, which were always confirmed and strengthened by Sancho Panza. Particularly today that with the expansion of the virtual space everyone can very easily express their viewpoints and with the relative freedom of ex-

pression emerged in our small society, proposing any kind of criticism does not cost anyone very much. Still, we are witnesses to the birth of few champions that volunteer to fight the wind mills and intend to make moves at the expense of the society members, but they themselves raise the white flags after facing the first serious problems. This group of pseudo-intellectuals looks at the cultural and social activities as pastime activities and free time fillers and never considers the problems comprehensively in an all encompassing manner. A general rule has always existed in the human sciences and will always be there for ever and that is the fact that the spontaneous and crash type resolutions merely contribute to further complications of the situation and as we see the pseudo-intellectuals that without proper studies and thorough understanding on various aspects of the existing problems present apparently brave solutions, in the long run merely bring forth widespread fear and contribute to the attitude of seclusion in a society. That is because the scene of the social activities is the scene for the survival of the strongest and the fittest species, not the scene for lengthy discussions on best abstract ideals that exist merely in the minds of their initiators. That is because without sufficient cognition, deep analysis and full comprehension of the particular social, cultural and historical status, presenting a solution is like going mountaineering aimed at conquering the highest peaks of the Everest Mountain without the appropriate shoes and clothes and prior to proper body building exercises, or having the experience of climbing the Damavand and Dena mountains in advance. If adopting spontaneous decisions at the scene of personal and family lives is dangerous and illogical, making such decisions at the scene of social activities is much more perilous and hazardous. In order to ensure having a better future any society is in need of realist thinkers with deep historic insights and capability of proper analysis of the status quo at lowest costs and presentation of solutions for the society since the eventual gain of the societies that adopt implementation of spontaneous solutions that have no historic support there is no predictable future but defeat and humiliation.

אֶפֶק בִּינָה

OFEGH BINA
Cultural , Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 12. No 39 , Winter 2011

Concessionary:
Tehran jewish Committee

Managing Director:
Dr. siamak Moreh Sedgh

Chief Editor:

Farhad Aframian

Editorial Board:

Dr. Younes Hamami Lalehzar, Rahman Delrahim,

Tina Rabiezadeh, Maryam Hanasabzadeh, Jean Payab, Shergan Anvarzadeh, Sima Moghtader, Elham Moadab, Farhad Rohani, Lioura Saeed, Saman Nedjati

Cover Designer: Rahmatollah Nehdaran , Dariush Nehdaran

Publication Address:

3rd fl., No 223., Sheikh Hadi St., Tehran

Postal Code: 11397-33317

Tel: 0098 21 66702556

Fax: 0098 21 66716429

bina@iranjewish.com

www.iranjewish.com

Another Word

Farhad Aframian

Perhaps it would have been better at the eve of the Iranian New Year to open or end our editorial as is our policy by merely congratulating our readers and wishing them a very happy new year.

This time too although we sincerely wish happiness and joy in the coming year for all of our readers I ask the permission of them to let me profit from this opportunity to speak about other things as well.

Whatever has been written from the first issue of 'Ofoogh-e Bina' magazine and under whatever title has indirectly or directly reflected the opinion of the writer of the articles - which has surely pleased a part of our readers and has gone against the opinion of other readers or our other readers have expressed no opinion about such articles.

But this time the editorial has been written by a sympathetic Jew who is sure that every enlightened and true Jew agrees with his opinion. Yes, the editorial of this issue of the magazine addresses, without exception, addresses all enlightened and wise Jews in this country.

The question is about the unpleasant things which have happened to the Iranian Jewish community in the past few months which I am sure a great part of our community is silent about them. Because perhaps every person has his or her own opinion about the reason for such happenings which does not necessarily conform to the opinion of others. In other words some Jews would agree with an opinion and others might disagree.

But I am speaking about the incentives behind such incidents and their results which I am sure all of us comprehend and agree. Obviously and really a series of things have happened which has blackened the image of the Iranian Jews and has endangered their solidarity. I am sure that all our readers agree with this editorial.

Then what must be done?

Perhaps a group of elders of the Iranian Jewish community must gather and try to reduce the existing tension among Jews. Perhaps meetings between disputing parties and consultation between them can ease such tensions.

Perhaps speaking candidly and clearly about the reasons (which each of us are aware about them) can help us achieve a social balance and recover and revive our ancient cultural and religious dignity. Perhaps...

As the smallest and youngest member of this great and ancient community and the smallest leave of this sturdy old tree I take the liberty to warn you that all the achievements of the true followers of the oldest monotheistic religion in the world is in danger of annihilation. We have no more time to shut our eyes against truth and clash of opinion or to compete or quarrel with each other like children.

Maybe the catastrophe which is threatening and eating us from inside our community is far disastrous than our biggest foreign enemy which some believe is threatening our community. Therefore, let's consider all of us as passengers of a single ship or airplane and understand that all of us have a share to help our ship or airplane to reach its destination safe and sound. Which passenger you know who doesn't understand that one must not do something foolish to imperil a safe journey? It is unwise for any one of us to say that he has done some harm and expect others to behave wisely. All of us must reach our destination safe and sound and none of us has the right to endanger our flight because none of us will finish our journey safely if one of us damages our carrier.

We hope in the coming Iranian year each of us will have new ideas for the betterment of our condition. We hope each of us will be upright in his words and deeds so that everybody will know that the Jewish community is united in its mission, Surely each of us must try to take the first step towards that sublime end.

May every day of your life dawn like a new year!

Editor_bina@iranjewish.com

OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 12. No 39 , Winter 2011



۲۶ دی ماه سالروز تاسیس کانون خیرخواه
بیمارستان دکتر سپهر در سال ۱۳۲۱ ه.ش تاسیس گردیده است.

ل'ט